

نیایش

جلد دوم

دعاهای شخصی

فهرست

مقدمه

بخش اول: نیایشهای روزمره

نیایش بامدادان

نیایش نیمروز

نیایش شامگاهی

بخش دوم: مزامیر و سرودهای منتخب جهت نیایش

مزامیر منتخب جهت نیایش بامدادی

سرودهای منتخب از عهد جدید

مزامیر منتخب جهت نیایش نیمروز

سرودهای منتخب از عهد جدید

مزامیر منتخب جهت نیایش شامگاهی

سرودهای منتخب از عهد جدید

مزامیر منتخب جهت نیایش سپاسگزاری

سرودهای منتخب از عهد جدید

مزامیر منتخب جهت نیایش برای دور ماندن از تجربه

سرودهای منتخب از عهد عتیق

مزامیر منتخب جهت نیایش برای شفای بیماری

سرودهای منتخب از عهد عتیق

مزامیر منتخب جهت نیایش توبه و طلب بخشش

بخش سوم: نیایشهای خاص اعیاد مختلف کلیسایی

۱- نیایش در زمان مژده ها

۲- عید میلاد مسیح

۳- عید ظهور مسیح

۴- ایام روزه

۵- ایام صلیب مسیح

۶- عید رستاخیز مسیح

۷- عید صعود مسیح

۸- عید نزول روح القدس

۹- عید تجلی مسیح

۱۰- عید به خواب رفتن حضرت مریم

۱۱- عید صلیب پرجلال

۱۲- عید تقدیس کلیسا

بخش چهارم: سایر نیایشهای

دعای عیسی

تسبیح مریم مقدس

دعاهای طلب یاری

دعای قبل از صرف غذا

دعای انتخابی از قدیس یوسف حضایا

دعایی از شارل دوفوکو (دعای تسلیم)

دعایی ساده از قدیس فرانسیس آسیسی

نیایش قدیس ایگناتیوس اهل لویولا

مقدمه

«پذیرفتن روح القدس،
فعالیت يك عمر می باشد»

بنابراین هر روز بگوییم:

* بیا، ای روح القدس، ای سرچشمه محبت و آرامش، بیا!

* * *

ای روح القدس،

ای عزیزترین میهمان دلهای ما،

معنای ژرف این جشن بزرگ را بر ما آشکار نما

و دلهای ما را برای برپایی آن در ایمان،

در امیدی که یأس نمی پذیرد

و در محبتی رایگان مهیا ساز.

ای روح راستی،

تو که عمقهای خدا را کاوش می کنی،

ای روح یلداآورنده و قدرت نبوت در کلیسا،

در عیسای ناصری بشریت را به سوی شناخت

خداوند جلال، منجی عالم

و کمال والای تاریخ هدایت فرما.

* ...

ای روح آفریننده،

ای معمار نامریی ملکوت،

با قدرت عطایای مقدست کلیسا را هدایت نما

تا از آستانه هزاره جدید با شجاعت بگذرد

و نور کلمه نجات بخش را
به نسل‌های آینده برساند.

* ...

ای روح تقدس
ای نفخه الهی که کائنات را حیات می بخشی
بیا و چهره زمین را تازه کن.
اشتیاق به اتحاد کامل را در مسیحیان بیدار نما
تا نشانی روشن از اتحاد صمیمانه با خدا،
و وسیله ای مؤثر جهت وحدت تمام بشر گردند.

* ...

ای روح مصاحبت،
ای جان و حامی کلیسا،
عطا کن که عطایا و خدمتها
جهت اتحاد بدن مسیح همکاری کنند.
عطا فرما که تعمید یافتگان،
و راهبان و خادمان دستگذاری شده
دست به دست هم دهند
تا ملکوت یگانه خدا را بسازند.

* ...

ای روح تسلی،
ای سرچشمه لایزال شادی و آرامش،
همدردی با فقیران را به ما الهام کن،
بیماران را قوت لازم عطا فرما،
به رنج دیدگان و تجربه شدگان امید و اطمینان ببخش
و اشتیاق به آینده ای بهتر را در تمام دلها احیا کن.

* ...

ای روح حکمت
ای الهام بخش قلوب و اذهان
تحقیقات علم و صنعت را هدایت فرما
تا در خدمت زندگی، عدالت و صلح باشند.
گفتگوی ما را با پیروان سایر ایان متمر ثمر بگردان
و فرهنگهای مختلف را به ستایش ارزشهای انجیل هدایت کن.

* ...

ای روح زندگی
که کلمه خدا به قدرت تو
در رحم مریم عذرا، بانوی سکوت و بیداری، تن گرفت،
ما را مطیع پیشنهادات محبت خود بگردان
و مهبای پذیرفتن آن نشانه های ایام
که در مسیر تاریخ قرار داده ای.

* ...

ای روح محبت:
ستایش، احترام و جلال بر تو باد
همراه با پدر قادر مطلق و پسر یگانه محبوب
از الآن تا ابدالآباد. آمین.

(دعای حضرت پاپ ژان پل دوم
در دومین سال جشن بزرگ ۲۰۰۰)

نیایش بامدادان

به نام پدر و پسر و روح القدس،
خدا را در برترین آسمانها جلال و بر زمین در بین مردمی که مورد لطف او
می باشند صلح و سلامتی باد. آمین. برکت ده خداوندا.
ای پدر ما که در آسمانی، تقدیس شود نام تو، بیاید فرمانروائی تو. قدوس،
قدوس، قدوسی، ای پدر ما که در آسمانی، آسمان و زمین سرشار از عظمت جلال
توست. فرشتگان و انسانها بانگ برمی آورند: قدوس، قدوس، قدوسی.
ای پدر ما که در آسمانی، تقدیس شود نام تو، بیاید فرمانروائی تو، روان باد
خواست تو روی زمین، چنان که در آسمان است. نان روزانه ما را امروز به ما ده،
بخشای گناهان ما را، چنان که ما نیز می بخشیم مدیونان خود را و ما را در وسوسه
میاور، بلکه ما را از شریر رهایی ده، زیرا فرمانروائی و قدرت و جلال تا به ابد از آن
توست. آمین.
قرائت متنی منتخب از اناجیل

دعای پیش از مزمو:

ای خداوند ما و ای خدای ما، به ما شایستگی عطا فرما تا طبق اراده پرستش
خدایت، با خلوص و صداقت، و آگاهی و کوشش، و راستی و تقدس، نیایشی پاک
به جا آورده، تا خداوندا، خدمت ما خشنودی تو، دعای ما خواسته تو، و التماس ما
مورد قبول مهربانی و رحمت تو واقع شود. تا موجب بخشایش خطاها و زدودن
گناهان تمام ایماندارانی که با فیض و رحمت خود برگزیدی، باشد. ای سرور جمیع
عالم، پدر و پسر و روح القدس تا ابدالآباد- آمین.

خواندن مزمو: یکی از مزامیر منتخب در بخش دوم همین کتاب را بخوانید.

نیایش طلب بامدادی: در طلوع بامداد، تو را که نجات دهنده همه آفریدگان
هستی، ستایش می کنیم. با رحمت خود روز پر آرامشی را به ما عطا کن، از

بخش اول

نیایشهای روزمره

خطاهایمان بگذر، امیدمان را قطع مکن، در را بر ما مبنده، توجهات را از ما دریغ مدار، ناشایستگی ما را در نظر مگیر، ای که از ناتوانی ما آگاهی. خدایا، در جهان بذر محبت و آرامش و سازگاری را بیفشان. خادمان و کشیشان و مسؤولان را برپا دار. آرامش و سلامتی را به سران عطا کن. بیماران را شفا ده، و شفا یافتگان را محافظت فرما. گناهان همه انسانها را ببخش. آمین.

دعای شخصی (آزاد)

دعای خاتمه: ای خداوند ما و ای خدای ما، با فیض خود در این بامداد عطا کن: رهایی مظلومان، آزادی اسیران، آسایش رنج دیدگان، شفای بیماران، نزدیکی دورشدگان، نگهداری نزدیکان، بخشایش گناهان، پذیرفتن توبه کنندگان، سربلندی صالحان، مواظبت از فقیران، پیدا شدن گمشدگان، برگشتن طردشدگان، یادبود نیکوی درگذشتگان، و رحمت و برکت برای تمام آفریدگان هستی را.

با فیض و رحمت خود، برای ما و تمام انسانها آن چیزی را مقدر کن، که یاری دهنده ما ناتوانان و گناهکاران باشد، تا سزاوار خداوندی ات گردیم. اکنون و تا ابدالآباد. آمین.

نیایش نیمروز

به نام پدر و پسر و روح القدس
خدا را در برترین آسمانها جلال،

و بر زمین در بین مردمی که مورد لطف او می باشند، صلح و سلامتی باد. آمین

برکت ده خداوندا. ای پدر ما که در آسمانی، تقدیس شود نام تو، بیاید فرمانروائی تو، قدوس، قدوس، قدوسی، ای پدر ما که در آسمانی، آسمان و زمین سرشار از عظمت جلال توست. فرشتگان و انسانها بانگ برمی آورند: قدوس، قدوس، قدوسی.

ای پدر ما که در آسمانی، تقدیس شود نام تو، بیاید فرمانروائی تو، روان باد خواست تو روی زمین، چنان که در آسمان است. آن نان روزانه ما را امروز به ما ده، ببخشای گناهان ما را، چنان که ما نیز می بخشیم مدیونان خود را و ما را در وسوسه میاور، بلکه از شریر ما را رهائی ده، زیرا فرمانروائی و قدرت و جلال تا به ابد از آن توست. آمین.

قرائت متنی منتخب از عهد عتیق

خواندن مزمور. یکی از مزامیر منتخب در بخش دوم همین کتاب را بخوانید.

نیایش شامگاهان

به نام پدر و پسر و روح القدس
خدا را در برترین آسمانها جلال،

و بر زمین در بین مردمی که مورد لطف او می باشند، صلح و سلامتی باد. آمین

برکت ده خداوندا. ای پدر ما که در آسمانی، تقدیس شود نام تو، بیاید فرمانروائی تو، قدوس، قدوس، قدوسی، ای پدر ما که در آسمانی، آسمان و زمین سرشار از عظمت جلال توست. فرشتگان و انسانها بانگ برمی آورند: قدوس، قدوس، قدوسی.

ای پدر ما که در آسمانی، تقدیس شود نام تو، بیاید فرمانروائی تو، روان باد خواست تو روی زمین، چنان که در آسمان است. آن نان روزانه ما را امروز به ما ده، ببخشای گناهان ما را، چنان که ما نیز می بخشیم مدیونان خود را و ما را در وسوسه میاور، بلکه از شریر ما را رهائی ده، زیرا فرمانروائی و قدرت و جلال تا به ابد از آن توست. آمین.

قرائت متنی منتخب از رسالات در کتاب عهد جدید

دعای پیش از مزبور: ای خداوند با اقرار به الوهیت تو ستایش های روحانی به جا آورده و شکوهت را با تمجید زمینی بر زبان می آوریم. ذات مخفی تو را با خلوص و صداقت و نیایشی پاک می ستاییم. ای سرور جمیع عالم: پدر و پسر و روح القدس تا ابدالآباد. آمین.

خواندن مزبور. یکی از مزامیر منتخب در قسمت دوم همین کتاب را بخوانید. **دعای ستایش:** تو را اقرار می کنیم ای خداوند جهان و تو را ستایش می کنیم ای عیسی مسیح، چون تویی که تن های ما را بر می خیزانی و تویی که نجات دهنده روح های ما هستی.

دعای خدای قدوس: خدای قدوس، قدوس و قادر، قدوس و جاودان بر ما رحمت فرما (سه بار).

جلال بر پدر و پسر و روح القدس، از آغاز، تا ابدالآباد. آمین.

دعای طلب شامگاهی: ای خداوند ما و ای خدای ما، با رحمت بیکران خود به دعای بندگان گوش فرا ده، و خواسته های ستایش کنندگان را بپذیر. با فیض و مهربانی خود از گناهان ما بگذر ای حکیم جسم و امید جانمان، ای سرور جمیع عالم، پدر و پسر و روح القدس تا ابدالآباد- آمین.

دعای شخصی (آزاد)

دعای خاتمه: جلال بر تو باد ای عیسی، ای پادشاه پیروز ما، ای روشنایی پدر جاودانی، ای که پیش از ازل و قبل از هر چیزی که به هستی آید، مولود بودی. ما امید و انتظار دیگری غیر از تو نداریم. با دعای عادلان و برگزیدگان که از همان ابتدا مورد قبول تو واقع شد، گناهان و خطاهای ما را ببخش و ما را از پریشانی برهان، به خواسته هایمان جواب ده و ما را در نور پر جلال بیاور. ما را از تمام زیانها و آسیبها مصون بدار، ای مسیح، ای امید حال و سراسر زندگیمان، تا ابدالآباد- آمین.

* * *

بخش دوم

مزامیر و سرودهای منتخب

جهت نیایش

مزامیر منتخب جهت نیایش بامدادی

«نور جهان را در نور تو می بینیم»

مزمور ۵

«سحرگاهان صدای مرا می شنوی»

۲- ای خداوند به سخنانم گوش فرا ده،

التماسم را دریاب.

۳- دعایی را که به سویت می آید بشنو،

ای پادشاه من، ای خدای من.

۴- خداوند تنها از تو یاری می خواهم،

بامدادان به ندای من گوش می دهی،

سحرگاهان، خود را برای تو می آرایم

و در انتظار تو می مانم.

۵- تو خدایی نیستی

که شرارت را دوست بداری.

۶- شیران میهمان تو نیستند

و نادانان تاب نگاه تو را ندارند.

از بدکاران نفرت داری.

۷- خداوند، تو دروغگویان را از میان برمی داری

و از قاتلان و فریبکاران بیزاری.

۸- اما من در پناه محبت تو

به خانه ات داخل می شوم،

و با ترس و احترام

به سوی معبد مقدست به خاک می افتم.

۹- خداوند، به حسب عدالت خود مرا رهبری کن!

و با وجود دشمنانی که در کمین من هستند

راه خود را پیش روی من هموار گردان.

۱۰- زیرا بر زبان ایشان هیچ راستی نیست،

اعمال قلبشان پر از شرارت،

گلویشان قبری گشاده و زبانشان فریبده است.

۱۱- (خدایا، ایشان را گناهکار بدان،

توطئه هایشان را سبب سقوطشان گردان!

به جرم فراوانی جنایاتشان، آنها را طرد کن،

زیرا که بر ضد تو قیام کرده اند).

۱۲- شادی و نشاط جاودانه، از آن کسی باد

که به تو پناه آورد!

تو حامی آنانی هستی که نامت را عزیز می دارند،

و آنها با تو به وجد می آیند.

۱۳- خداوند، این تویی که درستکار را متبارک خواهی گردان.

محبت تو همچون سپری حافظ او خواهد بود.

ای خداوند، بگذار دعای من دعای پسر محبوب تو باشد: مرا به سوی خودت

بازگردان و مرا در میان این دنیای افسارگیسخته بیدار نگاه دار. در او که عادل است

مرا برکت ده، زیرا در اوست که نام تو را دوست دارم.

مزمور ۸

«چه بزرگ است نام تو»

۲- ای پهوه، خدای ما، در سراسر گیتی
چه بزرگ است نام تو!

جلال تو تا به آسمانها خوانده شده
۳- نام تو در دهان کودکان خردسال
چون حصاری در برابر دشمنان توس
که آنها را از شورش و انتقام باز می دارد.
۴- در مقابل آسمان که کار انگشتان توس،
ماه و ستارگانی که تو آفریدی،
۵- چیست آدمی که به او فکر می کنی؟
کیست فرزند انسان، که تو نگران او باشی؟

۶- او را اندکی از خدا کمتر ساخته ای
و تاجی از شکوه و افتخار بر سرش نهاده ای؛
۷- آفریده های خود را در اختیار او گذاشته ای،
و همه چیز را زیر پایش قرار داده ای.

۸- گله گاوان و گوسفندان
و حتی حیوانات وحشی را،
۹- پرندگان آسمان و ماهیان دریا
و همه آبزیان.

۱۰- ای خداوند، خدای ما، در سراسر گیتی
چه بزرگ است نام تو!

ای خدای ما، سپاس بر تو باد، زیرا تو زمین را آفریدی تا آدمی بر آن مسلط شود و

شکوه نام تو را همه جا بسراید! سپاس بر تو باد به خاطر عیسی، پسر یگانه تو، که
اندک زمانی به مرتبه ای پایین تر از فرشتگان در آمد و تاج جلال بر سر نهاد،
خداوند سراسر کائنات! سپاس بر نام تو باد!

مزمور ۳۶

«در نور تو نور را خواهیم دید»

۲- در اعماق قلب شریر،
گناه است که سخن می گوید
و ترس خدا را
از جلوی چشمانش دور نگه می دارد.

۳- او خویشتن را با فخر می نگرد
تا گناهانش را نشناسد و از آنها بیزار نشود.
۴- در دهان او جز تزویر و ریا نیست
و از حکمت و نیکوکاری دست کشیده است.

۵- در بستر خود آرمیده، جنایتی را اندیشه می کند.
در راهی که نیکو نیست اصرار می ورزد،
نه، او بدی را ترک نخواهد کرد.

۶- خداوند، آسمانها لبریز از محبت تو هستند
و حقیقت تو، تا به عرش کهکشانه است.
۷- عدالت تو همچون افراشته ترین کوهها
و احکام تو، لُجَّة عظیم.
تو، یاور انسان و حیوان هستی؛
۸- محبت تو ای خداوند، چه گرانبه است!

ای خدا، بدین سان فرزندان آدم در سایه بالهای تو پناه می گیرند،

۹- از ضیافت خانه تو سرمست می شوند،
و از نهرهای گوارای خود سیرا بشان می کنی؛
۱۰- چون سرچشمه زندگی در توست.
نور را در پرتو نور تو می بینیم.

۱۱- محبت خویش را برای آنانی که تو را شناخته اند،
و عدالت خود را برای همه راست دلان نگاه دار!
۱۲- مبادا پای متکبران بر من برآید،
و دست شریران مرا به نابودی افکند!
۱۳- اینجاست که بدکاران می افتند؛
افکنده می شوند و دیگر توان به پا خاستن نمی یابند.

ای خدا، یگانه سرچشمه زندگی، ای نوری که نور را می نمایانی، گناهکاران را از نابینایی اشان بیرون آر تا محبت و حقیقت تو را بشناسند. به تمامی انسانهای نجات یافته توسط مسیح، مکانی در ضیافت خانه خود ارزانی دار.

مزمور ۶۳

«از سپیده دمان تو را می جویم»

۲- ای خدا، تو خدای من هستی،
از سپیده دم تو را می جویم،
در زمین خشک و تشنه و بی آب.
جان من تشنه توست
و جسمم نیز با ناله تو را می خواهد.
۳- آنگاه، تو را در قدس الاقداس نگریستم
و جلال و نیرومندی تو را دیدم.
۴- محبت تو از زندگی پُربهتر است،

ستایش تو بر لبانم خواهد بود.
۵- تا زنده هستم، تو را متبارک خواهم خواند،
به نام تو، دستهایم را برخوایم افراشت
۶- جان من از ضیافت تو سیر خواهد شد،
بر لبانم شادی و در دهانم سپاس تو خواهد بود.
۷- شبانگاه که یاد تو می کنم،
در شب بیداری هایم، به تو می اندیشم.
۸- این تویی که به یاری من آمده ای
و زیر سایه بالهای تو فریاد شادی سر می دهم.
۹- جانم به تو پیوسته است،
دست راست تو مرا نگاه می دارد.

ای خدای من، روی زمین- که تبعیدگاه من است!- کجاست سرودهای تو؟ در سرزمینی که می خواهد گمراهم نماید، ضیافت تو کجاست؟ در بیابانهایی که داخلشان می شوم، آبهای تعمیدم کجایند؟ به یاری من بیا، ای خدای من، بار دیگر به قلب و تن من تشنگی ده، تا در ظلمت شب خویش تو را به یاد آورم، و از سپیده دمان تو را جستجو نمایم، آنگاه با تمامی وجود به تو دل خواهم بستو دست برافراشته تو را متبارک خواهم خواند.

مزمور ۹۲

«کارهای تو مرا از شادی لبریز می سازد»

۲- چه نیکوست خداوند را سپاس گفتن
و نام خدای متعال را سرودن؛
۳- سپیده دمان از محبت تو گفتن
و سراسر شب، از وفاداری تو یاد کردن.

۴- با نوای چنگ و بربط ده سیم
و نوای موزون رباب سرودن.

۵- کارهای تو مرا از شادی لبریز می سازد،
در برابر اعمال دست تو با فریاد می گویم:
۶- «خداوند کارهای تو چه عظیم است
و فکرهای تو بی نهایت عمیق!»
۷- نادان این را نمی داند
و جاهل این را درک نمی کند.

۸- اگر شیران همچون علف رشد کنند
و شرارتشان ثمر دهد،

سرانجامشان جز فنا نیست.

۹- تو که بر بالای آسمانها ساکنی،
خداوند هستی تا به ابد.

۱۰- خداوند دشمنان را ببین که از بین می روند
و بدکاران را که پراکنده می شوند.

۱۱- تو به من جنبش گاو نر را می بخشی،
مرا با روغن ناب مسح می نمایی.

۱۲- چشم من جاسوسانم را ورنده می کند
و گوشم صدای حمله کنندگانم را می شنود.

۱۳- عادل مثل نخل خواهد رویید

چون سرو آزاد لبنان نمو خواهد کرد.

۱۴- کاشته شده در خانه خداوند،

در صحن های خدای ما خواهد شکفت.

۱۵- در پیری اش نیز، میوه می آورد،
شیره و سبزش پایدار خواهد ماند.

۱۶- ندا کنید: «خداوند راستی است
و در خدا، صخره من، هیچ ناراستی نیست!»

ای خدا، که خداوند جاودانی هستی، برای زندگی مسیح تو و برای بدن او
که در میان ما رشد نموده، تو را سپاسگزاریم. بگذار که کلیسای تو باز هم
ثمر دهد تا سرشار از شادمانی عظمت تو محبت را به تمامی دنیا اعلام کند.

مزمور ۱۴۸

«از فراز آسمانها تا روی زمین، او را حمد گوید»

۱- هلولیاه

از فراز آسمانها خداوند را سپاس گوید،
از اوج سپهر او را حمد گوید.

۲- شما ای تمامی فرشتگانش، او را سپاس گوید،
شما، ای تمامی جهانیان، او را سپاس گوید.

۳- ای خورشید و ماه، او را سپاس گوید
ای ستارگان درخشان، او را سپاس گوید

۴- ای آسمانهای برین، او را سپاس گوید
و شما ای آبهایی که در فراز آسمانهایید.

۵- باشد که همگی ایشان نام خداوند را سپاس گویند
زیرا به فرمان او آفریده شدند؛

۶- هم اوست که آنها را تا به ابد،
و بر قانون ابدی استوار گردانده است.

- ۷- از زمین خداوند را سپاس گوئید،
ای هیولاهای دریایی و تمامی لجه‌ها؛
۸- ای آتش و تگرگ، برف و مه
و ای باد و طوفانها که مطیع کلام او هستید؛
۹- ای کوهها و تمامی تپه‌ها،
ای درختان میوه و همه سروهای آزاد،
۱۰- ای حیوانات وحشی، ای همه بهایم،
ای خزندگان، ای پرندگان که در پروازید؛
۱۱- ای پادشاهان زمین، ای همه امته‌ها،
ای شاهزادگان و تمامی داوران جهان؛
۱۲- ای جوانان و دوشیزگان،
ای پیران و کودکان.
۱۳- باشد که همگی ایشان نام خداوند را سپاس گویند!
زیرا تنها نام او برتر است
جلالش بر آسمان و زمین حکمفرما.
۱۴- او بر قدرت قوم خویش می‌افزاید،
زیرا تمامی ایماندارانش او را ستایش می‌کنند،
فرزندان اسرائیل، قوم برگزیده او.
- هلولیاه!

ای خدا، هرچه هست تو آفریده‌ای. نام تو بالاتر از تمامی نامهای ستودنی است!
بلی قوم تو تو را می‌ستایند، ای خدای متعال، زیرا تو نزد او هستی در عیسی پسر
محبوب خود.

مزمور ۱۴۹

«خداوند را در جماعت ایماندارانش تسبیح خوانید!»

۱- هلولیاه

- سرودی تازه برای خداوند بسرایید،
باشد که او در جماعت ایماندارانش جلال یابد.
۲- برای آفریننده خود، در اسرائیل شادمانی کنید
و در صهیون برای پادشاه خویش وجد نمایید.
۳- با رقص نام او را ستایش گوئید،
برایش بربط و عود بنوازید.
۴- زیرا خداوند قوم خویش را یآوری می‌کند.
او به مسکینان، جلال پیروزی می‌بخشد
۵- مؤمنان در شکوه فخر می‌نمایند
و در پرستشگاههای خود شادی می‌کنند.
۶- با صدای بلند خدا را تسبیح گوئید
مانند شمشر دو دم در دست.
۷- تا از ملت‌ها انتقام گیرند،
و قومها را تأدیب نمایند،
۸- زنجیرهای پادشاهان را سنگین سازند
و شاهزادگان را به زندان افکنند
۹- فرمان مکتوب را در حق ایشان روا دارند.
این افتخاری است برای همه ایمانداران او.
هلولیاه!

ای خدا، آفریننده و خدای ما، عطا کن ملکوت تو در قلب ایماندارانت بیاید،
بگذار کلیسایی را که تو دوست می‌داری، هوادار فروتنان باشد و با مسیح بر بدی
پیروز شود.

مزمور ۱۵۰

«هر که روح دارد، خداوند را تسبیح بخواند»

۱- هلولیاه!

خدا را در معبد مقدسش ستایش کنید،

قدرت لایزال او را بستایید؛

۲- برای کارهای عظیمش، او را بستایید،

برای جلال بی پایانش، او را ستایش کنید.

۳- او را با آواز کرنا بستایید،

او را با نوای چنگ و عود بستایید؛

۴- با آوای تار و نی، او را بستایید،

با طبل و رقص او را بستایید.

۵- با سنجهای بلند آواز، او را بستایید،

با سنجهای خوش نوا، او را بستایید!

هر که روح دارد!

جلال خداوند را بسراید.

هلولیاه!

برای هرآنچه که تو انجام می دهی، با هرآنچه که تو را می سرایند و با هرآنچه که هستیم ستایش و سپاس بر تو باد ای خدای ما، ای پدر قدوس، پسر محبوب، روح محبت!

سرودهای منتخب از عهد جدید

(انجیل لوقا ۱: ۶۸-۷۹)

«او قوم خود را ملاقات می کند»

۶۸- متبارک باد خداوند، خدای اسرائیل

که بر قوم خود نظر کرده آن را فدیة می دهد.

۶۹- قدرتی را که نجات دهنده ماست،

در خاندان داود، بنده خود، پدیدار می سازد؛

۷۰- آن سان که از قدیم،

از دهان مقدسین و انبیای خود گفته بود.

۷۱- نجاتی که ما را از دشمن،

از دست تمامی ستمگرانمان رهایی می بخشد.

۷۲- محبتی که به پدرانمان ظاهر می کند،

به یادبود پیمان مقدسش است.

۷۳- سوگندی که برای پدر ما ابراهیم یاد کرد

که عطا کند تا ما عاری از ترس،

۷۴- رها شده از دست دشمنان،

۷۵- در عدالت و قدوسیت، او را خدمت کنیم

و تمامی روزهای زندگی مان، رو در رو با او به سر ببریم.

۷۶- و تو ای طفل خردسال،

پیامبر حضرت اعلی نامیده خواهی شد،

پیش روی خداوند گام برخوایی داشت

تا راه او را آماده سازی؛

۷۷- تا به قوم او نوید نجات دهی،
از راه آموزش گناهان ایشان

۷۸- و این از راه محبت قلبی خدای ماست،
این آفتاب طالع که به دیدار ما می آید.

۷۹- تا بر آنانی تابد که در ظلمت و سایه مرگ به سر می برند،
و قدمهای ما را در طریق صلح هدایت کند.

(رساله پولس رسول به فیلیپیان ۲: ۶-۱۱)

«خود را فروتن ساخت، خدا او را سرافراز نمود»

۶- مسیح عیسی با اینکه هم ذات با خدا بود،
برابر بودن با او را غنیمت نشمرد.

۷- بلکه خود را تهی ساخت،
و چهره برده را بر خود گرفت.
او که به صورت انسان شکل یافت

۸- خویشتن را تا به مرحله مرگ فروتن ساخت،
مرگ بر روی صلیب.

۹- از این سبب، خدا او را سرافراز نمود
و به او نامی بخشید
که برتر از همه نامهاست.

۱۰- تا سرانجام به نام عیسی،
هر زانویی در آسمان،
در زمین و در هاویه خم شود

۱۱- و همه زبانها بگویند:
«عیسی خداوند است
برای جلال نام پدر».

(مکاشفه ۴: ۱۱، ۵: ۹ و ۱۰ و ۱۲)

«بر برّه قربانی شده جلال باد»

۱۱- ای خداوند خدای ما،
ستایش و جلال و قوت تو را سزااست.
تو هستی که دنیا را آفریدی،
تو خواستی که آن باشد، و آفریده شد.

۹- ای مسیح، ای خداوند،
تو شایسته ای که آن کتاب را برداری و مهرهایش را بگشایی؛
زیرا تو قربانی شدی و به بهای خون خود،
انسانها را از هر قبیله،
زبان، قوم و ملت، برای خدا بازخریدی.

۱۰- برای خدای ما قلمروی ساختی
و ما را فرمانروایان و کاهنان آن کردی؛
و ما بر زمین سلطنت خواهیم کرد.

۱۲- به راستی برّه قربانی شده شایسته است
تا قوت و دولت، حکمت و توانایی،
و ستایش و سپاس و جلال را بیابد!

(مکاشفه ۱۱: ۱۷ و ۱۸، ۱۲: ۱۰-۱۲)

«اینک سلطنت خدای ما»

۱۷- تو را سپاس می‌گوییم، ای خداوند، ای خدای عالم،

تویی که هستی، تویی که بودی!

تو قوت عظیم خود را به دست گرفتی و بر تخت سلطنت نشستی.

۱۸- قومها خشمگین شدند،

آنگاه که خشم تو آشکار شد

و زمان داوری مردگان فرارسید.

زمان پاداش بندگان تو، یعنی انبیاء و مقدسین،

آنانی که از کوچک و بزرگ، از نام تو می‌ترسند.

۱۰- اینک پیروزی، سلطنت و قوت خدای ما،

و اینک قدرت مسیح او ظاهر می‌شود.

آن (شیطان) که به برادران ما تهمت می‌زد،

او که شبانه روز در حضور خدای ما، آنها را متهم می‌ساخت،

به بیرون رانده شد.

۱۱- توسط خون برّه،

و از راه آن کلام که بدان شهادت دادند

از جان خویش گذشتند

و حتی مرگ را پذیرا شدند.

۱۲- در شادمانی به لرزه آید ای آسمانها!

و شما، ای ساکنان آسمانها!

مزامیر منتخب جهت نیایش نیمروز

مزمور ۱۲۱

«خداوند نگاهبان توست»

۱- به سوی کوهها چشم برمی‌افرازم؛

نجات من از کجاست؟

۲- نجات من از جانب خداوند خواهد بود

که آسمان و زمین را آفریده است.

۳- نمی‌گذارد که پای تو بلغزد،

محافظ تو به خواب نمی‌رود.

۴- نه، او نمی‌خوابد، خواب به چشم او راه ندارد،

او که پاسبان اسرائیل است.

۵- خداوند نگهدار توست و بر سرت سایه می‌افکند،

خداوند به دست راست توست.

۶- خورشید گاه روز به تو آسیب نخواهد رساند

و نه ماه، در شب.

۷- خدا نور را از همه بدیها نگاه می‌دارد،

او زندگی تو را حفظ می‌کند.

۸- خداوند به گاه رفتن و بازگشتن، تو را حفظ می‌کند،

اکنون و تا جهان باقی است.

ای خدایی که آسمان و زمین را آفریدی، به یاری کلیسای خود که در راه است

بشتاب، نزد او باش و مگذار بیفتد، در تمامی راهش به سوی تو نگاهبان او باش.

مزمور ۱۲۳

«چشمان برافراشته، سوی تو»

۱- نگاهم را به سوی تو برمی افرازم،
به سوی تو، که در آسمانها حکم می رانی.

۲- همچون نگاه برده ای،
به دست آفایش؛
همچون نگاه کنیزی که به دست خاتونش خیره شده؛
نگاه ما نیز سوی خداوند است،
در انتظار رحمت او.

۳- بر ما رحم کن ای خداوند، بر ما رحم کن،
از این همه حقارت سیر شده ایم.

۴- ما بسیار سیر شده ایم،
از تمسخر بی نیازان
و تحقیر متکبران.

ای پدر ما که در آسمانی، چشمان ما به سوی تو می نگرد؛ هر چیز را از دست تو
انتظار می کشیم. اگر به خاطر مسیح حقیر شمرده می شویم، از یاد مبر که خادمان تو
هستیم، بر ما رحم فرما.

سرودهای منتخب از عهد جدید

رساله اول پطرس ۲: ۲۱-۲۴

«او گناه ما را برداشت»

۲۱- برای ما بود که مسیح رنج کشید،
برای ما نمونه ای برجای گذارد،
تا بر اثر گام او راه سپاریم.

۲۲- گناه را شناخت،
در دهانش دروغی یافت نشد.

۲۳- ناسزا شنید، بی آنکه ناسزا گوید،
رنج کشید، بی آنکه تهدید کند.
خویشتن را به آن داور عادل سپرده بود.

۲۴- این گناهان ما بود
که بر تن خود، روی صلیب برخود گرفت
تا ما به گناه مرده،
و برای عدالت زندگی کنیم.

* * *

مزامیر منتخب جهت نیایش شامگاهی

مزمور ۴

«مرا در اطمینان ساکن می گردانی»

۲- ای خدا، ای عدالت گستر من!

وقتی تو را می خوانم مرا جوابگو باش!

تو که از تنگیها مرا رهایی می دهی،

بر من لطف فرموده، دعای مرا بشنو!

۳- ای فرزندان انسان،

تا به کی جلال مرا عار می دانید

باطل را دوست داشته، دروغ را می طلبید؟

۴- بدانید که خداوند ایماندار خویش را جدا کرده،

چون او را بخوانم، خدا خواهد شنید.

۵- بتراسید و دیگر گناه نکنید،

در دل‌های خود تفکر کرده، خاموش باشید.

۶- قربانی‌های عدالت بگذرانید

و بر خداوند توکل نمایید.

۷- بسیاری می پرسند:

«کیست که خوشبختی را به ما آشکار کند؟

خداوندا، باشد که نور چهره تو بر ما روشنایی بخشد.»

۸- خداوندا، تو در قلبم شادی آفریدی

بیش از زمانی که گندم و شراب تازه فراوان بود.

۹- در آرامش، آرمیده فوراً به خواب می روم.

چون تو ای خداوند مرا در اطمینان ساکن می گردانی.

ای خدای وفادار، تو دعای مسیح را شنیدی و او را از تنگی رهایی دادی. مگذار که

دل‌های ما پریشان شوند، آنها را مطمئن ساز و در آنها شادی خود را قرار ده؛ و ما در

سکوت و آرامش، در انتظار سعادت دیدن روی تو خواهیم ماند.

مزمور ۲۳

«تو با من هستی»

۱- خداوند شبان من است،

محتاج به هیچ چیز نخواهم بود.

۲- در مرتع‌های سبز

مرا آسایش می دهد،

به کنار نه‌رهای آرام مرا رهنمون می سازد،

۳- مرا زندگی دوباره می بخشد.

به افتخار نام خود،

به راه راست هدایت می نماید.

۴- اگر از دره تاریکی نیز گذر کنم،

از هیچ گزند هراسان نخواهم شد،

زیرا تو در کنار من هستی.

عصای تو راهنما، و تسلی بخش من است.

۵- در برابر دشمنان دشمنانم،

برای من سفره‌ای مهیا می سازی؛

سر مرا با روغن تدهین می کنی

و جام من لبریز می شود.

۶- همه روزهای زندگیم،

فیض و نیکبختی همراهم خواهد بود
و تمامی ایام،
در خانه خداوند زندگی خواهم کرد.

ای عیسی، شبان جاودانی، با تو کلیسایت محتاج به چیزی نیست. تو در آب
تعمید، بار دیگر ما را زنده می سازی؛ روح قدوس خود را بر ما نازل کن؛ سفره
قربانی تن خویش را برای ما مهیا ساز؛ تو ما را به آن سوی مرگ، تا خانه پدرت،
آنجا که سرشار از فیض و خوشبختی است، میبری.

مزمور ۹۱

«زیر سایه قادر مطلق»

۱- آن که در پناه خدای متعال است

و در سایه قادر مطلق آرام می گیرد،
به خداوند می گوید: «حافظ من، پناه من،
خدایی که اعتمادم بر اوست».

۳- اوست که تو را از دام صیاد

و از وبای شوم می رهاند.

۴- تو را با بالهایش می پوشاند
و زیر سایه اش پناه می جویی.

۵- تو، نه از خوفهای شب،

نه از تیری که در روز می پرد،

۶- نه از وبای خرابان در تاریکی،

و نه از طاعونی که به وقت ظهر می زند، نخواهی ترسید.

۷- اگر در کنار تو هزار تن،

یا به دست راست ده هزار نفر بیفتند،
تو را آسیبی نخواهد رسید:
وفاداری او زره و سپر توست.

۸- تنها چشمان خویش را بگشا

تا سرانجام شریران را ببینی.

۹- تویی که می گویی: «خداوند، پناه من»،
در سایه قادر مطلق مأوی گزیدی.

۱۰- نه بدبختی به سرت می آید،

و نه بلایی به خیمه ات خواهد آمد.

۱۱- او فرشتگان خود را فرمان می دهد
تا در تمامی راهها تو را پاسبانی کنند.

۱۲- تو را بر دستهای خود خواهند برد

تا مبادا پایت به سنگی خورد.

۱۳- بر شیر و افعی پای خواهی گذاشت
و بچه شیر و اژدها را لگدکوب خواهی کرد.

۱۴- «حال که به من توکل می کند، آزادش می سازم،

از او دفاع می کنم زیرا نام مرا می شناسد.

۱۵- مرا می خواند و به او جواب می دهم
و در تنگی، با او هستم.

«می خواهم او را آزاد و سرافراز نمایم.

۱۶- با عمر دراز او را سیر گردانم
و نجات خویش را به او نشان خواهم داد.

ای خدای متعال، ای خدای توانا، تو که از خادم خود حمایت کردی، تو او را در همه راههای انسانی نگاه داشتی و در آزمایش، با او بودی. در وحشتهای شب، ما را چون او در اطمینان نگاه دار، به هنگام نبرد از ما دفاع کن تا به همراه او جلال یابیم».

مزمور ۱۳۴

«به درازای شبها»

۱- بیایید خداوند را متبارک خوانید،

شما که خادمین او هستید،

شما که در خانه خداوند

شبها را به عبادت می گذرانید!

۲- دستهای خود را به سوی قدس الاقداس برافرازید

و خداوند را متبارک بخوانید.

۳- باشد که خداوند از صهیون، تو را برکت دهد،

او که آسمان و زمین را آفرید!

ای خدای آسمان و زمین، دستهایمان را به سوی تو برمی افرازیم تا تو را متبارک خوانیم، زیرا تو در پسر محبوب خود ما را برکت داده ای. در شبی که به ما ارزانی می داری تا دعای ما با دعای او متحد شود، التماس داریم که باز هم ما را برکت دهی.

مزمور ۱۴۱

«تقدیمی شب»

۱- خداوند! تو را می خوانم، به سوی من بشتاب،

چون تو را بخوانم، فریاد مرا بشنو.

۲- باشد که دعای من همچون بخور به حضور تو برسد

و دستهایم به سان تقدیمی شب!

۳- ای خداوند بر لبهایم نگاهبانی قرار ده

و دهانم را مراقب باش.

۴- مگذار قلبم به سوی بدی رود

یا با بدان همدست شوم.

هرگز مزه لذت‌هایشان را نخواهم چشید،

۵- اگر مرد عادل تأدیب کند، بر من مهربانی کرده،

چون روغنی گرانبهاست که بر سرم بریزد.

برای آن بدی که بر من می کنند دعاگو خواهم بود.

۶- اینک داورانشان از صخره به زیر افتاده اند،

آنهايي که از شنیدن این سخنم لذت می بردند:

۷- «همانند خاکی که می کنند و زیر و رو می کنند،

استخوانهای ما در دهان هاویه پراکنده می شود».

۸- خداوند! ای خدای من! به سوی تو می نگرم،

تو پناهگاه من هستی، زندگیم را نگاه دار؛

۹- از دامی که برایم گسترده اند

و از کمندهایی که شیران ساخته اند مرا حفظ کن.

۱۰- شیران در دام خود سرنگون خواهند شد

و تنها من، به تنهایی گذر خواهم کرد.

ای خدای، چگونه نزد تو آییم اگر از راه عیسی که قوت قیامت ماست، نرویم؟

تنها او قربانی شب را به تو تقدیم نمود، آری با دستهای برافراشته بر روی صلیب و

در کمال آزادی! دعای ما را در دعای او نگاه دار و قلب ما را در قلب او، و

همان گونه که او را از هر بدی نگاه داشتی ما را هم از بدی دور نگاه دار.

سرودهای منتخب از عهد جدید

(انجیل لوقا ۱: ۴۶-۵۵)

«محبت خویش را به یاد می آورد»

۴۶- جان من خداوند را می ستاید

۴۷- پس تو ای روح من در خدا- نجات دهنده ام- به وجد آی!

۴۸- او بر کنیز ناچیز خود نظر کرده است؛

از این پس تمام نسلها مرا خوشبخت خواهند خواند.

۴۹- آن قادر مطلق، کارهای شگفت برای من انجام داده است،

مقدس است نام او!

۵۰- محبت او نسل اندر نسل بر ترسندگانش می باشد.

۵۱- قدرت بازوانش را گسترده،

متکبران را پراکنده می سازد.

۵۲- زورمندان را از تختهایشان به زیر می کشاند

و فروتنان را سرافراز می نماید.

۵۳- گرسنگان را از نعمت ها غنی می سازد

و ثروتمندان را تهی دست روانه می دارد

۵۴- اسرائیل، خدمتگزار خویش را سرافراز می کند

و محبت خویش را به یاد می آورد.

۵۵- و همچنین پیمانی را که با پدران ما،

به حمایت از ابراهیم و ذریت او بسته بود.

(انجیل لوقا ۲: ۲۹-۳۱)

«نوری که بر امتها آشکار می گردد!»

۲۹- حال ای قادر مطلق،

می توانی طبق سخن خود

بنده خویش را به سلامت روانه سازی.

۳۰- زیرا چشمان من نجاتی را دیدند،

۳۱- که تو آن را در حضور قومها آماده می ساختی؛

۳۲- نوری که بر امتها آشکار می گردد

و به اسرائیل، قوم تو، جلال می بخشد.

(رساله پولس رسول به کولسیان ۱: ۱۲-۲۰)

«همه چیز در او پایدار»

۱۲- خدای پدر را سپاس گوئید،

که ما را شایسته گردانید

تا در روشنایی،

شریک میراث مقدسین گردیم.

۱۳- ما را از چنگال ظلمت بیرون کشید

و به ملکوت پسر محبوب خود وارد کرد؛

۱۴- در او، فدیة یافتیم،

یعنی بخشش گناهان را.

۱۵- او تصویر خدای نادیدنی است،

نخست زاده تمامی آفرینش؛

۱۶- در او همه چیز آفریده شد،

هرآنچه در آسمان و بر روی زمین است.

موجودات دیدنی و نادیدنی
قدرتها و سلطنتها،
تختها و قوتها،
همه چیز به وسیله او و از برای او آفریده شد.

۱۷- او مقدم بر همه چیز است
و همه چیز در او پایدار است.
۱۸- همچنین او بدن، یعنی کلیسا، را سر است
او ابتدا است،
نخست زاده از میان مردگان
تا در همه چیز اولویت داشته باشد،

۱۹- زیرا رضای خدا در این است که در او کمال مطلق ساکن شود
۲۰- و همه چیز به وسیله مسیح، آشتی پذیرد
چون به خون صلیب وی صلح و سلامتی را پدید آورد،
صلح و سلامت برای تمام موجودات روی زمین و در آسمانها.

* * *

مزامیر منتخب جهت نیایش سپاسگزاری

مزمور ۳۰

«تو مرا شفا دادی»

۲- خداوند، تو را ستایش می کنم زیرا مرا سرافراز می کنی
و به تمسخر دشمنانم و انمی گذاری.

۳- خداوندا، وقتی نزد تو فریاد برآوردم،
تو مرا شفا دادی، ای خدای من.
۴- خداوندا، جانم را از هاویه بیرون کشیدی
و آنگاه که به قبر فرو می رفتم، زندگی دوباره ام بخشیدی.
۵- برای خداوند سرود بسرایید، آنانی که به عهد او وفا دارید،
نام مقدسش را سپاس گوید.
۶- خشم او لحظه ای ست،
اما نیکی او سراسر زندگی.
شب هنگام، اشکها سرازیر می شوند،
اما صبحگاهان فریاد شادی برمی خیزد.

۷- من در کامروایی خود گفتم:
«هرگز لغزش نخواهم خورد!»
۸- به لطف تو، در اوج قدرت
استوار می شوم.
تو روی خود را از من پوشاندی
و من پریشان شدم.
۹- به سوی تو فریاد می زدم، ای خداوند،
تمنای رحمت از خدایم می کردم:
۱۰- «از خون من تو را چه حاصل است؟
و چه سود، اگر به قبر فرو روم؟
آیا خاک می تواند شکر تو را گوید؟
می تواند ستایش تو گوید
و وفاداریت را هویدا کند؟

۱۱- خدایا بشنو و بر من رحم فرما!
برای یاریم بشتاب!»

۱۲- ماتم مرا به پایکوبی بدل ساخته ای
و جامه عزایم را به لباس جشن.

۱۳- باشد که قلبم برای تو به ترنم درآید
و به خاموشی نگراید.
خداوندا، ای خدای من،
پیوسته تورا شکرگزارم.

تو را سپاس می گویم ای مالک مرگ و زندگی، زیرا تو پسر خود را در قبر ترک
نکردی، بلکه اراده نمودی که بعد از شب رنج، در سپیده روز عید گذر با فریاد
شادمانی وجد نماید. زمانی که اشکها بر ما می رسند و تو روی خود را از ما پنهان می
سازی، بگذار نزد تو فریاد برآوریم و اعلام کنیم که وفاداری تو ما را برخواهد
خیزاند.

مزمور ۴۰

«اینک می آیم»

۲- با امیدی فراوان در انتظار خداوند بودم.
او به سوی من مایل شد تا فریادم را بشنود.

۳- مرا از گرداب هلاکت،
و از میان گل و لای بیرون کشید؛
پاهایم را بر صخره نهاد
و قدمهایم را استوار نمود.

۴- در دهانم سرودی تازه گذارد، ستایشی برای خدای ما.
بسیاری چون این را بینند،
ترسان شده به خداوند ایمان خواهند آورد.

۵- خوشا به حال کسی که
به خداوند ایمان دارد
و به سوی متکبران
و دروغگویان نمی رود.

۶- خداوندا، ای خدای من،
چه کارهای عظیمی برای ما انجام داده ای؛
چه تدبیرها، چه چیزهای شگفت انگیز!
به راستی که همتا نداری.
می خواهم اعمال تو را بازگویم و اعلام نمایم،
ولی شمار آنها بسیار زیاد است.

۷- تو قربانی و هدیه نخواستی،
تو گوش مرا باز کردی؛
تو محتاج قربانی سوختنی و قربانی گناهان ما نبودی.
۸- پس گفتم: «اینک می آیم».

در طومار کتاب برای من نوشته شده،
۹- اراده تو را باید به انجام رسانم.
ای خدای من،
شریعت تو را دوست دارم،
شریعت تو ست
که در اعماق قلبم به آن رغبت دارم.

۱۰- در جماعت بزرگ
عدالت را اعلام می کنم.
بنگر، لبهایم خاموش نمی مانند؛
خداوندا، تو آگاهی.

۱۱- عدالت تو را در اعماق قلبم پنهان نکردم،

نجات و وفاداری تو را بازگو نمودم،

محبت و حقیقت تو را در جماعت بزرگ اعلام نمودم.

۱۲- تو ای خداوند، رحمت خود را از من دور مساز.

باشد که محبت و حقیقت تو

همواره نگهدار من باشد!

۱۳- زیرا تیره بختی ها مرا در برگرفته اند

آن گونه که قادر به شمردن آنها نیستم.

گناهانم مرا مبتلا نموده

و من خیره مانده ام.

آنها بیشتر از موهای سرم شده،

دیگر مأیوس گشته ام.

۱۴- خداوند، رحمت فرما و مرا نجات ده.

ای خداوند به یاری من بشتاب!

۱۵- آنانی که قصد جان مرا دارند،

شرمگین و رسوا شوند!

آنانی که در آرزوی بدبختی من هستند،

شرمنده بازگردند.

۱۶- آنانی که به من می گویند: «چه خوب شد!»

مبهوت شده، در ننگ و پستی لگدمال شوند.

۱۷- اما ای خداوند،

شادی و وجد طالبانت در توس،

آنانی که همواره می گویند «خداوند پیروز است!»

۱۸- من فقیر و بیچاره ام،

اما خداوند به یاد من است.

تو یاور و نجات دهنده من هستی،

ای خدای من، درنگ مکن!

ای خدای فقیران و مسکینان، تو را سپاس می گویم زیرا قربانی دیگری به جز

قربانی عیسی نخواستی، او که به میان ما آمد تا اراده تو را به انجام رساند. تو او را از

ورطه موت بیرون کشیدی و در دهانش آواز رستاخیز را گذاری که در جمع ایمانداران

شنیده می شود. بگذار که همچون عیسی فرمانهای تو را دوست بداریم، آن کاری که

برای او انجام دادی برای ما نیز انجام ده و ما محبت و حقیقت تو را اعلام خواهیم کرد.

مزمور ۶۱

«تو پناه من هستی»

۲- ای خدا ناله هایم را بشنو،

دعای مرا پذیرا باش؛

۳- از دوردستها تو را می خوانم آنگاه که قلبم لبریز از اندوه است.

مرا به صخره ای بس بلند رهنمون خواهی شد.

۴- زیرا تو پناه من بوده ای

و دژ در برابر دشمنم.

۵- می خواهم تا ابد در خیمه تو مأوی گیرم

و زیر سایه بالهای تو پناهی بیابم.

۶- خدای من، این تویی که آرزوی مرا برآورده می کنی،

تو با سخاوت هستی، برای ترسندگان نامت.

۷- بر عمر پادشاه بیفزای

تا سالهایش، قرنهایش، شوند!

۸- تا در حضور خدا، همیشه سلطنت کند!

رحمت و راستی را حامی او قرار ده!

۹- آنگاه پیوسته نام تو را ستایش خواهیم کرد
و نذر خود را هر روزه ادا خواهیم نمود.

ای خدا من، آیا تویی که از من دور می شوی؟ یا من هستم که بیش از حد از تو دور می شوم؟ الآن در این جا همانند یک تبعیدی به سر می برم و تنها پناه من، تو هستی! بگذار که محبت و حقیقت مسیح، مرا به نزد تو هدایت نماید، آنگاه ناله ام به سرود، سپاس و ستایش نام تو مبدل خواهد شد.

مزمور ۱۰۳

« محبت پدر به فرزندان »

(الف)

۱- ای جان من خداوند را متبارک بخوان

و نام قدوسش را از اعماق وجود؛

۲- ای جان من، خداوند را متبارک بخوان

و نیکی هایش را از یاد مبر.

۳- زیرا او همه گناهانت را می آمرزد،

از هر مرضی شفایت می دهد؛

۴- جان تو را از هاویه می رهاند،

تاجی از مهر و محبت بر سرت می نهد؛

۵- ایام پیریت را لبریز از نیکی ها می کند،

و جوانی تو را همچون عقاب تازه می گرداند.

۶- خداوند عدالت را به جا می آورد

و داد مظلومان را می ستاند؛

۷- او اراده اش را بر موسی آشکار ساخت
و کارهای شگفت خود را بر فرزندان اسرائیل.

(ب)

۸- خداوند رحیم و مهربان است،

دیر خشم و پر مهر؛

۹- او همواره بر انسان حکم نمی کند

و کینه ابدی به دل نمی گیرد.

۱۰- همسنگ گناهانمان

و موافق خطاهایمان ما را جزا نمی دهد.

۱۱- همچون برتری آسمان بر زمین،

محبت او بر ترسندگانش بسیار است؛

۱۲- همچون شرق که از غرب دور است،

او گناهان ما را از ما دور می کند؛

۱۳- چون مهر پدر بر فرزندان،

خداوند نیز با ترسندگانش مهربان است.

۱۴- او سرشت ما را می شناسد

و می داند که ما از خاک هستیم.

۱۵- انسان، روزهایش چون علف است،

مانند گل‌های صحرایی می شکفتد،

۱۶- با یک وزش باد، نیست می شود

و مکانش، او را فراموش می کند.

(ج)

۱۷- اما رحمت خدا [بر ترسندگانش،]

از ازل تا ابد پایدار است

و عدالت او برای فرزندان فرزندان؛

- ۱۸- برای ترسندگانش که عهد او را نگاه می دارند
و اراده اش را فرمان می برند.
- ۱۹- خداوند تختش را در آسمان قرار داده
و سلطنت او بر جهان گسترده است.
- ۲۰- ای فرشتگان خدا، او را بستایید،
ای پیام آوران نیرومند خداوند
که به فرمانهای او گردن می نهید،
- ۲۱- ای همه لشگریان او، خدا را بستایید؛
و ای خادمان او که اراده اش را به جا می آورید.
- ۲۲- ای جمیع مخلوقاتش،
در سراسر ملکوت او خداوند را ستایش کنید،
ای جان من، خداوند را متبارک بخوان!

ای خدای مهربان، پدر ما، تو که می خواهی فرزندان حیات داشته باشند، تو که
عظمت و عمق محبت خود را در مسیح بر ما آشکار ساختی، در او کلیسای خود را
تازه ساز، توسط او، آن را به پیمان خود وفادار نگاهدار، تا با او همواره تو را
متبارک بخواند.

مزمور ۱۳۶

«محبت او جاودانی است»

- ۱- خداوند را سپاس گوید زیرا که نیکوست،
و محبت او جاودانی.
- ۲- بر خدای خدایان سپاس گوید،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۳- رب الارباب را سپاس گوید،
زیرا محبت او جاودانی است.

- ۴- تنها او کارهای شگفت انگیز کرد،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۵- آسمان را بر بنیان حکمت نهاد،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۶- زمین را بر آبها استوار گرداند،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۷- او دو نیر بزرگ ساخت،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۸- خورشید را که در روز سلطنت نماید،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۹- ماه و ستارگان را برای حکمرانی در شب،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۱۰- او نخست زادگان مصر را زد،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۱۱- اسرائیل را از زمین آنها بیرون آورد،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۱۲- با دست قوی و بازوان فراخ،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۱۳- او دریای سرخ را به دو نیم کرد،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۱۴- اسرائیل را از آن گذرانید،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۱۵- فرعون و لشگریانش را در آن سرنگون ساخت،
زیرا محبت او جاودانی است.

- ۱۶- او قوم خود را در بیابان رهبری نمود،
 زیرا محبت او جاودانی است.
 ۱۷- او که پادشاهان نامور را زد،
 زیرا محبت او جاودانی است.
 ۱۸- شهریاران زورمند را از میان برداشت،
 زیرا محبت او جاودانی است.
 ۱۹- سیحون پادشاه آموریان،
 زیرا محبت او جاودانی است.
 ۲۰- و عوج پادشاه باشان را،
 زیرا محبت او جاودانی است.
 ۲۱- زمینهایشان را میراث داد
 زیرا محبت او جاودانی است.
 ۲۲- به میراث خادم خود، اسرائیل،
 زیرا محبت او جاودانی است.
 ۲۳- خوارشدگان را به یاد می آورد،
 زیرا محبت او جاودانی است.
 ۲۴- و ما را از دست ستمگر می رهاند،
 زیرا محبت او جاودانی است.
 ۲۵- به همه جانداران روزی می بخشد،
 زیرا محبت او جاودانی است.
 ۲۶- خدای آسمانها را سپاس گویند،
 زیرا محبت او جاودانی است.

ای خدای محبت جاودانی، نیکوست که توسط عیسی مسیح خداوند ما، که در او تمامی فیض به ما رسید، تو را سپاس گوئیم. توسط او و برای اوست که هر چیزی در

آسمانها و زمین آفریده شد؛ در او و به همراه اوست که از مرگ به زندگی بازگشتیم.
 با این وجود، ضعف ما را به یاد آور، همچنان کلیسای خود را هدایت کن و نانی را
 که نیاز داریم تا به دیدار تو آییم به ما ارزانی دار.

مزمور ۱۳۸

«خداوند برایم هر کاری می کند!»

- ۱- خداوند، با همه وجود سپاست می گویم،
 زیرا سخنان دهانم را شنیده ای.
 در حضور فرشتگان تو را می سرایم،
 ۲- به سوی معبد مقدس تو به خاک می افتم.
 از برای محبت و حقیقت تو، نام تو را سپاس می گویم،
 زیرا تو نام و کلامت را برتر از هر چیز برمی افزای.
 ۳- روزی که به فریادم رسیدی،
 به قلبم نیرو دادی.
 ۴- همه پادشاهان زمین تو را سپاس خواهند گفت،
 آنگاه که سخنان دهان تو را بشنوند.
 ۵- آنها راههای خداوند را خواهند سرایید:
 «چه عظیم است جلال خداوند!»
 ۶- خداوند از مکان بلندی خویش برمسکین نظرمی کند،
 و از دور متکبر را می شناسد.
 ۷- اگر در تنگی ها روم، تو به من زندگانی می بخشی
 و بر خشم دشمنانم دست خود را می گشایی.
 ۸- دست راست تو مرا پیروز می کند،
 خداوند برایم هر کاری می کند.

خداوندا، محبت تو جاودانی است،
ساخته دست خود را ترک مکن.

سپاس بر تو باد ای خدای حقیقت و محبت، در پسر تو عیسی، خداوند ما، همه
چیز برای ما انجام دادی؛ در او نام تو و سخن تو برتر از هر چیز قرار می گیرد، با او
فروتنان در پیروزی قطعی تو گام برمی دارند. در برابر کار دست های تو، قوم تو با
فرشتگان می سرایند «جلال تو عظیم است ای خداوند».

سرودهای منتخب از عهد جدید:

(رساله پولس رسول به افسسیان ۱: ۳-۱۰)

«او، ما را در مسیح برکت داده»

۳- متبارک باد خدا

و پدر خداوند ما عیسی مسیح!

او ما را در آسمان، در مسیح برکت داده،
و از بخشش های روحانی ما را لبریز گردانیده است.

۴- پیش از آفرینش جهان،

ما را در مسیح برگزید

تا از راه فیض و محبت او،

در حضورش بی گناه شمرده شده، مقدس گردیم.

۵- چنین اراده کرد که ما،

توسط عیسی مسیح، فرزندخواندگان او شویم.

محبت وی چنین اراده کرد.

۶- برای ستایش جلال فیضش،
ما را در پسر محبوب خود بهره مند ساخت.

۷- در او، به واسطه خون او، فدیة یافتیم.
و گناهانمان آمرزیده شد؛

۸- به اندازه فراوانی فیضی
که او، در تدبیر و حکمت کامل
به ما عطا فرموده بود.

۹- بدین گونه راز اراده اش را بر ما عیان کرد،
عزیمی نیک که در مسیح جزم کرده بود؛

۱۰- تا زمان را به کمال خود رساند
و همه چیز، یعنی هرچه در آسمان و زمین است
در مسیح خلاصه شود.

* * *

مزامیر منتخب جهت نیایش

برای دور ماندن از تجربه

مزمور ۱۳

«آیا مرا فراموش خواهی کرد؟»

۲- خدایا، تا به کی فراموشم می‌کنی؟

تا به کی روی خود از من می‌پوشانی؟

۳- تا به کی روح من پریشان،

و قلب من هر روزه غمگین باشد؟

تا به کی دشمنم بر من سرافراز باشد؟

۴- ای خدای من، بنگر، دعای مرا اجابت کن!

به چشمان من روشنایی ده،

که به خواب مرگ نروم؛

۵- مبدا دشمنم فریاد پیروزی سردهد،

مبدا از شکست من به وجد آید!

۶- خداوند، من به رحمت تو ایمان دارم،

باشد که قلبم از آموزش تو شاد شود.

برای خداوند سرود خواهم خواند، زیرا به من نیکی کرده است.

ای خداوند، خدای ما، به همراه خادم رنج‌دیده ات سوی تو فریاد
برمی‌آوریم: بیش از این ما را فراموش مکن! ما با شریک شدن در مرگ
پسرتو، اطمینان خود را به تو ابراز می‌داریم: به محبت تو اعتماد داریم! در نور تو، با
او رستخیز نموده، می‌توانیم تو را سپاس گوئیم: تو خدای نجات‌دهنده هستی!

مزمور ۲۲

«ای خدای من چرا مرا ترک کرده‌ای؟»

(الف)

۲- خدای من، خدای من، چرا مرا ترک کرده‌ای؟

هرچه فریاد برمی‌آورم به نجاتم نمی‌آیی.

۳- خدای من تمام روز صدایت می‌زنم، تو جواب نمی‌دهی؛

و حتی شب نیز، فقط سکوت نصیبم می‌شود.

۴- اما تو قدّوس هستی،

تویی که در سرودهای اسراییل مأوی داری.

۵- پدران ما تنها بر تو امید بستند،

بر تو اعتماد کردند و آنها را نجات دادی.

۶- وقتی نزد تو فریاد برمی‌آوردند، رهایی می‌یافتند،

بر تو امید می‌بستند و هرگز شرمسار نگشتند.

۷- و اما من کرم هستم، نه انسان،

ننگ آدمیان و مطرود قوم.

۸- هرکه مرا می‌بیند مسخره‌ام می‌کند،

با تمسخر سرهایشان را تکان می‌دهند و می‌گویند:

۹- «چون برخداوند اعتماد می‌کند، بگذار هم او آزادش کند،

او را نجات دهد زیرا دوستدار اوست».

۱۰- تو مرا از رحم مادرم بیرون آوردی،

تو مرا به آغوشش سپردی.

۱۱- از لحظه تولدم به تو سپرده شدم؛

از رحم مادرم، خدای من تو هستی.

۱۲- از من دور مباش، زیرا اضطراب نزدیک است و یاری دهنده ای نیست.

(ب)

۱۳- درندگان بسیار احاطه ام کرده اند،

گاوان نر باشان دور مرا گرفته اند؛

۱۴- شیران درنده غرش کنان،

برضد من دهان باز می کنند.

۱۵- مثل آب روان جاری شده ام

و بندبند استخوانهایم از هم گسسته است.

قلبم همچون موم شده،

و در میان احشایم گداخته می شود.

۱۶- قوتم مثل سفال خشک شده

و زبانم به کام چسبیده است.

تو مرا به خاک موت سپرده ای.

۱۷- آری، سگان دور مرا می گیرند،

جماعت شریان گرداگردم هستند

و دست و پایم را سفته اند.

۱۸- تمامی استخوانهایم را می توانم بشمارم.

شریران بر من چشم دوخته، مراقبند.

۱۹- جامه هایم را در میان خود تقسیم کرده اند

و برردای من قرعه انداخته اند.

۲۰- اما تو ای خداوند از من دور مباش،

ای قوت من به یاریم بشتاب!

۲۱- جان مرا از ضرب شمشیر حفظ نما

و زندگی مرا از چنگ سگان برهان.

۲۲- از دهان شیر و از شاخهای گاو،

مرا رهایی ده.

(ج)

خدایا تو مرا اجابت کرده ای،

۲۳- نام تو را به برادرانم اعلام خواهم کرد،

و در میان جماعت تو را سپاس خواهم گفت:

۲۴- «ای ترسندگان خداوند او را سپاس گوید،

ای تمامی نسل یعقوب او را بستایید،

ای تمامی فرزندان قوم برگزیده از او بترسید».

۲۵- زیرا او فقیر را در فلاکتش

رد نکرده و تحقیر ننموده،

روی خود را از وی نپوشانیده،

بلکه ناله و زاری او را شنیده است.

۲۶- در میان جماعت بزرگ، ستایش و سپاس از آن توست.

در برابر ترسندگان تو نذرهایم را ادا خواهم کرد.

۲۷- فقرا غذا خورده سیر خواهند شد

و طالبان خداوند، او را تسبیح خواهند خواند:

«باشد که قلبتان جاودانه زنده بماند!»

۲۸- تمامی زمین این را به یاد خواهد آورد

و به سوی خداوند بازخواهد گشت؛

و تمام قبایل امتها،

پیش آمده در مقابلش به خاک خواهند افتاد.

۲۹- بلی، پادشاهی از آن خداوند است،

و او بر تمامی امتهای تسلط دارد.

۳۰- همه قدرتمندان زمین،

سر تسلیم فرود خواهند آورد

و آنانی که محکوم به موت آن

در حضورش تعظیم خواهند کرد.

۳۱- و من برای او زندگی خواهم کرد،

فرزندانم او را خدمت خواهند کرد

و نام خداوند را به آیندگان اعلام خواهند نمود.

۳۲- به قومی که بعد از آن به دنیا خواهند آمد،

عدالت او را اخبار خواهند نمود:

«این است عمل دستهای او!»

ای خدای ما، چرا ما را ترک کرده‌ای؟ تو که هیچگاه کسی را ترک نمی‌کنی!
چرا جواب ما را نمی‌دهی؟ تو که دعا را در قلب ما می‌گذاری، چرا این قدر از ما دور
می‌مانی؟ تو که اطمینان ما هستی، بگذار همانند مسیح بر صلیب، از تو سؤال کنیم.
همانگونه که او را نجات بخشیدی، ما را نیز نجات بخش. بر لبان ما سپاس او را
قرار ده، تا عمل نجات بخش تو را به تمام دنیا اعلام کنیم.

مزمور ۳۱

«به دستهای تو روح خود را می‌سپارم»

(الف)

۲- ای خداوند به تو پناه می‌برم،

مگذار تا به ابد شرمند شوم.

در عدالت خویش مرا نجات ده؛

۳- به من گوش گیر، شتاب کن!

برایم صخره‌ای باش قدرتمند،

خانه‌ای استوار، که مرا رهایی بخشد.

۴- صخره و قلعه من تو هستی،

برای جلال نام خود، مرا هدایت و رهبری می‌نمایی.

۵- از دمی که برایم گسترده‌اند، مرا می‌رهانی.

آری، قوت من تو هستی.

۶- روح خود را به دست تو می‌سپارم.

ای خداوند، تو مرا فدیة داده‌ای،

ای خدای حقیقی.

۷- از شیفتگان خدایان دروغین نفرت دارم،

اعتماد من بر خداوند است.

۸- محبت تو، مرا شادمانه به وجد می‌آورد!

تو حقارت مرا دیده و آلام روحم را شناخته‌ای.

۹- مرا اسیر دست دشمن نساخته‌ای

و پیش رویم، راهی فراخ گشوده‌ای.

(ب)

۱۰- ای خداوند، بر من رحمت فرما

زیرا در تنگی هستم.

چشم من از غصه بی نور شده،

و سینه و درونم کاهیده،

۱۱- زندگانیم به اشک و روزگارم به ناله تباه شده،
گناه، قوتم را از من گرفته
و استخوانهایم فرسوده شده است.

۱۲- مرا تمسخر می کنند دشمنان و همسایگانم
و باعث خوف نزدیکانم شده ام.
چون مرا بر سر راهی ببینند، از من می گریزند.

۱۳- مثل مرده ای از یاد رفته ام،

مطرود و متروک شده ام.

۱۴- تهمت مردم را می شنوم،

به هرسو هراس و وحشت است.

بر ضد من جمع شده اند

و برای نابود کردنم توطئه می کنند.

۱۵- و اما، اعتماد من بر توست، ای خداوند،

می گویم: «تو خدای من هستی؛

۱۶- جان من در دست توست،

مرا از دست دشمنان کینه جو برهان.»

۱۷- نور رخسارت را بر بنده خود تابان ساز؛

مرا با محبت خود نجات ده.

۱۸- ای خداوند، مگذار شرمنده شوم

حال که تو را می خوانم.

۱۹- [...]

(ج)

۲۰- ای خداوند، نیکویی تو چه عظیم است!

آن را برای ترسندگان خود نگه داشته ای

و همه آنهایی را که به تو پناه می آورند،
در پیش روی جهان، از نیکی لبریز می نمایم.

۲۱- ایشان را در پنهان‌های رویت می پوشانی

و از فتنه های مردم دور می داری.

تو آنان را زیر سقفی مطمئن،

دور از نیش زبانها جای می دهی.

۲۲- متبارک باد خداوند!

رحمت او برای من کارهای شگرف انجام داد،

در شهری که محاصره شده بود.

۲۳- اما من در پریشانی خود می گفتم:

«از نظر تو دور مانده ام.»

با این همه، آنگاه که

نزد تو فریاد برمی آوردم، دعای مرا می شنیدی.

۲۴- ای مؤمنان خداوند، او را دوست بدارید:

خداوند، ایشان را نگاه می دارد،

اما متکبران را سخت مجازات می کند.

۲۵- قوی و دلیر باشید!

ای کسانی که بر خداوند امید دارید.

ای خدا، تو که در تنگی انسان، پیش رویش راهی می گشایی، و برای ایمانداران
حقیر شده خود، مکانی مطمئن فراهم می آوری، روزگار کلیسا را در دستهای خود بگیر
و به امیدواران خود شهادت عطا کن. اگر آنان با مسیح در رنج هستند، عطا کن که
بتوانند همراه با او، تو را برای تمامی شگفتی های محبت متبارک خوانند.

مزمور ۶۹

«در اعماق آبها»

(الف)

۲- ای خدای من، مرا نجات ده.

آبها از سرم گذشته اند،

۳- به درون باطلاق افتاده ام

و دیگر توان ایستادنم نیست؛

به گرداب فرو می روم

و موجها مرا می بلعد.

۴- از زیادی فریاد، دیگر مرا رمقی نمانده،

گلویم می سوزد و در انتظار خدا،

چشمانم تار شده است.

۵- آنانی که بی سبب از من بیزارند،

از موهای سرم زیاده اند؛

تحقیرکنندگانم چه زورمندند

آنان که به ناحق بدخواه منند.

آیا آنچه را ندزیده ام

باید پس دهم؟

۶- ای خدا، حماقت مرا خوب می دانی

و گناهانم نزد تو پوشیده نیست.

۷- ای خداوند، خدای جهان،

مگذار امیدواران تو به سبب من خجل شوند،

ای خدای اسرائیل،

مگذار جویندگان تو به سبب من شرمنده شوند.

۸- به خاطر توست که توهین را تاب می آورم

تا شرم روی مرا بپوشاند.

۹- نزد برادرانم بیگانه،

و نزد پسران مادرم، ناآشنا هستم.

۱۰- غیرت خانه تو مرا می بلعد

تو را ناسزا می گویند، و این بر من برمی گردد.

۱۱- اگر گریه کنم یا روزه گیرم

نصییم دشنام و ناسزا است.

۱۲- چون پلاس بر تن کنم،

با ایشان ضرب المثل می شوم.

۱۳- حکایت دروازه نشینان

و سرود میگساران شده ام.

(ب)

۱۴- من به درگاه تو دعا می کنم

ای خداوند،

ای خدا، در دریای محبت خود مرا اجابت کن

و در راستی خود نجاتم ده.

۱۵- مرا از لجن زار بیرون آور و گرنه غرق می شوم.

باشد که از دست دشمنانم، از مهلکه رهایی یابم،

۱۶- موجها مرا درنگیرند و گرداب مرا نبلعد

و دهانه چاه، بر من بسته نشود.

۱۷- خداوندا، جوابم ده،

محبت تو نیکوست؛

در مهربانی بی حد خود، مرا بنگر؛

- ۱۸- روی خود را از بنده ات مگردان،
بشتاب، جوابم ده، بغض گلویم را می فشرد،
۱۹- نزد من بمان و مرا رستگار ساز
و فدیة مرا به دشمن پرداز.
۲۰- تو از رسوایی من آگاهی،
عار و ننگ مرا تو می دانی؛
و تمامی دشمنانم
پیش روی تو هستند.
۲۱- قلبم از اهانت آزردہ شده،
بدی ایشان بی درمان است.
به امید همدردی بودم، اما بیهوده بود؛
چشم انتظار تسلی دهنده ای، اما نیافتم.
۲۲- نان مرا به زهر آلودند
و در تشنگی سرکه ام نوشانیدند.

۲۳- [...]

(ج)

- ۳۰- من حقیر و درمانده ام،
باشد که نجات تو ای خدا، مرا سرافراز سازد!
۳۱- با سرود نام خدا را ستایش خواهم کرد
و با شکرگزاری او را جلال خواهم داد.
۳۲- این، بیش از گوشت قربانی
و بهایم شاخ و سم دار،
خدا را خوش می آید.
۳۳- فقرا این را دیده شادمان می شوند:
«ای طالبان خدا، عمرتان دراز باد!»

- ۳۴- زیرا خداوند فروتنان را اجابت می کند
و اسیرانش را فراموش نمی کند.
۳۵- باشد که آسمانها و زمین،
دریاها و هر آنچه در آن است،
او را ستایش کنند.

- ۳۶- زیرا خدا برای نجات صهیون خواهد آمد
و شهرهای یهودا را دوباره بنا خواهد کرد.
آنجا را آباد ساخته، میراثی خواهد گذارد؛
۳۷- میراثی برای نسل خدمتگزارانش،
و منزلگاهی برای دوستداران نامش.

ای عیسی که بی دلیل تو را استهزاء کردند، رحم فرما بر آنانی که محبتشان با
خیانت روبه رو شده؛ ای عیسی که به خاطر ما، محبت ملکوت خویش را از یاد بردی،
بر آنانی که به زندان می افتند، رحم فرما؛ ای عیسی که با سرکه خواستند تشنگی تو
را از بین ببرند، بر آنانی که به خاطر عدالت زحمت می بینند، رحم فرما؛ ای عیسی،
تحقیر شده از سوی مردمان و نجات یافته از سوی پدر، جشن و سرور فقرا باش!

مزمور ۸۶

«قلبم را پاک نما»

- ۱- خداوندا، به من گوش فرا دار و مرا اجابت کن،
زیرا مسکین و درمانده ام.
۲- جانم را حفظ کن، من دوستدار توأم،
خادم خود را نجات ده،
او که اعتمادش بر توست.
۳- تو خدای من هستی، بر من رحم کن ای خداوند.
تمامی روز تو را می خوانم.

۴- خداوندا، بنده‌ات را شاد نما،
زیرا روح خود را به سوی تو برمی افرازم.

۵- تویی که بخشنده و نیکو هستی،
سرشار از محبت، برای آنان که تو را می خوانند.
۶- به دعایم گوش فرا ده ای خداوند!
آواز تمنای مرا بشنو.

۷- در روز تنگی تو را می خوانم
و تو ای خداوند، مرا اجابت می کنی.
۸- در میان خدایان، خدایی چون تو نیست
و نه نظیر اعمال تو.

۹- همه ملتهایی که تو آفریده ای،
به حضور تو آمده، سجده خواهند کرد
و نام تو را ای خداوند جلال خواهند داد؛
۱۰- زیرا تو عظیم هستی و کارهای شگفت می کنی،
تنها تو، ای خدا.

۱۱- راه خود را نشانم ده،
تا به سوی حقیقت تو گام بردارم،

۱۲- با همه قلبم شکرت می کنم ای خداوند،
پیوسته نام تو را جلال خواهم داد.
۱۳- محبت تو بر من عظیم است،
جانم را از هاویه بیرون کشیدی.

۱۴- ای خدای من، متکبران بر من برخاسته اند،
جماعت زورمندان قصد جانم کرده اند،
در نظرشان جایی برای خدا نیست.

۱۵- تو ای خداوند، خدای محبت و رحمت،
دیر غضب و سرشار از محبت و راستی،
۱۶- سوی من نظر کن، بر من رحم فرما،
قدرت خود را به بنده‌ات ببخشای
و پسر خدمتگزار خود را نجات ده.

۱۷- نظر لطف بر من بینداز،
باشد که دشمنانم سرافکنده شوند
چون خواهند دید که تو، ای خداوند،
مرا یاری می کنی و تسلی می بخشی!

ای خدایی که مهربان و بخشنده ای، تو به نداهای عیسی، خادم رنج‌دیده خود
پاسخ دادی و او را از زندان مردگان بیرون کشیدی. از کلیسای خود که خادم و فقیر
است مراقبت فرما هنگامی که در ایام تنگی خود به تو توکل می نماید؛ نشانه ای از
حمایت خود از آن آشکار ساز تا جهان عظمت محبت تو را ببیند و نام تو را برای
کارهای شگفت انگیزت جلال دهد.

مزمور ۹۱

«زیر سایه قادر مطلق»

۱- آن که در پناه خدای متعال است
و در سایه قادر مطلق آرام می گیرد،
۲- به خداوند می گوید: «محافظ من، پناه من،
خدایی که اعتمادم بر اوست».

۳- اوست که تو را از دام صیاد
و از وبای شوم می رهاند.

۴- تو را با بالهایش می پوشاند
و زیر سایه اش پناه می جویی.

۵- تو، نه از خوفهای شب،

نه از تیری که در روز می پرد،

۶- نه از وبای خرامان در تاریکی،

و نه از طاعونی که به وقت ظهر می زند، نخواهی ترسید.

۷- اگر در کنار تو هزار تن،

یا به دست راست ده هزار نفر بیفتند،

تو را آسیبی نخواهد رسید:

وفاداری او، زره و سپر توست.

۸- چشمان خویش را بگشا

تا سرانجام شریان را ببینی.

۹- تویی که می گویی: «خداوند، پناه من»،

در سایه قادر مطلق مأوی گزیدی.

۱۰- نه بدبختی به سرت می آید،

و نه بلایی به خیمه ات خواهد آمد.

۱۱- او فرشتگان خود را فرمان می دهد

تا در تمامی راه ها تو را پاسبانی کنند.

۱۲- تو را بردستهای خود خواهند برد

تا مبادا پایت به سنگی خورد.

۱۳- بر شیر و افعی پای خواهی گذاشت

و بچه شیر و اژدها را لگدکوب خواهی کرد.

۱۴- «حال که بر من توکل می کند، آزادش می سازم،

از او دفاع می کنم زیرا نام مرا می شناسد.

۱۵- مرا می خواند و به او جواب می دهم

و در تنگی، با او هستم.

«می خواهم او را آزاد و سرافراز نمایم،

۱۶- با عمر دراز او را سیر نمایم

و نجات خویش را به او نشان خواهم داد».

ای خدای متعال، ای خدای توانا، تو که از خادم خود حمایت کردی، تو او را

در همه راههای انسانی نگاه داشتی و در آزمایش، با او بودی. در وحشت های شب،

ما را چون او در اطمینان نگاهدار، به هنگام نبرد از ما دفاع کن تا به همراه او جلال

یابیم.

مزمور ۱۲۷

«اگر خداوند بنا نکند!»

۱- اگر خداوند بنا نکند،

بنّایان زحمت بیهوده می کشند.

اگر خداوند شهر را نگاه ندارد،

پاسبانان بیهوده بیدار می مانند.

۲- بیهوده پیش از سپیده برمی خیزی،

شب بیداریهایت بیهوده است.

تو نان رنج می خوری،

اما او محبوب به خواب رفته اش را مسرور می کند!

۳- پسران میراث خداوند هستند،

ثمره رحم، پاداشی از اوست؛

۴- مانند تیری در دست جنگجو،

چنین اند پسران روزگار جوانی.

۵- خوشا به حال مرد دلیر

که ترکش خود را از آنها پر کرده است.

اگر در میدان با دشمنانش روبه رو شود
سرافکنده نخواهد شد.

ای خدایی که به ایمانداران خود نعمت بیکران می بخشی، معمار کلیسای خود
باش و نگاهبان وفاداریهای ما؛ ما را تعلیم ده آن گونه کار کنیم که گویی همه چیز به
دست ما سپرده شده، به ما بیاموز که از خود گذشت کنیم چون در فیض تو در انتظار
همه چیز هستیم.

سرودهای منتخب از عهد عتیق

(اشعیای نبی ۴۰: ۱-۸)

«آن زمان جلال خداوند آشکار خواهد شد»

۱- خدای شما می گوید: تسلی دهید، قوم مرا تسلی دهید،

۲- بر قلب اورشلیم سخن گوید،

او را ندا دهید

که خدمتش به انجام رسیده،

که جرم او کفاره شده،

که او از دست خداوند

برای همه گناهانش دو چندان باز یافته است.

۳- صدایی ندا می کند:

«در بیابان راه خداوند را آماده سازید،

جاده ای در زمینهای خشک

برای خدای ما هموار نمایید.

۴- «هر درّه ای برافراشته شود

و هر کوه و تپه ای پست گردد.

صخره ها مبدل به دشت،

و بلندیها هموار شوند.

۵- «آنگاه جلال خداوند آشکار خواهد شد

و همه جانها، همزمان آن را خواهند دید،

زیرا دهان خداوند است که چنین می گوید.

۶- صدایی گفت: «ندا کن!»

و من گفتم: «چه چیز را؟»

«انسان همچون علف است

و زیبایی اش چون گل صحرائی؛

۷- آنگاه که نفخه خدا بر آن بگذرد،

علف خشک و گل پژمرده می شود.

آری، مردم همچون گیاه هستند.

۸- علف خشک و گل پژمرده می شود،

اما کلام خدای ما،

تا ابد پایدار می ماند».

(مراثی ارمیا ۵: ۱-۷ و ۱۵-۲۱)

«چرا ما را فراموش کرده ای؟»

۱- خداوندا، آنچه بر ما گذشت را به یاد آور،

بنگر و شرم ما را ببین.

۲- میراث ما از آن غریبان شده،

و خانه های ما به بیگانگان رسیده است.

۳- یتیم و بی پدر شده ایم

و مادران ما بیوه گردیده اند.

۴- آبی را که از آن ماست، در ازای پول می نوشیم

و هیزم خود را می خربیم.

۵- ستمدیده و مطیع شده ایم،

جانمان به لب آمده و امان نداریم.

۶- از برای نان روزانه خویش،

دستمان به سوی مصر و آشور دراز است.

۷- پدران ما گناه کردند و دیگر نیستند،

اما این ما هستیم که بار گناهان ایشان را بردوش می کشیم.

۱۵- شادی از قلبمان رخت بر بسته،

و رقصمان ماتم گردیده است.

۱۶- آری، تاج از سرمان افتاده است،

وای بر ما، زیرا گناه کرده ایم!

۱۷- حال اگر قلبمان سوگوار است،

اگر چشمانمان تار شده،

۱۸- برای این است که کوه صهیون تهی گشته

و شغالان در آن پرسه می زنند.

۱۹- اما تو ای خداوند، همیشه حکم می رانی،

تخت تو تا به ابد پابرجاست.

۲۰- چرا دیر زمانی است که فراموشمان کرده ای

و برای بقیه عمر رهایمان نموده ای؟

۲۱- ما را به سوی خود بازگردان و بازخواهیم گشت.

روزهای پیشین را برای ما از سر گیر.

* * *

مزامیر منتخب جهت نیایش برای شفای بیماری

مزمور ۴۱

«خواهم دانست که تو مرا دوست داری»

۲- خوشا به حال کسی که در اندیشه فقیر و ناتوان است!

خداوند او را در روز تنگی نجات خواهد داد

۳- و زنده و خوشبخت، روی زمین نگاه می دارد.

از روی ترحم، او را تسلیم دشمنانش نخواهد کرد.

۴- خداوند او را در رنجش تسلی می دهد

و او را کاملاً از بستر بیماری برمی خیزاند.

۵- گفته بودم: «بر من ترحم فرما، ای خدا،

مرا ببخش، زیرا به حضور تو گناه کرده ام!»

۶- دشمنانم از من به بدی یاد می کنند؛

می گویند: «کی خواهد مرد تا نام او محو شود؟»

۷- اگر کسی به دیدنم آید، یاوه می گوید،

قلبش از افکار پلید پر است

و چون بیرون رود، بدگویی می کند.

مزمور ۸۸

«در این شب است که فریاد می‌زنم»

- ۲- خداوند خدا، نجات من،
شب‌نگاه که نزد تو فریاد می‌زنم،
- ۳- دعای من به درگاه تو برسد،
به ناله من گوش فرا ده!
- ۴- زیرا جانم پُر از یأس شده،
زندگانیم بر لبه هاویه رسیده است.
- ۵- اینک پایی بر لب گور دارم،
به پایان راه رسیده‌ام.
- ۶- جایم در میان مردگان است،
مثل کشته‌ای در گور خوابیده؛
آنانی که تو دیگر به یاد نمی‌آوری
آنانی که مطرود و از تو دورند.
- ۷- مرا در عمق قبر گذارده‌ای،
در تاریکی‌ها، در اعماق نیستی.
- ۸- خشم تو مرا می‌فشرد،
امواج خود را بر من فرو ریخته‌ای؛
- ۹- دوستانم را از من دور می‌کنی،
مرا در نظرشان منفور کرده‌ای،
زندانی شده خلاصی ندارم؛
- ۱۰- چشمانم از رنج بسیار، تار شده است.

خداوند، پیوسته تو را می‌خوانم،
دستهایم به سوی توست.

۸- دشمنانم بر علیه من،

به گوش یکدیگر نجوا می‌کنند.

آنان برای هلاک کردنم

به بدی مشورت می‌نمایند:

۹- «بیماری خطرناکی او را از بین می‌برد

و حال که خوابیده است بر نخواهد خاست».

۱۰- حتی آن صمیمی‌ترین دوست که به او اعتماد داشتم

و نان و نمک را می‌خورد، مرا لگدمال می‌کند.

۱۱- اما تو ای خداوند بر من رحم کن؛

مرا برخیزان تا سزایشان را بدهم.

۱۲- آنگاه خواهم دانست که به من محبت داشته‌ای.

دشمنانم دیگر آواز پیروزی سر نخواهند داد.

۱۳- تو مرا در پاکی استوار می‌سازی

و برای همیشه در حضور خود می‌پذیری.

۱۴- خداوند، خدای اسرائیل،

از ازل تا به ابد متبارک باد.

آمین، آمین!

ای خداوند عیسی، تو که بیماران را شفا دادی و گناهکاران را بخشیدی، تو که
گفتی «خوشا به حال رحم‌کنندگان زیرا بر آنها رحم کرده خواهد شد»، به ما تعلیم ده
تا به فقرا بیندیشیم و از آنانی که رنج می‌برند چون تو مراقبت کنیم و تو نیز، در روز
داوری، بر ما ترحم فرموده ما را نجات ده.

۱۱- آیا برای مردگان اعجاز می‌کنی؟

آیا اشباحشان برای سپاس تو برمی‌خیزند؟

۱۲- چه کسی در گور، سخن از محبت تو می‌گوید

و در نیستی، از وفاداری تو؟

۱۳- آیا معجزه‌های تو را در ظلمت می‌شناسند

و عدالت تو را در زمین فراموشی؟

۱۴- اما من ای خداوند، به سوی تو فریاد برمی‌آورم،

سحرگاهان، دعایم پیش روی تو می‌آید.

۱۵- خداوند، چرا مرا از خود می‌رانی؟

چرا روی خود را می‌پوشانی؟

۱۶- بیچاره و از پا درآمده‌ام،

به مصیبت‌های تن در داده‌ام و دیگر توانم نیست.

۱۷- خشم تو بر من گذشته است

و خوف تو نابودم ساخته است.

۱۸- تمامی روز مثل آب مرا در برمی‌گیرد،

به سان گرداب مرا در خود فرو می‌کشد.

۱۹- دوستان و نزدیکانم را از من دور می‌کنی

و تنها همراه من، تاریکی است.

ای خداوند، تنها نجات مسکینان، در فریاد آنهایی که ترک می‌شوند، عیسی را

بشنو که از تو درخواست می‌کند؛ در بدنهایی که مورد نفرت هستند، تن پسر خود را

بر روی صلیب ببین؛ در ترس و وحشت آنهایی که در حال مرگ هستند احتضار

محبوب خود را بنگر. آیا حاضر نیستی برای مردمی که جویای تو هستند همان

کاری را انجام دهی که برای او انجام دادی؟

مزمور ۱۴۳

«قوت تو، مرا هدایت کند»

۱- خداوند، دعایم را بشنو، به التماسم گوش فرا ده.

تو عادل و با وفا هستی، مرا جواب ده.

۲- برخادم خود حکم مکن،

هیچ زنده‌ای نزد تو از عیب بری نیست.

۳- دشمن در طلب نابودی من است،

زندگی مرا پایمال می‌کند

و همچون مردگان ابدی،

مرا در ظلمت می‌نشانند.

۴- نفسی برایم نمانده

و قلبم در درونم پریشان است.

۵- روزگار گذشته را به یاد می‌آورم،

در تمامی اعمال تو تفکر نموده،

در کارهای دست تو می‌اندیشم.

۶- دستهایم را سوی تو برمی‌افرازم،

اینک در مقابل تو، همچون زمین تشنه هستم.

۷- ای خداوند، برای اجابت من بشتاب،

نفسی نمانده است.

روی خود را از من مپوشان،

مبادا مثل آنانی شوم

که به قبر فرو می‌روند.

۸- بگذار بامدادان محبت تو را بشنوم

زیرا که به تو توکل دارم.

راهی که باید بروم به من نشان ده،
چون روحم را به سوی تو برمی افرازم.

۹- ای خداوند مرا از دشمنانم برهان،
به تو پناه آورده‌ام.
۱۰- مرا بیاموز که اراده تو را به جا آورم،
چون خدای من تو هستی.
باشد که قوت تو،
مرا بر زمین هموار هدایت نماید!

۱۱- [...]

ای خدایی که باوفا و دادگر هستی، دعای کلیسای خود را بپذیر، همان طور که به عیسی، خادم خود پاسخ دادی. وقتی نَفَس در کلیسا ضعیف و ناتوان می شود عطا کن با نَفَس روح تو زنده شود. عطا کن در کار دستهای تو بیندیشد و آزاد و مطمئن به سوی صبح رستاخیز پیش رود.

سرودهای منتخب از عهدعتیق

(اشعیای نبی ۳۸: ۱۰-۲۰)

«زندگانند که تو را سپاس می گویند»

۱۰- می گفتم: در نیمه راه عمر
از جهان می روم،
برای باقی سالهایم،
بر در هاویه جای دارم.

۱۱- می گفتم: دیگر خداوند را
در زمین زندگان نخواهم دید
و دیگر بر چهره انسانی
در میان ساکنان جهان نخواهم نگریست.

۱۲- خانه من کنده شد،
دریده همچون چادر چوپان.
مثل بافنده ای کلاف زندگی ام را پیچیدم،
پود مرا بریده اند.

از طلوع تا غروب، جان مرا می گیری،
۱۳- تا صبح فرا رسد، نیست گردیده‌ام.
همچون شیری، تمامی استخوانهایم را کوبیده،
از طلوع تا غروب، جان مرا می گیری.

۱۴- همچون چلچله می خوانم
و مثل کبوتر ناله سر می دهم.
آن قدر آسمان را نگریسته‌ام که چشمانم ضعیف شده اند،
ای خداوند در تنگی هستم نگهبان من باش!

۱۵- چه بگویم تا جوابم دهد،
حال آن که اوست که این را می کند.
سراسر زندگیم را با تلخ کامی خویش به سر خواهم برد.

۱۶- خداوندا، با این وجود، چیزی که قلبم از تو می خواهد،
زندگی روح من است.
تو مرا شفا خواهی داد و دوباره زنده خواهی کرد،
۱۷- تلخ کامی من به آسایش بدل خواهد شد.

تو به جان من پیوستی
تا از عمق نیستی مرا دور کنی.
همه گناهانم را،
پشت سر خود به دور افکندی،

۱۸- زیرا زندان مردگان ثناگوی تو نیست
و هاویه ستایش تو را نمی گوید؛
و نه آنانی که به قبر فرو می روند،
در انتظار وفای تو.

۱۹- زندگانند، زندگان که تو را سپاس می گویند
چنان که من امروز می گویم.
آری، پدر به فرزندان خویش
وفاداری تو را خواهد آموخت.

۲۰- ای خداوند بیا، مرا نجات ده!
و ما همه روزهای عمرمان،
نغمه های خویش را
در حضور خانه خداوند خواهیم سرود.

(هوشع نبی ۶: ۱-۶)

«محبت می خواهیم نه قربانی»

۱- بیایید به سوی خداوند بازگردیم:

او زخمی کرده و هم اوست که ما را شفا خواهد داد.
او زده و هم اوست که ما را تیمار خواهد کرد.

۲- بعد از دو روز، ما را زندگی دوباره خواهد داد،
روز سوم ما را برپا خواهد داشت
و آنگاه در حضور او زندگی خواهیم کرد.

۳- بکوشیم خداوند را بشناسیم.
طلوع او همچون فجر یقین است.
او همانند باران نزد ما خواهد آمد،
چونان رگباری که زمین را سیراب می کند.

۴- «ای آفرایم با تو چه کنم؟
ای یهوذا با تو چه کنم؟
محبت شما به سان مه صبحگاهی است،
همچون شب‌نم سحرگاهی، زودگذر.

۵- «برای این بود که توسط انبیا آنها را کوبیدم،
با سخنان دهانم کشتار کردم
و داوری من همچون نور درخشید.

۶- محبت آن چیزی است که می خواهیم نه قربانی؛
و شناخت خدا را، بیش از قربانی های سوختنی».

* * *

مزامیر منتخب جهت نیایش توبه و طلب بخشش

مزمور ۶

«خدایا، مرا شفا ده»

۲- خداوندا، بدون غضب مرا تأدیب نما

و با خشم، سرزنشم مکن.

۳- ای خداوند بر من رحم کن
زیرا که دیگر پشمرده ام!

خداوندا، شفایم ده، چون تمامی استخوانهایم لرزانند
۴- و تمامی وجودم به غایت پریشان.

ای خداوند، تا به کی؟

۵- خدایا، به سویم بازگرد و رهایم ساز،

به خاطر محبت خود، مرا نجات ده.

۶- هیچ کس در هاویه نام تو را ندا نمی کند.

کیست که در دنیای مردگان تو را سپاس گوید؟

۷- از ناله های خود خسته و درمانده ام،

هر شب در بستم می گریم

و بالینم از اشکها تر شده است.

۸- از شدت غم و اندوه، چشمانم فرسوده شده،

و در میان این همه دشمنی، نگاه من تیره گشته است،

۹- ای بدکاران، از من دور شوید

زیرا خداوند آواز تضرع مرا می شنود.

۱۰- خداوند به فریاد من گوش می دهد

و دعای مرا اجابت می کند.

۱۱- باشد که تمام دشمنانم، خجل و لرزان،

به یکباره روگردانند و شرمنده بروند!

ای خدای ما، تا به کی؟ چرا می گذاری ما از بین برویم؟ تو که از رحمت و محبت
سخن می گویی، اشکهای پسر خود را به یاد آور. بر شب مهیب کلیسای خود
بنگر؛ دشمنانش را دور کن، آنگاه می توانیم بار دیگر بی ترس و لرز، محبت و رحمت
تو را بسراییم.

مزمور ۳۲

«تو گناه مرا از میان برداشتی»

۱- خوشابه حال کسی که خطایش بخشیده شد

و از گناهانش تبرئه گردید.

۲- خوشابه حال آن که خداوند جرمی به حسابش نیاورد

و روحش عاری از مکر و فریب باشد.

۳- از ناله هایم در سراسر روز،

جانم ضعیف می گشت و خاموش می شدم.

۴- دست تو، شب و روز

بر من سنگینی می کرد.

جانم همچون بوته خشکی در فصل گرما

کاهیده شده بود.

۵- گناهم را نزد تو اعتراف کردم

و خطای خود را پنهان ننمودم؛

گفتم: «گناهم را نزد خداوند اقرار خواهم کرد.»

و تو، مرا از آلودگی گناهم پاک نمودی.

۶- همچنین هر آن کس که در وقت اجابت،

نزد تو دعا خواهد کرد.

اگر آنها نیز، همچون سیلی روان شوند،

نمی توانند او را دربرگیرند.

۷- تو برای من پناهگاه هستی و مرا از تنگی حفظ می کنی.

تو با نغمه های رهایی، مرا در برگرفته ای.

۸- می خواهم تو را تعلیم دهم

و راهی را که باید در آن سلوک کنی،

به تو بنمایانم.

پندت دهم و از تو مراقبت کنم.

۹- همچون اسب یا قاطر مباح،

آنها حکمت دهنه و افسار را نمی دانند

و چون برای رام کردنشان پیش روی، باز می دارند.

۱۰- شریر آلام بی شماری خواهد داشت،

اما محبت خداوند،

کسانی را که بر او توکل کنند، دربر خواهد گرفت.

۱۱- در خداوند شادمان باشید!

ای عادلان، به وجد آیید!

ای راست دلان، شادی بسیار نمایید!

ای پدر ما را محافظت نما، ما را پند ده، آنگاه که وسوسه به ما نزدیک می شود. تو که اجازه دادی خطاهای ما بر پسر بی گناه تو، سنگینی کند، تو که می خواهی گناهان ما را همواره برداری، راهی به سوی خود بر ما آشکار نما، و گرداگرد ما را از سرود آزادی پر ساز.

مزمور ۳۸

«هیچ گاه مرا ترک مکن»

(الف)

۲- خداوند، در خشمت مرا توبیخ مکن

و در حال غضب مرا تأدیب مفرما.

۳- تیرهای تو در من فرو رفته اند

و دست تو بر من فرود آمده است.

۴- از خشم تو جان سالم به در نخواهم برد.

از وقتی خطا کرده ام، استخوانهایم سالم نمانده اند.

۵- گناهانم مرا در خود فرو برده اند،

بار سنگینشان از پایم افکنده،

۶- زخم هایم پوسیده و متعفن شده اند؛

این است سزای حماقت من.

۷- ناتوان و رنجور و خمیده شده ام

و تمامی روز، در تاریکی خود را می کشانم.

۸- تب و درد به مغز استخوانم رسیده

و در جسم من عضو سالمی نمانده است.

(ب)

۹- خسته، کوفته و شکسته شده ام

و قلب من به فغان آمده است.

۱۰- ای خداوند، همه فریادم به درگاه توست،

هیچ یک از ناله هایم از تو پوشیده نیست.

۱۱- قلبم می تپد،

قوتم و حتی نور چشمانم از دست می رود.

۱۲- دوستان و همراهانم از اندوه من خود را کنار می کشند

و نزدیکانم مرا از سرشان باز می کنند.

۱۳- آنها که قصد جانم را دارند، در پی من هستند

و مردمانی که بدبختی مرا می جویند.

ایشان سخنان فتنه انگیز می گویند

و تمام روز، در دلشان حيله می اندیشند.

(ج)

۱۴- اما من به مانند گران هیچ نمی شنوم

و مثل گنگان، دهانم را باز نمی کنم.

۱۵- به کسی می مانم که هیچ نمی شنود
و جوابی در دهان ندارد.

۱۶- امید من به توس، ای خداوند،
جوابگو تویی ای خداوند، ای خدای من.

۱۷- گفتم: «مبادا پیروز شوند
اینانی که بر من پوزخند می زنند آنگاه که ضعیف هستم!»

۱۸- نزدیک است که بیفتم!
اندوهم همواره مقابل دیدگانم است.

۱۹- همواره گناهم را اعتراف می کنم
و از خطای خود وحشت دارم.

۲۰- دشمنان من قوی و زورمندند

و آنها که بر من دشمنی می ورزند بسیار.

۲۱- به عوض خوبی، به من بدی روا می دارند
و وقتی در پی نیکی هستم، مرا متهم می نمایند.

۲۲- خداوندا، هیچ گاه مرا ترک مکن،

خدای من، از من دور مشو؛

۲۳- به کمک من بشتاب،

رهاننده من تویی، ای خداوند.

ای خدایی که تمامی ندا‌های ما را درک می کنی، دور مباش؛ ما را جواب ده! تو
مسیح را در نهایت درماندگی جسمانی اش ترک نکردی تا به خاطر محبت استهزا
شود. حال بگذار فرزندان که از سنگینی خطاهایشان خمیده شده اند به کمک و
بخشش تو امیدوار باشند.

مزمور ۵۱

«روح مرا تازه ساز»

۳- در محبت خود ای خدای من، بر من رحم کن،
با رحمت بی پایان، گناه مرا پاک ساز؛

۴- خطاهایم را بشوی،
و از گناه، ای خداوند، طاهرم کن.

۵- زیرا، من گناه خود را می شناسم
و خطایم همواره در برابر من است.

۶- به تو و تنها به تو گناه ورزیدم،
آنچه در نظر تو بد بود همان را انجام دادم

تا بتوانی به سخن آمده عدالت خویش را نشان دهی
و داوری نموده، پیروزی خود را آشکار سازی.

۷- من پلید به دنیا آمده ام،
از رحم مادر گناهکار بودم.

۸- اما تو، در ژرفای وجودم خواستار حقیقتی
و در نهان، حکمت را به من می آموزی.

۹- مرا با زوفا پاک کن تا پاک شوم،
مرا بشوی تا از برف سفید تر گردم.

۱۰- بگذار آواز جشن را بشنوم

تا استخوانهایی که تو می کوبیدی، پایکوبی کنند.

۱۱- از خطاهایم روی خود را برگردان،
شرارت را در قلبم محو کن.

۱۲- ای خدای من، در من دلی پاک بیافرین،
در درونم روحی تازه استوار ساز،

مزمور ۱۰۲

«آنان می‌گذرند، تویی که می‌مانی!»

(الف)

۲- خداوندا، دعای مرا بشنو،

فریادم به نزد تو برسد!

۳- در روز تنگی ام،

بر من نظر انداز؛

آنگاه که تو را می‌خوانم،

بشتاب و پاسخم ده.

۴- روزهایم چون دود می‌روند،

استخوانهایم همچون هیزم در آتش است؛

۵- دل من به سان علف هرز کاهیده می‌شود

و نان خوردن خود را از یاد می‌برم.

۶- آن قدر شیون کرده‌ام

که پوست به استخوانهایم چسبیده است.

۷- به مرغ سقای بیابان می‌مانم،

حکایت جغد ویرانه‌ها شده‌ام.

۸- شب را به بیداری می‌گذرانم،

این منم، مثال پرنده‌ای گوشه‌گیر بر روی بام.

۹- هر روز دشمنانم مرا سرزنش می‌کنند،

بر من غضبناک شده، مرا نفرین می‌کنند.

۱۰- نانی که می‌خورم خاکستر است

و آبی که می‌نوشم به اشک آلوده.

۱۱- چون تو در بیزاری و خشم خود،

۱۳- مرا از حضور خود دور مکن،

روح قدوست را از من باز مگیر،

۱۴- شادی نجاتم را به من بازگردان

و بگذار روح بخشنده تو، حامی من باشد.

۱۵- راه تو را به گناهکاران خواهم آموخت

و گم‌گشتگان را سوی تو باز خواهم گردانند.

۱۶- از قصاص خون ریخته مرا آزاد کن، ای خدا، خدای نجات من؛

و زبانم عدالت تو را اعلام خواهد کرد.

۱۷- ای خداوند لبهایم را بگشا،

تا دهانم سپاس تو را بسراید.

۱۸- اگر قربانی تقدیم کنم، تو نمی‌پذیری،

قربانی سوختنی را نیز رد می‌کنی.

۱۹- قربانی مقبول خدا،

روح افسرده و قلب شکسته و خُرد شده است.

خداوندا، تو آن را می‌پذیری.

۲۰- به صهیون خوشبختی ده،

دیوارهای اورشلیم را دیگر بار برافراز.

۲۱- آنگاه قربانی‌های راستین،

تقدیمی‌ها و قربانی‌های سوختنی را خواهی پذیرفت،

آنگاه، گاوهای وحشی را بر قربانگاه تو تقدیم خواهند نمود.

ای خدای مهربان و سرشار از رحمت، تنها با نگرستن بر صلیب، آنجا که

پسرتو به خاطر ما خود را گناه ساخت، درحقیقت این رحمت را درک

می‌کنیم که تو فقط دوستدار بخشش هستی، تو تنها خواستار نجات هستی. روح شکسته م

ا را ببین و قلب سرشار از پشیمانی ما را، و نیز ما را از تمامی خطاهایمان پاک کن،

در شادی روح القدس بار دیگر ما را زنده ساز: آنگاه می‌توانیم عدالت تو را تحسین

کنیم و محبت تو را به برادرانمان اعلام نماییم.

مرا برافراشته و به دور افکنده‌ای.

۱۲- روزهایم مثل سایه رو به زوال،

و من همچون علف خشک می شوم.

(ب)

۱۳- اما تو ای خداوند که بر تخت نشسته‌ای تا به ابد،

و نسل بعد از نسل تو را یاد خواهند کرد.

۱۴- برخیز و بر صهیون ترحم فرما،

وقت آن است که او را پیامری.

۱۵- خدمتگزاران تو سنگهایش را عزیز می دارند

و بر ویرانه هایش دل می سوزانند.

۱۶- ملت‌ها از نام خداوند خواهند ترسید

و تمامی پادشاهان زمین از جلال او.

۱۷- آنگاه که خداوند صهیون را دگر بار بنا کند،

آنگاه که او در جلالش پدیدار شود،

۱۸- خداوند به داد مظلومان خواهد رسید

و دعای آنان را خوار نخواهد شمرد.

۱۹- باشد که اینها برای نسل آینده نوشته شود

و قوم باز آفریده، خدای خود را بسراید:

۲۰- «خداوند از بلندیهای قدس الاقداس خود خم شده،

از آسمان بر زمین می نگرَد؛

۲۱- تا ناله اسیران را بشنود

و محکومین به مرگ را رهایی بخشد».

۲۲- نام خداوند را در صهیون برافرازند

و سپاسش را در سراسر اورشلیم.

۲۳- آنگاه اقوام امت‌ها به هم خواهند پیوست

تا خداوند را بپرستند.

(ج)

۲۴- قدرتم را در نیمه راه گرفت،

از شمار روزهایم کاست.

۲۵- به او گفتم: «ای خدای من،

در نیمه عمر مرا برمدار».

- سالهای تو، برابر تمامی قرن‌هاست.

۲۶- از قدیم اساس زمین را گذاردی،

آسمان ساخته دستهای توست.

۲۷- آنها نابود می شوند، اما تو می مانی؛

آنها همچون لباسی پوسیده می شوند

و تو چون تن پوشی آنها را عوض می کنی.

۲۸- اما تو همان هستی که بودی،

سالهای تو بی پایان است.

۲۹- فرزندان بندگان خواهند ماند

و نسل آنان در برابرت پایدار.

ای خدا که از ازل تا به ابد هستی، اما آسمان و زمین همچون جامه کم از بین

می روند. ای خدا تو ابتدا و انتها نداری، اما انسان همچون علف نابود می شود. تو

ناله مسیح را که به او توهین شد و تنها و بی کس محکوم به مرگ گردید شنیدی.

ساعت آن فرا رسیده که بر کلیسای خود ترحم فرمایی، پس بگذار که کلیسا با مدد به

انسانهای محروم، جلال تو را آشکار سازد و نیز قوم نوینی باشد که تمامی اقوام زمین

در آن جمع شوند تا تو را نسل بعد از نسل به یاد آورند.

مزمور ۱۳۰

«نزد خداوند فدیة فراوان است»

۱- از اعماق هاویه، ای خداوند

نزد تو فریاد برمی آورم،

۲- ای خداوند، التماس مرا بشنو
و به زاری من گوش فرا ده!

۳- خداوند، اگر گناهانمان را در نظر آوری،
کیست که برجا ماند؟

۴- لیکن بخشش نزد توست
تا انسان از تو بترسد.

۵- با تمامی وجود به خداوند امید دارم
و در انتظار سخن اویم.

۶- جان من در انتظار خداوند است،
بیش از منتظران صبحگاه.

۷- همچون شبگرد، چشم به راه سپیده دم،
ای اسرائیل منتظر خداوند باش.

۸- زیرا رحمت نزد خداوند است
و فدیة نزد او فراوان.

۹- او قوم برگزیده را،
از همه گناهانشان فدیة خواهد داد.

ای خدای محبت و بخشش، با فرستادن کلمه خود به دنیا، طلوع نجات را بر قوم
خود نمایان ساختی، ما را در ورطه خطاها رها مکن، فریاد کلیسای خود را بشنو و با
بخشیدن نجات کامل به او، انتظارش را برآور.

مزمور ۱۴۲

«کسی نیست که به یاد من باشد»

۲- به آواز بلند سوی خداوند فریاد می زنم،

به آواز بلند به خداوند التماس می کنم،

۳- ناله ام را به حضور او سر می دهم،

در حضورش اندوه خود را بیان می کنم.

۴- هنگامی که نفَس بر من تنگ می شود،
تویی که راه مرا می دانی.

در راهی که می روم،
گرداگردم برایم دام گذارده اند.

۵- اطراف مرا بنگر و ببین:
کسی نیست که مرا بشناسد،
دیگر پناهی ندارم،
کسی نیست که به یاد من باشد.

۶- نزد تو ای خداوند فریاد زدم،
گفتم: «تو پناه من هستی،
نصیب من در زمین زندگان».

۷- به فریاد من گوش فرا ده
زیرا که دیگر توانی ندارم.
مرا از دست ستمگرانم رهایی ده
زیرا آنها از من قوی ترند

۸- مرا از زندانی که در آن هستم، رهایی ده
تا نام تو را سپاس گویم.
برای نیکویی که به من خواهی کرد،
عادلان گرداگرد من خواهند بود.

ای خدایی که همه چیز را می دانی، فریاد انسان را بشنو؛ ناله اسیر و ناله ستمدیده
را، ناله آن کسی را که دیگر هیچ چیز ندارد، نه دوست و نه پناهگاهی. در صدای او
صدای عیسی را بشنو، او را آزاد ساز، همان گونه که عیسی را آزاد کردی، اندوه او را
به سپاسگزاری تبدیل کن.

۱- نیایش در زمان مژده‌ها

قبل از عید میلاد

سرود ۱:

ای که برتر از همه هستی، چگونه می‌توان تو را به نامی دیگر نامید؟
چه سرودی از بهر تو توان سرود؟ هیچ واژه‌ای قادر به وصف تو نیست!
تنها توصیف ناپذیر، هرآنچه به وصف آید از توسست،
تنها ناشناخته، آنچه به اندیشه درمی‌آید از توسست!

موجوداتی که گویایند و آنان که خاموش، تو را بزرگ می‌دارند.
آنان که می‌اندیشند و آنان که نمی‌اندیشند به تو احترام می‌گذارند.
ای خواهش تمامی عالم، ناله همگان به سوی تو پر می‌کشد.
به نزد تو همه موجودات سرود خاموشی سر داده‌اند.

آنچه پایدار مانده، در توسست که پایدار مانده است.
جنبش عالم در تو بال و پر گشوده است.
برای هرآنچه هست، تو پایان هستی.
تو همه کس هستی و هیچ کس نیستی، تو یکتایی!

تو یک جزء نیستی، و نه کل
تو همه نامها را داری. تو را چه بنامیم؟
بر ما رحم کن ای آن که برتر از همه هستی!
چگونه تو را به نامی دیگر خوانیم؟

استغاثه شفاعت:

* خداوندا بر ما ترحم فرما

ای خدای توانا، پادشاه عالم، تو که فرشتگان جلالت را بدون آن که خسته شوند
همواره می‌سرایند، تو را متبارک می‌خوانیم.

* ...

بخش سوم

نیایشهای خاص اعیاد مختلف کلیسایی

تو آفریدگان ناتوان خود را خوار نشمرده ای، بلکه ما را فراخوانده ای تا تو را بشناسیم، تا تو را محبت کرده و خدمت کنیم.

* ...

تو پسر محبوب خود را فرستادی، تصویر کامل خود و پرتوی از شکوهت را.

* ...

برای نجات ما، وی را در سرشت میرای ما به ظهور آوردی تا در همه چیز به ما شبیه گردد، مگر در گناه.

* ...

در وی با نور انجیل خود ما را منور گردانیده ای، مژده ملکوت را به ما نوید داده ای.

* ...

ای تو که انسانها را دوست می داری، ما را در فیض مسیح خود نگاه دار تا روزی که در شکوهش بازخواهد آمد، خاطر جمع و آسوده باشیم.

* ...

آرامش خود را به ما ارزانی فرما تا بتوانیم آن را با دیگران در محبتی متقابل تقسیم کنیم.

* ...

باشد که روح القدس تو همه وجود ما را تقدیس کند و از آن هدیه ای جاودانی در سرائش فیض تو فراهم آورد.

* ...

زیرا ای پدر پرشفقت، برکات از سوی تو نازل می شود و جلالی که لبها به این سبب به تو می دهند به سوی تو بالا می آید، توسط عیسی مسیح، پسر یگانه تو در اتحاد با روح القدس.

* ...

سرود ۲:

مژده نوین را برای ما به کمال رساندی
و چه شگفتی بی نظیری برای مخلوقین انجام دادی:

از بشریت ما معبدی مقدس ساختی
که در آن تمامی جهان، جلال را به تو بازگرداند

ای زمین و آسمان بیایید و شگفت زده شوید!
برآورد شدن آرزویمان توسط خداوند را تحسین کنید:

اینک انسانیت ما توسط او ارتقا یافت
و به شراکت با الوهیت ابدی او نائل گشت.

در تمام قرون آسمان و زمین مدح او را سرایند
آن کسی که با مهربانی و محبت ما را دربر گرفت
ما را بر عمل دستهایش قدرت داد
و تصویر جلالش را در ما تازه کرد

مسیحا، خداوند ما، تو به ما همه چیز داده ای.
نام تو در تمام اعمال شگفت است!
روح تو در ما جلال پدر را می ستاید،
امروز و همواره در قرن‌ها و قرن‌ها.

استغاثه شفاعت:

* خداوندا، بزودی بیا!

ای حکمتی که از دهان باریتعالی برآمده ای، تو که بر همه چیز از این سوی جهان تا به آن سو سلطنت می کنی و همه آنها را با قدرت و ملایمت مهیا و مرتب می گردانی، بیا تا راه حکمت را به ما بیاموزی.

* ...

ای خداوند و رهبر بیت اسراییل، تو که در آتاش بوته شعله ور به موسی آشکار گردیدی و تورات را بر فراز کوه سینا به او دادی، برای باز خرید ما با دست قوی بیا.

* ...

ای شاخه یسّی تو که چون نشانی در میان اقوام برپا خسته ای، تو که قدرتمندان در برابر تدهائهای خود را می بندند، که اقوام نجات خود را در تو می جویند، برای رهایی ما بیا و درنگ مکن.

* ...

ای کلید داود و چوگان بیت اسراییل، تو که می گشایی و احدی یارای بستن ندارد، تو که می بندی و احدی یارای باز کردن ندارد، بیا و اسیران را از زندان رها ساز.

* ...

ای ستاره بامدادی و درخشش نور و آفتاب عدالت، بیا و آنانی را که در تاریکی و سایه موت پنهان شده اند منور ساز.

* ...

ای پادشاه ملتها، تو که قادر به سیراب کردن آنان هستی، ای سنگ زاویه، تو که ملل متخاصم را متحد می داری، بیا و انسانی را که به روی زمین آفریده ای نجات ده.

* ...

ای عمانوییل، پادشاه و رهبر ما، امید ملل و منجی آنان، برای نجات ما شتاب کن.

* ...

سرود ۳:

درود بر تو ای سرشار از فیض، خداوند با توس

تو چون جامی بس پاک برگزیده شدی

همواره گرانها برای پذیرفتن خدا در خویش

تو در برابر خدا بهر فیض نایل گردیدی.

اینک به پسری زندگانی خواهی بخشید، وی را عیسی خواهی نامید.

او قومها را نجات خواهد داد و پسر خدا نامیده خواهد شد،

خداوند خدا تخت داود را به او خواهد سپرد
و جاودانه بر خاندان یعقوب سلطنت خواهد کرد.

روح القدس بر تو خواهد آمد و تو را در سایه قدرت خود خواهد گرفت.
فرزندى که از توزاده شود مقدس خواهد بود و وی را پسر خدا خواهند نامید.
من کنیز خداوندم، به من آن رسد که خواست وی است.

درود ای محبوب خداوند که در کنار عرش جای داری
درود ای مادر خدا، مادر نجات دهنده.
درود بر تو که خدا را پذیرفته ای و خدا در آسمانها پذیرا گردیده است.
درود ای باکره، درود ای مادر، ای طومار جاودانه، ای نور هستی!

استغاثه شفاعت:

* با میانجی گری مادر خدا، ای منجی ما را نجات ده!

ای مسیح، قوم تو مادرت را که استغاثه های خود را نثار می گرداند به تو نمایانده
است. ای منجی نیکو و سراپا شفقت، رحمت خویش را ارزانی فرما تا تو را که از بهر
ما از گور قیام کرده ای بسراییم.

* ...

درود بر تو ای تختی که چون آتش درخشانی!

درود بر تو ای عروس و باکره،

درود ای باکره: تو به بشریت خدایی داده ای!

* ...

درود ای درگاه خدایی که باکره برای آفریدگار فراهم آورده است!

درود ای ابری که منجی را چون شبنم آسمانی دربر داری!

درود ای نردبان یعقوب و تخت و تاج خدا!

درود ای کوه مقدس، پر بار و ناسفته!

* ...

۲- عید میلاد مسیح

سرود ۱:

از شرق که آفتاب طلوع می کند

تا به سرحد غروب

مسیح پادشاهمان را مدح سراپیم

که از مریم باکره متولد شد.

قادر مطلق، خالق عالم

جامهٔ بردگی دربر گرفت

و اراده نمود که جسم را توسط جسم نجات دهد

مبادا مخلوقات او گمراه شوند

رحم باکره، ای طاهر

فیض آسمانی را پذیرفته

و رازی نهفته را باردار شده،

که هرگز به فکرش خطور نکرده بود

با فروتنی کامل در آخری حقیر بدنیا آمد،

بر روی کاه خوابید،

از شیر تغذیه گردید،

او که کوچکترین پرندگان را دانه می دهد.

(آئین بیزانتین)

سرود ۲:

امروز عذرا، آن کسی را زایید که مافوق هر طبیعت است،

و زمین برای پناه آن مافوق درک انسانی، غاری هدیه کرد.

ای مسیح، ما مادرت را وکیل خود می دانیم،

وی در روح القدس برحسب تن به تو زندگانی داده است،

حتی پس از تولد تو وی بکارت خود را ناسفته گذارده است.

* ...

خداوند رحمت کسانی را که به درگاه تو این چنین نیایش می کنند،

بخشایش ارزانی فرما «ما را در ملکوت خویش بیاد آور!»

* ...

درود ای معبد زنده، ای درگذر ناپذیر!

درود ای تختی که بدون سوخته شدن می سوزی!

درود ای مادر عمانوییل، مسیح خدای ما!

* ...

ای باکره در زمان پیش بینی شده توسط خدا

تو باردار گردیده و خود منجی را به دنیا آوردی:

آنان را که تو را تجلیل می کنند رستگار فرما.

* ...

ای مادر تو برحسب جسم به پسر و سخن خدا در رازی زندگانی داده ای،

و نیز ما را که به وسیله تو در زندگی جاودان شرکت می کنیم

ما تو را این چنین می سراپیم: درود بر تو، ای امید مسیحیان!

* ...

درود بر تو ای مأمن بی همتای خدا!

درود ای امید نجاتی که پیمان نوین را به همراه داری!

درود ای جام زرینی که از بهر همگان «من» از آسمان آورده ای!

* * *

فرشتگان همراه با چوپانان، خداوند را می ستایند،
و مجوسیان با راهنمایی ستاره ای، به راه می افتند.

آن خدای ازلی و توانا، که آسمان و زمین را آفرید،
به صورت نوزادی ناتوان، امروز بدنای ما چشم گشود.

(رومانوس خوش آهنگ)

سرود ۳:

هلولویا، هلولویا، هلولویا.

دیوار جدایی فرو ریخت و خنجر آتشین عقب رفت،
کروبیان از مقابل درخت زندگی کنار می روند.

و من در نعمت های بهشتی سهم می شوم،
که بی اطاعتی، مرا از آن رانده بود.

مسیحا ای خورشید روحانی عدالت، تو از باکره ای طلوع نمودی،
تو که مافوق درک انسانی، ستاره ای بنمود که تو در غاری جای داری
با مجوسیان هم زبان شده تو را می ستاییم:
ای خالق و بخشنده زندگی، فرو شکوه بر تو باد!

امروز آسمان و زمین در شادمانی باشند و
فرشتگان و آدمیان، خداوند جاودان را ستایش کنند،
او که از زنی بدنیا آمد

و برای آنانی که در سایه مرگ جای گرفته اند در جسم آدمی ظاهر شد،

باکره از آسمانها وسیع تر است

چرا که از رحم او نوری بر ما تابیدن گرفت

چون دری مُهر و موم شده، اما زائیده است

کلمه تن گرفته اما نزد پدر مَسکن دارد.

امروز مریم باکره، خالق همه چیز را به دنیا آورد.

باغ عدن به او غاری تقدیم نمود
و ستاره ای مسیح را آشکار ساخت.

ای اورشلیم شادمان باش و شما که او را دوست می دارید،
در این جشن سهم شوید.

امروز بند اسارت از ما گسیخته گردید،

درب بهشت به روی ما گشاده شد و مار لگدمال گردید.

و آن زن که فریب او را خورده بود مادر خالق شده است.

زهی عمق دولتمندی و حکمت و علم خدا:

آن که ارمغانش مرگ بود، نوبر نجات ما گشت

تمام آفرینش از شوق و شعف به رقص آیند

مسیح آمد که خلقت را باز خواند و جان ما را نجات بخشد.

همانگونه که او می داند، همانگونه که او می خواهد.

او که «هست» به خاطر ما آنچه نبود را پذیرا شد.

او خدا ماند،

او که در آن گِل که از آن سرشته شده ایم با ما شریک شد.

(آئین بیزانتین)

استغاثه مدح و ثنا:

* درود، ای عروس ازدواج ناکرده

درود بر او که نجات از وی درخشیده است؛ درود بر تو که لعن و نفرین در برابر
به هزیمت رفته است.

* ...

درود ای آشتی آدم ساقط، درود ای تسلی اشک های حوا.

* ...

درود ای ستیغ دست نیافتنی برای روح ما. درود ژرفنای دست نیافتنی حتی به دید فرشتگان.

* ...

درود زیرا تو تخت پادشاهی، درود زیرا آن را با خود داری که همه را در خود دارد.

* ...

درود ستاره بامدادی که خبر از خورشید می دهد، درود ای آغوش تن یافت خدایی.

* ...

درود بر آن کس که آفرینش از او نوین گردیده است. درود بر آن کس که توسط او آفریدگار خود را طفلی ساخته است.

* ...

درود ای چراغ روشن، کوه مقدس، قدس درخشان، حجله گاه زوال ناپذیر.

* ...

درود ای باکره پاک و منزّه، درود ای عروس ازدواج ناکرده.

* ...

درود ای سرا پا فیض، خداوند با توسّ، وی که سرچشمه همه عطوفت هاست.

* ...

(آیین بیزانتین)

* * *

۳- عید ظهور مسیح

سرود ۱:

ای پسر خدا، کلیسا، این عروس تو امروز شادمان است:
وی با همه فرزندان از سوی تو پاک و تقدیس شده است.
وی تعمید تو را تجلیل می کند، هلولیاه.
تو که به روز ظهور خویش وی را غرق در جلال گردانیدی.

روز ظهور تو عظیم و تعمید تو شکوهمند است،
خورشید نوینی است که برگیتی می تابد!
اعمال تو بهر مخلوقات شگفت آفرین است.
متبارک باشی تو که با تعمید خویش ما را دوباره آفریده ای!

ای همه قوم ها مسیح داماد را
که برای نجات ما سر فرود آورده است بسرایید و تجلیل کنید
ما را در آب و آتش روح القدس تعمید داده
و به کسانی که در سایه مرگ افتاده اند دوباره زندگی داده است.

ای کلیسای مقدس به وجد آی و شادی کن
مسیح، داماد خویش را بستای و تجلیل کن
با تعمیدش تو را از گناه رها نموده است
و برای تطهیر تو تن و خون خویش را به تو ارزانی داشته است.

استغاثه شفاعت:

* خداوندا بر ما ترحم فرما
در صلح، دوباره و بی وقفه به درگاه خداوند نیایش کنیم.
* ...

برای صلحی که از خداست و نجات همه آدمیان به درگاه خداوند نیایش کنیم.

* ...

برای صلح سراسر جهان، تجدید کلیساهای مقدس خدا و اتحاد همه آدمیان به درگاه خداوند نیایش کنیم.

* ...

برای این خانه و آنان که با ایمان، فروتنی و علاقه به خدا در آن گرد هم می آیند به درگاه خدا نیایش کنیم.

* ...

برای پدرمان، پاپ...، برای پاتریارک خود... و اسقف خود... برای کشیشان و شماسان خود و برای همه کسانی که در کلیسا خدمت می کنند به درگاه خداوند نیایش کنیم.

* ...

برای همه تعمید یافتگان که از آب به قدرت و حضور روح القدس از نو متولد شده اند به درگاه خداوند نیایش کنیم.

* ...

برای آن که عمل تطهیر کننده تثلیث حیات بخش بر ما فرود آید به درگاه خداوند نیایش کنیم.

* ...

برای آن که خداوند خدا ما را از همه بلاها محفوظ دارد و از وسوسه خصم برهاند و ما را لایق وعده ها بداند، به درگاه خداوند نیایش کنیم.

* ...

برای آن که به نور معرفت و محبت با حضور روح القدس منور گردیم به درگاه خداوند نیایش کنیم.

* ...

برای آن که روح القدس برای همه آدمیان آب جهنده در زندگی ابدی گردد به درگاه خداوند نیایش کنیم.

* ...

برای آن که خدا تمامی وجود آنانی را که از او بهره دارند و با ایمان او را می چشند نوین گرداند به درگاه خداوند نیایش کنیم.

* ...

برای آن که همه آدمیان از تثلیث مقدس به وسیله آب تعمید سرشار گردند، به کمک ظهور نامرئی روح القدس به درگاه خداوند نیایش کنیم.

* ...

برای آن که خداوند خدا نیایش ما گناهکاران را اجابت گرداند و بر ما ترحم فرماد به درگاه خداوند نیایش کنیم.

* ...

ای خدا، با فیض خود به یاری ما بشتاب، ما را نجات داده، بر ما ترحم فرما و ما را حفظ فرما.

* ...

با یادآوری از بانوی خود مریم، که کاملاً مقدس است، وی که پاک و بی آلایش و برتر از هر کس خجسته است، وی که شکوهمند و مادر همیشه عذرای خداست، همچنین با به یاد آوردن همه قدیسان، به خود اعتماد کنیم، به یکدیگر اعتماد کنیم، در سراسر زندگی به مسیح خدایمان اعتماد داشته باشیم.

* ...

زیرا تمامی جلال، افتخار و ستایش تو را زیبد، پدر، پسر و روح القدس، از هم اکنون و جاودانه از قرنی به قرنی. آمین.

(آئین بیزانتین)

سرود ۲:

ای پسر خدا، کلیسا در بر گیرنده تو در این روز به شادی است: کلیسا با همه فرزندانش به وسیله تو تطهیر و تقدیس گردیده است.

کلیسا تعمید تو را تجلیل می کند. هلولیاه،

تو که به روز پدیدار شدن خود، آن را رخت شکوه در بر کردی.

پدیدار شدن تو چه سترگ و روز تعمید تو چه فرخنده است.

ای خورشید نوین که بر پهنه جهان می درخشی!

برای آفریده هایت عمل تو رازگونه است

متبارک باشی، که با تعمیدت ما را تولدی نوین داده ای!

ای همهٔ قوم‌ها آواز بخوانید و جلال دهید،

مسیح سرور ما را که برای نجات ما سر خم کرده است.

او ما را در آب و در آتش روح القدس تعمید داده است

او کسانی را که در سایهٔ مرگ ناله می‌کردند زندگانی بخشید.

ای کلیسای مقدس به اهتزاز درآی و به وجد شو

مسیح سرور خویش را تجلیل و ستایش کن:

با تعمیدش تو را از گناه برهانیده است،

او تن و خون خود را برای تطهیرت، به تو ارزانی کرده است. (آئین سریانی)

استغاثه شفاعت:

* خداوندا بر ما ترحم فرما

ای پدر، خدای ما تو نه قربانی خواسته‌ای و نه پیشکش، اما پسر محبوب خود را

برای آشتی دادن همه به وسیله وی، با ایجاد صلح از راه خون صلیبش، بفرستاده‌ای.

* ...

ای پسر، منجی جهان که چون ما تن و خون یافته‌ای، در هر چیز به مانند برادرانت

گردیده‌ای مگر گناه.

* ...

روح القدس، خدای ما، وقتی بر سر مسیح فرود آمدی پُری الوهیت جسماً در وی

ساکن گردید.

* ...

از بدخواهی، از عدالت‌جویی به نفع خود، از ولرمی، از فرو بستگی قلب، از

بی‌اعتنایی نسبت به تحقیر تو و برادرانمان، خداوندا ما را نجات بخش.

* ...

ای مسیح تو که در تنیافت خویش با محبت به سرشت آدمی ما درآمده‌ای ما را

بیاموز تا شادمانه دستهای پدرمان را پذیرا باشیم.

(آئین تزه)

* ...

* * *

۴ - ایام روزه

سرود ۱:

شکوه تو را باد، ای خدای ما، شکوه تو را باد،

روز و شب شکوه تو را باد،

در هر زمان و در هر لحظه.

در رحمت خویش بر ما ترحم فرما.

خداوندا، به رحمت خویش گوش فرادار

و گناهان ما را ببخش.

مگذار در وسوسه بیفتیم.

ما را با صلیب حیات بخش خویش

وفاداران محافطت فرما.

نور صلیب تو شرارت را دور می‌کند.

خداوندا، راستی لطف و وفای تو،

بر ما قرار گیرد،

زیرا رحمت تو خلل ناپذیر است،

تو دستاورد خود را منفور نخواهی داشت.

باشد که صلیب تو برای ما طریق زندگی باشد،

ای مسیح که با مرگ خود ما را از مرگ می‌رهانی.

خداوندا، ای مسیح، تو را شکوه، بر پدرت سپاس،

و روح القدس را جلال باد، از ازل تا به ابد.

(آیین کلدانی)

استغاثه شفاعت:

* بر ما ترحم فرما

ای پدر، که در ذات قدوسی، پرستندگان را شایستهٔ تقدیس نام خویش دار.

* ...

باشد که فرمانروایی تو در واقعیت رازگونه و آتی خویش همان گونه که ما در نورش غرقه گشته ایم، فرارسد.

* ...

باشد که خواست تو را بر زمین، بدون ترس به جا آوریم، همان گونه که در آسمانها هیچ کس نخواهد توانست مانع ما شود.

* ...

امروز نان روزانه ما را عطا فرما، زیرا سرشت های میرا همواره نیازمندند.

* ...

پیش از آفریدن ما، تو ضعف ما را می دانی: از سر محبت ما را بیآفرین، به رحمتی که داری گناهان ما را ببخش.

* ...

همه مدیون محبت تو، یکدیگر را رنج می دارند: باشد که هر کس دیگری را ببخشد و تو خداوند، همه را ببخش.

* ...

مگذار به وسوسه نفس گرفتار شویم زیرا دشمن آدمی بی رحم است و ما ضعیف هستیم.

* ...

از سر رحمت و عطوفت، ای بخشنده مهربان، ما را از شریرهایی ده، زیرا تنها تو قادر به سرکوبی ظلم هستی.

* ...

ملکوت، قدرت و شکوهمندی از آن توست: عطا فرما تا در آنجا وارثان پسر محبوب تو باشیم و به همراه مقدسان، تو را تجلیل کرده و بستائیم.

* ...

(آیین کلدانی)

سرود ۲:

خداوندا، در برابر تو زانو می زنیم
و هر صبح سجده کرده نیکویی تو را می ستاییم
ای که آفتاب خود را بر نیکان و بدان می تابانی،
به رحمت عظیم خود ما را حفظ بفرما.

خداوندا، زمانی که به ما سپرده ای،
تا برای زیستن در اینجا بمانیم، کوتاه است
و ما هم آن را در بطالت سپری می کنیم،
بدون بهره ای از عشق،
و به نفع مرگ.

اینک در برابرت ایستاده ایم، خدای نجات دهنده ما،
از فرق سر تا به پا پوشیده از زخم و جراحت
زخمهای تو ما را شفا دهند و خون تو ما را طاهر سازد
تو که در مهربانی خود، خوشتن را برای ما دادی.

مسیحا، که توسط روزه ما را شایسته پرستش خود می گردانی،
انسانهایی را که به شکل خود آفریده ای احیاء نما.
با آنان سخن بگو،

و در آنان فصیح خود را به انجام رسان
و همه ما را زنده گردان،
در اتحاد با پدر خود.

استغاثه شفاعت:

* خداوندا بر ما ترحم فرما

خدا همواره در کارها، در سخنان و در رازهای قلبی مان، ما را حمایت می کند.
خدایا بر ما ترحم فرما زیرا در برابر تو گناه ورزیده ایم.

* ...

خدایا، تو ای خداوند صلح و صفا ما را ببخشای. وقتی به حضور تو رسیدیم روی از ما مپوشان.

* ...

خدایا کلمهٔ تو تن یافته و برای ما مصلوب گردیده است، درگذشته، به خاک سپرده شده و قیام کرده است.

* ...

ای خدا ما را در پیوند با خود نگاه دار تا گناهان ما را از دستهای تو نرباید.

* ...

خدایا مگذار که به مکر و حيله دیو در اُفتیم.. قلب ما را چون شمشیری بُرنده علیه هر اندیشه گناه نگاه دار.

* ...

خدایی که به دریا سخن گفتی و آرام گردیدی، شعله گناهان ما را فرو نشان. برای همیشه به ما قلبی پاک و ایمانی در محبت خود عطا فرما.

* ...

سرود ۳:

جلال بر تو باد ای مسیح، ای تو که تنها بی گناه هستی

به جای ما گناهکاران،

خودت را به مرگ بر صلیب تسلیم نمودی.

و ما را از چنگال بدی رهانیدی.

در مقابل آن همه نیکوئی

چه تقدیم تو نماییم؟

جلال بر تو باد، ای یار آدمیان،

جلال بر تو باد، ای رحیم،

جلال بر تو باد، ای صبور،

جلال بر تو باد، ای بخشنده گناهان.

جلال بر تو باد،

که به خاطر نجات ما آمدی.

جلال بر تو باد، که تازیانه خوردی.

جلال بر تو باد، که مورد استهزاء قرار گرفتی.

جلال بر تو باد، که بر صلیب میخکوب گشتی.

جلال بر تو باد،

که به خاک سپرده شده و زنده برخاستی.

جلال بر تو باد،

که بر دست راست پدر نشسته ای.

جلال بر تو باد،

که اقدام به رهایی گناهکاران نمودی،

در کمال شفقت و مهربانی خود.

استغاثهٔ شفاعت:

* خداوندا بر ما ترحم فرما

داود چنین ندا بر آورد: خدایا بر من رحمت آور، زیرا من آلوده به خون انسانم، با

زوفای نیکوئی خود مرا پاک کن و مرا از گناهانم بشوی، ای عیسی منجی جهان.

* ...

ای منجی جهان، صلح و عدالت از بهر ما عطا کن، زیرا تو نور حقیقی هستی؛

شکوه تو ما را منور می گرداند و پسران نور تو را می ستایند. تو که ساکن در نوری ما

را شایسته آن بدان که نظاره گر تو باشیم.

* ...

به هنگام داوری اعمال آشکار و نهان آدمیان، ما را محکوم مگردان، بلکه به

همراه عادلان و مقدسان شایستهٔ فردوس خویش بدان.

* ...

ما در دریایی از خطا غرقه ایم، دست خود را دراز کن و همان گونه که شمعون را از امواج بیرون کشیدی ما را نیز نجات ده. به هنگام آمدنت به یاری ما بشتاب.

* ...

با محبت خویش جراحات ما را درمان کن. ما را شایستگی عطا فرما تا غزلی شیوا برای تو و همچنین برای پدر و روح القدس تو بسراییم ای تثلیث ستودنی.

* ...

(آیین کلدانی)

سرود ۴:

ای نگهبانان شب، برخیزید،

جلال را به آواز بلند بسرایید.

زیرا شیربچه زندانی شده:

چه کسی می تواند در خواب غفلت بماند؟

پدر در محبت خود اراده نمود

پسرش را به جهان بفرستد.

شریران او را بر صلیب آویختند

چه کسی می تواند در خواب غفلت بماند؟

او را به محاکمه کشاندند و محکوم کردند،

به حبس انداخته، شلاق زدند،

با ضربات ترکه،

چه کسی می تواند در خواب غفلت بماند؟

بر چهره او آب دهان انداختند،

غلامی بر گونه اش سیلی زد.

و چون سخن گفت، او را محکوم کردند:

چه کسی می تواند در خواب غفلت بماند؟

سگان درنده، به شیر توانا حمله کردند
تا او را بکشند.

اما او مانند مقصری ساکت و آرام بود:

چه کسی می تواند در خواب غفلت بماند؟

تاج خاری برای او بافتند،

آن را بر سر سرور شاهان گذاردند.

او را وادار به تحمل اقسام دشنامها نمودند:

چه کسی می تواند در خواب غفلت بماند؟

استغاثه شفاعت:

* خداوندا بر ما رحم فرما

جلال بر نیکوئی تو، ای که مسیح، خورشید عدالت، پرتوی که از ساقه «یسی»
درخشیده و همه را به توبه فراخوانده را بفرستاده ای، به درگاه تو استغاثه می کنیم.

* ...

اعتراف کرده و طلب بخشایش کنیم. باشد که هر کس آنچه در قلب دارد فراموش
کند و آمرزش بطلبد.

* ...

خدایا تو می دانی که گناه ما زیاد است، دست آمرزشگر خود را به سوی ما دراز
کن و روی از نیایش ما برنتاب زیرا ما با خون تو بازخرید شده ایم.

* ...

همانند پسر گم شده که ثروت پدرش را بر باد داد، ما محبت تو را درست درک
نکرده ایم، خداوندا به مهربانی که داری ما را ببخشی.

* ...

باشد که آمرزش تو بر همه گسترده گردد، ای مسیح، ما به تو که امین هستی
استغاثه می کنیم.

* ...

تو که بارگناهان ما را بر دوش کشیده‌ای، به روزی که فرزندان آدم از مرگ قیام کنند باشد که صلیب تو مدافع ما باشد و هنگامی که آمرزش تو روی نماید مهربانی تو را ببینیم.

* ...

(آیین کلدانی)

* * *

۵- ایام صلیب مسیح

سرود ۱:

با تمجید از صلیب، آن درخت حیات
و چوب زندگی بخش،
که بدن مصلوب کسی را بر خود حمل می‌کند
که آدمیان را به سوی پدر جلب
و ما را در عشق بی‌تزلزلش استوار می‌سازد.

انسان ریشه‌کن شده و تو بر زمین فرو شدی
طبیعت برده است و درخت تو شکوفان
آفرینش ناله می‌کند و خداوندش در آن می‌دمد
این همان دم محبت است که از پدر ساطع می‌شود

فریاد خداوند حی پرده را پاره کرد
سنگها و دل‌های سخت را شکافت.
صلیب انجیلی است که در آن، کلمه خاموش است
و انسان تشنه عشق در آن
به سرچشمه آب حیات رسیده است.

خداوندا تو خیمه‌ات را توسط صلیب
برای همیشه در میان ما برپا کردی
این است پیمان جاودان
با ابر ناپیدایت
بشر سرگردان را به سوی سرزمین موعود
در جستجوی صلح هدایت می‌کنی.

سرود ۲:

در زمان موسی چشمه های تلخ
با چوب دستی شیرین گشتند
و امروز، صلیب تو به ما انعطاف می بخشد
و قلب ما را چون موم نرم می کند.

در زمان یوشع، نهر اردن
با چوب دستی، تا عمق شکافته شد
و قوم از آن عبور نموده، چون آهن برنده گردیدند.
و امروز توسط صلیب و تعمید،
گم شدگان به سوی تو آمده و آشتی می کنند.

درود بر تو ای صلیب گرانمایه
که نابینایان را راهنما،
آرمیدگان در مرگ را رستاخیز،
و برخیزاننده ما به هنگام سقوطی.

توسط توست که
انسان به قله رفیع الوهیت دست می یابد.
با سیر و نظاره تو حمدت می گوئیم
و در تو به رحمتی لایزال دست می یابیم.

سرود ۳:

تو که در آغاز سماوات را
توسط کلام پر عظمت روح خالقت استوار گردانیدی
ما را نیز ای پروردگار و منجی
بر صخره تزلزل ناپذیر ایمان استوار گردان.

ای خداوند رحیم و مهربان و میخکوب شده بر صلیب
به خاطر ما داوطلبانه درد و رنج کشیده
ضربه و دشنام را تحمل نمودی،
اما ما را صلح و نجات بخشیدی.
به همت و برکت تو ما همه
با پدر گرامیت مصالحه کردیم.

تو که بر روی صلیب رنج و درد را تحمل نمودی
و درب فردوس را بر سارق گشودی
قلب مرا در عشقت استوار گردان
ای تنها یار آدمیان.

تو که روز سوم از قبر برخاستی
و نور حیات را بر جهان تابانیدی
ای خداوند، مالک هستی
قلب مرا در عشقت استوار گردان
ای تنها یار آدمیان.

سرود ۴:

ای به تن کرده جامه ای از نور
من به پای تو ایستاده و پس
می زنم من تو را صدا از شور
کن تو روشن روان تیره من
ای مسیح رحیم و هم غفار.

داده ای رخصت صلیب خودت
هم اجازت که تا شوی تحقیر

ای خداوند مهربان و بزرگ،
پرشکوه و جلال و خوب و رحیم
بود میلّت که بنده آرای،
بر لباس خدائیت، ای نور.

ای مسیح، کرده ای مرا تورها،
از اسارت به کسوت فانی
تا ملبس نمائیم جاوید
آن زمانی که در تمام تنّت،
مزه مرگ بود و میخ و صلیب
سومین روز، روز رستاخیز.

منجی ما مسیح، یار بشر
با دو دست گشوده روی صلیب
تا جهان را به برکشی از مهر
دفنِ جسمت به خاک، خالی کرد،
دوزخ و ژرفنای هاویه را.
پرز شادی نموده انسان را
سومین روز، روز رستاخیز.

سرود ۵:

منجی آفرینش و هستی، ای مسیح،
ای خدای لطف و جلال
ای که بخشیده ای به مرحمت
فیض تعمید بهر عفو گناه،
ما به سویت به توبه و ایمان
ره سپاریم، ای خدای جهان.

ای خدای محبت و رحمت
ای که بخشیده ای به انسانها،
نه چو موسی و صخره سختش،
نه چو یعقوب و چاه پر آبش
و نه اردن که کرده ای تطهیر،
روز تعمید خود، مسیح خدا،
بلکه از پهلوی دریده تو
شد روان آب زندگانی ما.

فسرده دل، فسرده روح
به اشتیاق و آرزو به سوی تو کنیم رو
مسیح، ای هادی ما به سوی ذات پاک حق.
مرا در او تولدی دوباره ده
و رخصتی که به رحمتت
از گناه رها شوم
و سیر از آب زندگانی گردم.

کنون گشوده قلب تو به روی ما
و دستهای یاریت به سوی ما دراز
تا ما را به آغوش پدرآوری.
از رحمت بی پایان
شادی عظیم خود را
به ما فرو روندگان هاویه عطا فرما.

سرود ۶:

ای خدای رحمت و نجات و بخشش،
خدای شفا و تندرستی و نور حیات

و ای خدای رستاخیز و زندگی جاودان.

به هنگام فرارسیدن ملکوت، فراموشم مکن
ای پرهیبت، مقتدر و رفیع،
ای نیکخواه و خالق موجودات
ای زنده و ستوده، ای کامل و متعال
ای هم آوا با آه و ناله تمامی آفریدگانت.

من نیز هم صدا با مصلوب کنار تو،
تو را التماس می کنم.

او به خاطر تو، بازداشت، دربند و مصلوب نشد
و به نام ارفع تو سیلی نخورده و بی حرمت نگشت
بلکه رسوا و تحقیر شده به مرگ تسلیم گردید.

اما لایق ملکوت دادگران

و سهمیم در نور مراد گردید

زیرا درستی عهد و استواری پیمان تو بود
که او را به هدیه مسلم تو واقف نمود.

ای نعیم و متبارک

مرا نیز با همان ایمان ببذیر

ای نیکوکار، از ویرانی رهائیم داده

و از معلولیت و بیماری نجاتم بخش

ای رحیم و ای رحمان.

از آستانه مرگ به زندگی بازم آور

ای صاحب زندگی

زیرا من نیز به تو تعلق دارم

و از تو می خواهم همراه آن سارق به من جان بخشی
ای پناه بی پناهان.

روح مرده ام را به نفس تازه زندگی، حیات بخش
ای حیات جاوید و ای برخاسته از مرگ
ای نیکی بی انتها و برکت مزید مداوم
ای بخشش جاوید و دست راست مقتدر
و ای دست فرمانروا و همیشه نزدیک.

خداوندا، کافی است که اراده تو

بر نجات من قرار گیرد

و نگاهی رقت آور اندازی تا تبرئه شوم

و با سخنی از تو طاهر و بی عیب گردم.

ستم هایم را فراموش کن، آنگاه دلیر خواهم شد

عفو و گذشت و اغماضت را بر من آشکار ساز

آنگاه به تو پیوند خواهم خورد

ای مکرم در هر قول و فعل

جلال و شکوهمندی تا ابدی روز کمال بر تو باد.

سرود ۷:

بر من عنایت فرما،

ای خداوند بخشنده مهربان.

بر من عنایت فرما،

در رحم و کرامت بی پایان.

پطرس در مقابل درب قصر قیافا،

بر خویشتن فریاد کشید:

«وای بر من که بیگانه شدم چون پسر را حاشا کردم.
 او مرا صخره نامیده بود،
 اینک من خاک و شن گشتم،
 و بر روی شن، او کلیسای خود را بنا نمی کند.
 من باعث طرد گشتن خود شدم.
 او به من سعادت و میمنت داده بود
 زمانی که پدر او به من می آموخت، تا به او بگویم:
 «تویی مسیح، پسر خدای زنده.
 پس به چه کسی التماس کنم،
 که شفاعت مرا نزد پدر کند؟
 او دیگر مرا چون فرزندش نمی پذیرد،
 من برای همیشه مقصرم.»

(سرودی از کلیسای آشوری کلدانی برای جمعه مقدس)

سرود ۸:

به خاک سپردن مسیح، خداوند ما،
 آخرین مرحله از خواری و ذلت او بود.
 حیرت، فرشتگان و انسان را دربر گرفت،
 مردگان که در قبر بودند،
 بیدار شده و از قبر برخاستند و سرودند:
 «فر و جلال بر پسر که از آسمان فرود آمد
 و برای ما به صلیب آویخته شد
 و با ندای حیات بخشش فریاد زده
 زمین و آسمان را به لرزه درآورد.»

بیدار شو ای نخستین آدم
 و بنگر آن یکتا پسر را
 که همانند مجرمی به دست گناهکاران، شکنجه می بیند.

بیدار شو ای ابراهیم
 و بنگر آن پسری را که از پیش او را رؤیت نموده بودی
 بنا بر رازی که به تو الهام شده بود،
 امروز بر صلیب آویخته شده است.

بیدار شو ای موسی، ای نخستین نبی
 و بنگر خداوند انبیا را
 که از دست پسران آنان رنج می برد،
 همچنان که از قبل بدان اشاره کرده بودند.

بیدار شو ای اشعیای نبی،
 تو که لبریز از جلال خداوندی
 بنگر و بین مسیح پادشاه را
 که برای مرگ به قربانگاه بردند
 و او مانند بره، دهانش را نگشود.

بیدار شوید و برخیزید
 ای پدران آرمیده در امید رستاخیز
 و ببینید برفراز جلجتا
 صاحب تمام خلقت را.

بیدار شوید ای مردگان پیشین
 از خواب عمیق مرگ برخیزید
 و ببینید در دست ظالمان،

آن را که افتادگان و خوارشدگان را پیروز می گرداند.

بیدار شوید و برخیزید، ای مردگان،

بنگرید و ببینید گناهکاران را

که صاحب زندگی و مرگ را به میان مردگان می کشند.

بیدار شوید ای مردگان گناهکار

ببینید آن پسر را که شناخت گناه را

او که با گناهکاران در احتضار است

برای انهدام مرگ و گناه.

بیدار شوید ای مردگان

و ببینید چه شگفت انگیز

از صلیب و اعدام پسر یگانه، زمین شکافته

و او به زندان مردگان فرو رفته

تا قدرت مرگ را نابود سازد.

ای فاتح و پیروز،

از رحم و شفقت خود بر زمین آمدی

و با خواست خود به دست بندگان محکوم شدی.

حال، مبرا و مطهر گردان

آن را که در بند گناه افتاده

تا از عفو و رحمت تو زندگی نوین یابد.

(سرودی از کلیسای آشوری کلدانی در شب شنبه مقدس)

* * *

۶- عید رستاخیز مسیح

سرود ۱:

تو که فرزندان آدم را از مرگ بر می خیزانی، تو مرگ را چشیده ای.

با مرگت به مردگان زندگانی می بخشی و گناه را کشته ای.

تو که دوزخ را ویران و آدم را از مرگ بر خیزانده ای،

ما را در بازگشت خودت شایسته بدار تا در قلمروت شادی نمائیم.

در این شب پسر پادشاه ما، مرگ را در جایگاهش کشته است.

او برای دیدار کسانی که خفته اند آمده و در کنار آنها دراز کشیده است.

عطرش در بین مردگان پراکنده می گردد

آنان دوباره زنده شده و وی را می ستایند.

به وجد آی و شادی کن کلیسای مقدس،

آواز شکوهمندی و قدردانی برای داماد بسرای

که تو را با صلیب خود نجات داده است.

با رستاخیز وی سلطه مرگ ویران گردیده است

آدم و فرزندان او وارث ملکوتی نوین اند.

ای مسیح خدای ما کلیسایت تو را می ستاید،

تو که با مرگت او را به همسری خود درآورده ای.

با خونت که ریخته شد، مهریه او را نوشتی

و محبت تو از قرنی به قرنی گسترده است.

(آئین سریانی)

استغاثه شفاعت:

* خداوندا بر ما ترحم فرما

ای خداوند رحیم، رستگاری و رحمت، عفو و تجدید عهد، درخشش و زندگانی،

رستاخیز و بقاء، به درگاه تو نیاز آورده ایم.

* ...

وقتی در ملکوت خود آمدی، تو که قوی، نیکوکار و آفریننده همه موجوداتی و گوش به ناله همه آفریده ها ما را به یاد آور.

* ...

ای نیکوکار، ای تو که متبارکی، ما را چون راهزنی که بر صلیب در کنارت بود پذیرا باش و ما را از نیستی برهان، ای بخشنده بزرگ ما را از بیماری ها و ضعف هایی که داریم شفا بخش.

* ...

ای جانبخش، ما را از سرازیری مرگ به زندگانی باز آور. ما نیز از آن تو هستیم. ای کسی که پناه ما می باشی ما را به همراه آن راهزن زندگانی بخش.

* ...

ای رستاخیز، زندگانی و بقاء، نیکی بی غش، فیض پایان ناپذیر، بخشایش مدام، قوی پنجه، دست بالای دست، انگشت مدد رسان به ما که مرده ایم، دم زندگانی عطا فرما.

* ...

خطاهای بیشمار ما را فراموش کن و خواهی دید که ما سرشار از شهامت گردیده ایم. به ما آزادی عطا فرما و خواهی دید که با تو پیوند یافته ایم. ای کسی که در همه چیز و در همه قرن ها شکوهمندی، نیایش های ما را برآور.

* ...

(گرگوری نارک)

سرود ۲:

ای شبی که تابناک تر از روزی
ای شبی که درخشان تر از خورشیدی
ای شبی که درخشنده تر از برفی
ای شبی که شعله ور تر از مشعل های مایی!

ای شبی که گوارا تر از فردوسی
ای شبی که رها شده از ظلماتی

ای شبی که خواب را از چشمان میربایی
ای شبی که پاس بیداری با فرشتگان است!

ای شبی که برای اهریمنان وحشتناکی
ای شبی که همه آرزوهای سال بدان روی آور است
ای شبی که کلیسای نامزد را به سوی همسر او سوق می دهی
ای شبی که مادر کسانی هستی که نورانی اند!

ای شبی که در آن، وقتی خفته بود
شیطان از هم پاشید
ای شبی که در آن وارث،

وارثان دیگر را بر سر میراث آورد
(آستریوس اهل آماسه)

استغاثه شفاعت:

* خداوندا بر ما ترحم فرما

ای خداوند برخاسته از مرگ، تو که به صورت آدمی در آمده ای، تو که برای آن کس که رنج می کشد، رنج کشیده ای و برای آن کس که در بند بود، به بند کشیده شده ای، بر ما ترحم فرما.

* ...

ای مسیح برخاسته از مرگ، تو که چون مجرم داوری گردیده بودی و برای آن کس که به خاک سپرده شده است، به خاک سپرده شدی، بر ما ترحم فرما.

* ...

ای مسیح تو که از میان مردگان برخاسته و با صدای رسا چنین به گوش ها رساندی: «چه کسی علیه من مجادله کند؟ رو در روی من بایستد!»، بر ما ترحم فرما.

* ...

ای مسیح برخاسته از مرگ، تو که محکوم را رهانیده ای، تو که مرده را زنده

کرده ای، تو که خاک سپرده را برخیزانده ای، بر ما ترحم فرما.

* ...

ای مسیح برخاسته از مرگ تو که مرگ، را در هم شکسته ای و بر دشمن پیروز گردیده ای و دوزخ را به زیر پایت لگدکوب کرده ای، بر ما ترحم فرما.

* ...

ای مسیح برخاسته از مرگ تو که مرد زورمند را به بند کشیده و آدمی را در بلندبهای آسمان ها، مسرور داشته ای، بر ما ترحم فرما.

* ...

(ملیتو اهل ساردیس)

سرود ۳:

گور قادر به دربند کشیدن آفریدگار زندگی نیست،

سنگ قادر نیست بر خداوند جهان سنگینی کند.

انسان هایی که به بند کشیده شده بودند، آزاد گشتند

آنان که از پای درآمدن بودند به سوی پدر کشیده شدند.

رویت را به ما بتابان تا قرنهای نور تو را بنگرند،

و آن روزی را که از مرگ تو گریخت، طالع گردان.

چقدر دوزخ سیری ناپذیر که حلقوم فراخ خود را گشوده است

و در حال بلع بی وقفه است، اسیر تو گردد!

ای پادشاه مقدسان،

وقتی آبهای مقدس تعمید

به ارواح مطهر شادی می بخشد

آنگاه است که بر مردمان بشمار

میوه پیروزی تو، نور می دهد.

قومی مقدس از آب و روح از نو متولد می گردد،

از گناهان گذشته در نهري نوین شسته می شود.

رخت نو از نور، برق می زند

سپیدی رمه، شبان را شادمان می کند. (سرودی از قرون اولیه)

استغاثه شفاعت:

* خداوندا بر ما ترحم فرما

ای خدای توانا از تو تمنا داریم، ای مسیح ما، دستهای عظیم خود را بر روی کلیسای مقدس خود و بر قوم مقدس خود که همیشه از آن توست بگشا.

* ...

از آن دفاع کن، از آن محافظت فرما، به نبرد برخیز و برای وی کارزار بر پا کن، همه دشمنانت را در برابر قدرت خود به زانو در آور.

* ...

اکنون پرچم خود را بالای سر ما بگیر و ما را یاری کن تا به همراه موسی آواز پیروزی را بخوانیم.

* ...

ای مرگ پیروزی تو کجاست؟ ای مرگ نیش تو کجاست؟ مسیح رستاخیز کرده و تو به خاک اندر شده ای.

* ...

مسیح رستاخیز یافته و شیاطین فرو غلتیده اند، مسیح رستاخیز یافته و فرشتگان در آرامش هستند، مسیح رستاخیز یافته و مردگان گورهای خود را ترک می کنند.

* ...

آری مسیح نوبر خوابیدگان از میان مردگان برخاسته. شکوه و قدرت از قرنی به قرنی وی راست.

* ...

(هیپولیتوس رومی)

* * *

۷- عید صعود مسیح

سرود ۱:

امروز منجی ما که به هیئت تن درآمده
بر تخت جاودانگی خود باز بالا رفته است.
به پدر خویش بشریتی را که به رنج سپرده شده بود عرضه می‌دارد،
در حالی که در آسمانها، ب
شریت را که بر زمین خوار گردیده بود جلال می‌بخشد.

آن کس که به درون گور شده بود،
رفت تا به شکوه رسد.

با مرگش، مرگ را مقهور کرده بود،
باقیامش، به زندگانی امید بخشید.

امروز آن کس که با قدرت پدر آشکار گردیده بود،
به سوی پدر بازگشت؛

کلمه تن گرفته شکوهمند،

پس از آنکه در فروتنی بر زمین خدمت کرد،
فرشتگان به ستایش وی پرداختند.

شرایط بشری ما از این پس
در نور شکوهمند مسیح، خداوند ما، به الوهیت پیوسته است.
هم ذات با پدر، بی دگرگونی باقی است
اما روح القدس خویش را برای جاودانه کردن ما می‌پراکند.

استغاثه مدح و ثنا:

* در سراسر قرن‌ها شکوه تو راست

خداوندا، پیروزمند بر مرگ، شکوه جاودانه را به دست آورده کار خود را به
انجام رساندی.

... *

سرود ۲:

همه با هم خدایی را که بر کوه صهیون دیده شده است بسراییم؛
در آنجا تورات خود را به موسی داده است که بینندهٔ خدای بود.
و از کوه زیتون، در جسم خویش به آسمان بالا رفت
زیرا سرا پا در فر و شکوه بود.

در حالی که کرورها کرور عادلان که تو آنها را از ظلمات بیرون کشیده بودی و در
پیروزی ات تو را دنبال می‌کردند در اطرافت بودند.

... *

از زمین در ابری نورانی به معراج رفتی. درهای جاودانی باز شدند، فرشتگان به
شادی اندر شدند: انسان و خدا بر تخت پدر جای گرفتی.

... *

ای کاهن اعظم، میانجی و مدافع آدمیان، تو به طور دائمی همان پیشکشی را به
پدر تقدیم می‌کنی که یک بار از روی محبت به خاطر همه بر روی صلیب عرضه
داشتی.

... *

ای مسیح که با معراج تو، سرشت ما از همه قدرتها و قدرتمندان برتر آمده است،
برای ما مکانی جاودانی حاضر کرده‌ای.

... *

ای مسیح که با معراج خود اسیران را آزاد ساخته‌ای و موهبت‌های خود را
پراکنده‌ای، تو به سوی پدر بالا رفته و به همین شیوه در شکوه خود باز خواهی آمد.

... *

ای مسیح که به دست راست پدر نشسته‌ای و روح القدس خویش را به ما ارزانی
داشته‌ای. به ما کهنانت ملوکانه را بخشیده و از میانجی‌گری به سود همه آدمیان
درنگ نخواهی کرد.

(آئین تازه)

تو ای جاودان سومین روز از مرگ برخاستی،
و به یازده رسول و همه شاگردان پدیدار گشتی.
سپس بر ابرها به سوی پدر بازگشتی،
ای مسیح، آفریننده هستی.

خداوندا جهان به زیر بار گناهانش فرسوده می گردد
تو آن را با رنج و رستاخیز خود نوین گرداندی.
سپس بر ابرها، به سوی پدر بازگشتی:
فر و شکوه بر صعود شکوهمند تو باد

ای مسیحی که زندگانی می بخشی،
تو به سوی پدر بر ابرها بازگشتی.
ای دوست آدمیان، با شفقت برون از وصف خود
سرشت ما را نوین گرداندی.

فرشتگان همسرا، هم زمان با تو، ای منجی،
ناظر رفعت سرشت آدمی می باشند:
آنان سرا پا شگفت زده لحظه ای از سرایش تو باز نماندند.
فر و شکوه بر صعود شکوهمند تو باد.

ای مسیح به جستجوی آدم گمگشته برآمده و وی را تقبل کردی.
و سپس به سوی پدر بازگشتی،
به دست راست وی بر تختش نشستی
درحالی که فرشتگان تو را می سرودند.

ای پادشاه فرشتگان، در شکوه به بالا بر شدی،
و برای ما روح پشتیبان را که از پدر برآمده بفرستادی.
با فرشتگان به وجد درآمده، دست افشانی و پایکوبی می کنیم:
فر و شکوه بر معراج شکوهمند تو باد.

عیسی که تنها زندگانی می بخشد،
کسانی را که به آنان محبت داشت با خود همراه می برد و از کوهستان زیتون بالا
می رود.
آنان را برکت داده و بر روی ابرها برای رسیدن به آغوش پدر،
که هرگز وی را ترک نکرده است، می شتابد.

سراسر جهان، دیدنی و نادیدنی، سرا پا به وجد و شادی است؛
فرشتگان با آدمیان در اهتزازند.
ای مسیح بدون اندکی درنگ صعود تو را تجلیل می کنند:
از سر عطوفت بود که در تن خویش با ما هم پیوند گشتی.

تو قدرت مرگ را درهم شکستی، ای خداوند جاودان،
و ای خدایی که دوست آدمیانی، ما را عطای بقاء ارزانی داشتی.
سپس جلوی چشم های پیروان خوشبخت خود،
ای عیسای پرتوان به سوی شکوه خود بالا رفتی.

(آئین بیزانتین)

* * *

۸- عید نزول روح القدس

سرود ۱:

ما نور حقیقی را دیدیم،
و روح آسمانی را دریافت نمودیم،
ما ایمان واقعی را یافتیم،
ما تثلیث را می‌پرستیم که ما را نجات داد.

تو خداوند، راه نجات را
توسط موسی و پیامبران اعلام نموده بودی.
ولی در حواریون، ای یاور ما
از این پس فیض روح قدوس تو می‌درخشد.

با الهام از روح القدس و سرمست از حضور او
کلیسای تو شگفتی‌های خداوند را می‌پراکند
هریک از ما به زبان خود تو را می‌پذیریم خداوند،
همه را از آتش روح خود منور ساز.

پادشاه آسمان، ای تسلی‌دهنده، و ای روح راستی،
که در همه حضور داری و همه را پر می‌گردانی و ای گنجینه نیکی‌ها
آفریننده زندگی، بیا و در ما مسکن‌گزین
ما را طاهر ساز و نجات ده، ای تو که نیکویی.

استغاثه مدح و ثنا:

* در سراسر قرن‌ها، شکوه تو راست!

خاتمه جشن گذر و فرا رسیدن روح القدس، تحقق وعده و روی نمودن امید را
جشن گیریم.

* ...

این راز چه سترگ و چه مکرّم است! به خاطر همین فریاد سر دهیم: ای آفریدگار
جهان، شکوه تو را باد!

* ...

به موهبت تکلم به زبان‌ها، تورا رسولان خود را غنا بخشیده‌ای، ای مسیح، تا در
این زبانها آنان «سخن» خدای جاودان را که در زندگانی ما رحمت بیکرانش را
جاری می‌دارد اعلام دارند.

* ...

روح القدس فراهم آورنده همه نیکی‌هاست: چون چشمه‌ای نبوت‌ها از آن
می‌جوشد، او تعلیم‌دهنده کاهنان است و در حکمت نادانان را خرد می‌آموزد! از
گناهکاران، الهیدانان می‌سازد. ای پشتیبان، شکوه تو را باد.

* ...

روح القدس تشکیل‌دهنده کلیساست، آن را برپا داشته و به آن جان می‌بخشد. ای
پشتیبان، هم ذات پدر و پسر تو که با پدر و پسر، سلطنت می‌کنی، شکوه تو را باد.

* ...

ای روح القدس، تو پیش از این جهان، خدا بوده‌ای و همواره خواهی بود: تو
خدای ما هستی، شکوه تو را باد!

* ...

سرود ۲:

مسیحا همان‌گونه که وعده کرده بودی روح پشتیبان را بفرستادی
ای یار آدمیان، جهان را نورانی کردی.

تورات و انبیاء امروز به تحقق پیوسته‌اند،
فیض روح القدس تو بر ایمانداران افشاندن شده است.

تو ما را یتیم باقی نهدی،
تو که به دست راست پدر، نشسته‌ای.

به فرونی فیض روح القدس را بیفشان،
آنان را که حریصانه آرزومندش می باشند، روشنایی بخش.

ای سخن، ای یار آدمیان، تو از کوه بالا می روی،
و همه چیز از آرزوهای قلب تو به تحقق پیوسته است،
روح القدس در ما مشیت پدر تو را به انجام می رساند،
شادی تو، در دم و آتش وی به ما داده شده است.

ما به قدرت از اعلاء آراسته شده ایم،
درحالی که در قلب کلیسای تو به دعا و مراقبت پرداخته ایم،
روح القدس تو به تعمید آب،
شاهدان نامت، ستایش کنندگان پدر را حیات می بخشد.

(آئین بیزانتین)

استغاثه شفاعت:

* خداوندا بر ما ترحم فرما

ای روح القدس بیا، از آسمان پرتو شکوه خود را بدرخشان.
...

ای پدر درماندگان بیا، ای روح سخاوتمند بیا، ای نور قلب ها بیا.
...

تو تسلی دهنده کامل، طراوت بی همتا، صلح را در جان ما بنشان
...

در رنج، تو مایه راحتی هستی، در تجربه، قدرتی، در اندوه، تسلایی.
...

ای نور نیکوکار، به خلوت قلب ما در آی، زیرا اعتماد ما به توست.
...

بدون حضور تو، در انسان هیچ چیز نیست، چیزی که پاک باشد.
...

گناهان ما را بزدای، خشکی ما را به آبی زلال فرو بنشان، جراحات ما را درمان کن.
* ...

دل سخت ما را نرم کن، ما را از ولرمی به گرمی در آر، ما را به راه راست هدایت کن.
* ...

به کسانی که به تو اعتماد می کنند و در ایمان به تو می رسند، همه مواهب را به
آنان عطا فرما.

* ...
ما را آن ده که در تو به بزرگی رسیم، در نجات بکوشیم، به ما شادی پایدار عطا
فرما.

* ... (آئین تزه)

سرود ۳

خداوندا تو روح القدس خویش را به وفور بر می افشانی،
و هر نفسی از معرفت تو سرشار است.
از آغاز جاودان از پدر سرشته ای

مسیح، کاهن بزرگ ما را از عذرا داری،
تا نسل فرو افتاده ما را از مرگ برهاند.
روح القدس راستی را که آرزومند آن هستیم
در روح های ما که برای زندگی است، نوین گردان.

ای روح القدس در پیوند با پدر و برانگیخته از وی
بیا در قلوب ما جای گیر و ما را از پلیدی ها پاک گردان
تو ای شاهد سخن، و ای تسلا بخش ما،
آرزوی ملت های به انتظار را برآورده گردان.

زبان‌ها متفرق شده‌اند، ملت‌ها پراکنده گردیده‌اند،
پرتو نور تو در همه راه یابد،
تا ما را با یکدیگر به آتش یگانگی
و برای جلال پدر در یکرنگی دلهایمان آشتی دهد.

(آئین بیزانتین)

استغاثه شفاعت:

* خداوندا بر ما ترحم فرما

خدای همه تن‌ها و سرور همه ارواح، بخشاینده متبارک همه برکت‌ها، خداوندا
و ای منجی نام تو بر زبان ماست.

... *

اسقف ما را تقدیس فرما، وی را از هر وسوسه‌ای در امان دار، به وی حکمت و
معرفت عطا فرما، وی را به راه فقرت رهنمون باش.

... *

برای کشیشانی که او را همراهی می‌کنند به درگاه تو نیایش می‌کنیم، آنها را
تقدیس فرما و به آنان حکمت معرفت و عقیدتی محکم عطا فرما تا راستی تو را با
دقت عاری از خطا به ما عنایت کنند.

... *

همچنین به خاطر شماسان به تو نیایش می‌کنیم، باشد که آنان خدمات خود را با
وجدانی راست به انجام رسانند و از تن مقدس و خون مقدس گرانهای تو مراقبت
نمایند.

... *

ما بخاطر همه کسانی که تو در نزعت قلوبشان، به خود اختصاص داده‌ای نیایش
می‌کنیم. از زندگانی آنان کانونی از نیایش، صلح و محبت برای بشریت فراهم آور.

... *

برای همه کسانی که در محبت زناشویی به سر می‌برند و برای خانواده‌هایشان دعا
می‌کنیم، آنان را این موهبت ارزانی فرما که هر روز در نیروی راز مقدس خود تازه
شده و شاهدان رستاخیز تو باشند.

... *

سرانجام به درگاه تو نیایش می‌کنیم برای کسانی که تو را محبتی پایان ناپذیر و
حیات بخش هستی نمی‌شناسند اما در خلوص نیت خود تو را می‌جویند.
(نظامنامهٔ رسولی)

... *

سرود ۴:

ای روح القدس بیا
و پرتوی از نورت را بر مؤمنین بتابان
تو ای پدر مساکین، بخشنده مواهب،
تو ای نور قلوب ما، بیا.

تو ای تسلائی عالی، مهمان شیرین جان،
تسکین شیرین روان
در زحمت آسایشی، در گرما اعتدالی،
در گریه تسلائی.

ای نور متبارک
ژرفای دل ما را آکنده از خود گردان

بی مدد و قدرت تو
ما را دگر هیچ نیست، جز گناه و گمراهی.

پلیدی را پاک گردان، خشکی را سیراب نما
زخمها را التیام بخش، سختی را نرم نما،
سردی را گرما ده، کجی را راست گردان.

مؤمنینت را ببخش زیرا که بر تو امید دارند
عطایای هفتگانه فضیلت را اجر ببخش

نجات را ارزانی دار.
شادی ابدی را عطا کن.

سرود ۵:

بیا ای روح خالق
در قلب مؤمنین بیا،
توسط عطایای خود در قلبی که آفریده ای فعال بمان.

ای تسلی دهنده، ای روح مشورت،
ای عطیه والای الهی، ای سرچشمه حیات،
ای آتش سوزان محبت، ای تدهین جان،
ای روح موعود که چون کلام بر لب انسانی.

به ادراک ما نور خود را بیفکن
و بر قلب ما محبت خود را بیفشان،
به جان ما نیرو بخش،
ای که توان رنجبرانی.

دشمن بشر را از ما دور ساز
و آرامش خود را بی درنگ عطا کن.
بگذار که توسط راهنمایی تو
نه تنها از بدی آزاد شویم، بلکه از پیرامون آن نیز دوری جوییم.

عطا کن تا پدر را بشناسیم
و پسر را نیز بر ما آشکار گردان.
بگذار که همواره ایمانمان بر تو استوار ماند،
ای روح الهی.

جلال بر پدر که در آسمانهاست.
جلال بر پسر که رستاخیز کرد.
جلال بر روح القدس راهبر.
تا ابدالآباد. آمین.

* * *

۹- عید تجلی مسیح

سرود ۱:

در مسیح خدا را باز می شناسیم
زیرا وی در نوری دست نیافتنی می درخشد.
همچنین با خرمی وی را می سرائیم:
خداوندا غرق در شکوهی.

ما شاگردان خداوند منور گردیده ایم
زیرا وی غرقه در نور به نزد ماست.
با خرمی وی را می سرائیم:
خداوندا غرق در شکوهی.

مسیح همانگونه که وعده کرده بود
پرتوی از درخشش الهی خود را در ما بدرخشانید.
لبریز از این آذرخش، به خرمی بسرائیم:
خداوندا غرق در شکوهی.

رها از بند مرگ، برابرها ره سپریم،
راست به جلو رویم، رو به نادیده آوریم
و در حالیکه مسیح ما را در بر گرفته است، وی را با خرمی بسرائیم:
خداوندا غرق در شکوهی. (آئین بیزانتین)

استغاثه شفاعت:

* خداوندا بر ما ترحم فرما
خداوندا، من گوسفند تو هستم اما شرارت زمانی چند مرا به اسیری گرفت، زیرا
من مرتکب ظلم می گردیدم.

* ...

خداوندا از بهر جستجو به بیرون خرام، به جستجوی آن کس برای که از آن توسست و تمام غنای تو را به بیهودگی بر باد داده است.

* ...

تو برای گناهکاران، صلیب را متحمل گردیده‌ای: من یکی از آن گناهکارانم، مرا خوار بدان.

* ...

من از آن تو هستم و شرارت بر من چیره گردیده است: وی را تهدید کن، فریاد برآور، و آنچه را از آن توسست از چنگ وی بیرون کش.

* ...

تو که به آدمیان محبت داری بر من ترحم فرما، زیرا دور از تو امیدی نیست.

* ...

شکوه رحمت تو را باد، تو که دوستدار آدمیانی و در برابر گناهکاران آتش خشم تو دیر افروز است. از سوی آنان که گمشده بودند اما تو آنان را باز یافته و به شادی خود در آورده‌ای، فیض تو را سزااست.

* ...

(آیین مارونی)

سرود ۲:

تو که جهان را از نور جهانیدی
آدمی را از نور خاص خویش بیافریدی.
تصویرت تو را در تاریکی ها می جوید،
راههای ما را در روشنایی چهره ات رهنما باش

تو که با نور لجه ها را میرانی
همه آدمیان را نورانی کرده و به این جهان می آیی.
تفرقه شک و مرگ را شفا ده.
راههای ما را در روشنایی چهره ات رهنما باش.

نوری که غروب ندارد، تو کینه را مقهور کرده‌ای.
تاریکی ها زدوده می شوند اما تو هستی و می آیی.
مشارکت خود را میان همه آدمیان بپراکن،
راههای ما را در روشنایی چهره ات رهنما باش.

مدت زمانی است که درخشش آن بره بی آلایش
در اورشلیم که تو نور آنجایی، پدید آمده است.
خداوندا چرا درنگ می کنی؟ «آری، من به زودی می آیم».
از شادی پدرم درخشان خواهید بود. (آئین بیزانتین)

استغاثه شفاعت:

* خداوندا بر ما ترحم فرما

برای کسانی که در فشار ناتوانی های بشری، سرگردانی های روحی و یا خطاهای
جهان گرفتارند، رحمت آن فدیة شده را بطلبیم.
* ...

برای کسانی که در سفرهای خود با خطر روبه رو هستند و یا در وسوسه اند، به
درگاه عیسای منجی نیایش کنیم.
* ...

ای خداوند حقیقت، برای قوم یهود که هنوز در انتظار توسست و برای همه
کسانی که تو را نفی می کنند، به درگاه تو نیایش می کنیم.
* ...

برای کارگران خدا که در شفقت برادرانه در خدمت دیگران هستند، به درگاه
خدای بخشاینده مهربان نیایش کنیم.
* ...

برای همه کسانی که به خانه خداوند وارد می شوند و با هم در یک پرستش و یک
تضرع گرد هم آمده اند خدای پر شکوه را نیایش کنیم.
* ...

برای پاک شدن قلب هایمان، برای بخشایش همه گناهانمان به درگاه خدای مهربانی ها و رحمت ها نیایش کنیم.

* ...

برای همه کسانی که در ایمان به تو خفته اند و در انتظار بازگشت پر شکوه تو می باشند، ای خداوند روح ها و داور همه آدمیان تو را نیایش می کنیم.
(آئین رومی)

سرود ۳:

غرقه در روشنایی توسط سخن تن یافته،

خیره به شکوهش در جسم بشری،

رسولان چهره بر خاک فریاد برداشتند:

«خداوندا، خدای پدرانمان تو متبارکی».

صورت خدای نادیدنی را با دیدگان خود دیدیم

فرزندان آدمی صدای پدر را بشنیدند

آری، الوهیت در وجود ما درخشیدن گرفته

در پسر محبوب، ما نیز به فرزندخواندگی برگزیده شده ایم.

نه از ره فرزندخواندگی، بلکه از راه سرشت، تویی آن پسر،

تو یکتا، سخن، که مایه خشنودی پدر است

در بین ما، بدون تغییر تو جایگاه خود را بر می نشانی،

تا بشر پراکنده را در خود متحد گردانی.

مسیحا تو در طی قرن ها هم خدایی و هم انسان،

که از ازل پدر وی را بسرشته است،

و در عالم بشری، از عذرابی مقدس زاده شده است:

تنها مسیح همه چیز است و در سراسر هستی است.

(آئین بیزانتین)

استغاثه شفاعت:

* خداوندا بر ما ترحم فرما

برای صلحی که آسمانی است، برای خیرخواهی خدا نسبت به ما و نجات زندگیمان، خداوندا به تو نیایش می کنیم.

* ...

برای صلح جهانی و اتحاد همه کلیساهای مقدس خداوندا به تو نیایش می کنیم.

* ...

برای این انجمن مقدس و همه کلیساهای کاتولیک و رسالتی، از این کران تا آن کران زمین، خداوندا به تو نیایش می کنیم.

* ...

برای کسانی که در اندیشه درماندگان، بیوگان و یتیمان، بیگانگان و تهی دستان هستند، برای کسانی که از ما خسته اند که در نیایش هایمان از آنها یاد کنیم، خداوندا به تو نیایش می کنیم.

* ...

برای سالخوردگان و از پا افتادگان، برای بیماران و بدبختان و کسانی که به تأثیر روح شریر در عذابند، خداوندا به تو نیایش می کنیم تا خدا ایشان را شفای عاجل بدهد.

* ...

برای همه کسانی که در سفر، در اسارت، در تبعید و در زندان هستند، برای آن که بازگشتی خوش به خانه هایشان در شادمانی داشته باشند، خداوندا به تو نیایش می کنیم.

* ...

برای برادران و خواهران که در اینجا حاضر یا غایب می باشند، و با ما در این لحظه و در همه لحظه ها در نیایش می باشند، برای این که به همت آیند، کوشا گردند و هوشمند، خداوندا به تو نیایش می کنیم.

(آیین سریانی)

* ...

۱۰- عید به خواب رفتن حضرت مریم

سرود

ای مریم عذرا، تو مأمن خدایی
تو چشمه ای هستی که دست آدمی آن را حفر نکرده است
آبی که گناهان را می زداید، از تو جوشیده است
ای زمین شیار نیافته، بارور از روح القدس.

تو تاک محبوب و یکتای پدری
که شراب بقاء را ما می دهد
زیتون سرسبز رحمت
مغاک زمین نمی تواند تو را در خود گیرد.

همان گونه که سخن، در تن خویش که از تو آن را بگرفت
زننده از گور و مرگ برخاست،
همچنان باید مادر بی آلالشش را که به او زندگانی بخشیده بود
به شکوه خویش در می آورد.

تو را به شگفتی های محبت، شکل داد
تا نخست زاده از رحم عذرائی تو پا به جهان گذارد.
با تن زنده خود به سوی پدر شد
و در تو معبد ملکوت را بر پا کرد.

(یوحنا دمشقی)

استغاثه شفاعت:

* خداوندا بر ما ترحم فرما

ای مسیح، دلخواه مردمان، نور نوید خود را در مناطقی که هنوز سخن زندگی تو را
دریافت نکرده اند، بدرخشان.

... *

تو که مادر خویش را به ملکوت خود فراخواندی، همه آفریدگان را به سوی خود
بخوان و باشد که نجات تو تا دور دست ترین نقاط جهان برسد.

... *

ای مسیح، خداوندا، همان طور که وعده داده ای در کلیسای خود تا پایان! برقرار
بمان.

... *

ای کسی که همه چیز را به جای می آوری، پهنه کلیسای خود را بگستران تا
برادرانه همه مردمان را از هر زبان و نژادی پذیرا گردی.

... *

ای پادشاه صلح و آرامش، ملت ها را با دست قوی خود هدایت فرما تا به جای
آورنده مشیت نجات و رحمت تو باشند.

... *

تو که ما را به مادر بی آلالش خود سپرده ای، قدرت بینوایان باش، آنانی را که به
وسوسه فرو رفته اند، قوی گردان، آنانی را که فرو افتاده اند برخیزان.

... *

بزودی بیا تا همه را در ملکوت خود گرد آوری، ایمان آنانی را که به شکنجه
دیده اند تقویت فرما و به همه شادی امید و شوق محبت عطا فرما.

... * (آئین تزه)

* * *

۱۱- عید صلیب پر جلال

سرود ۱:

خداوندا وقتی به صلیب کشیده شدی،
آدم را با طبیعت ساقطش بر نمودی.
ما صلیب زندگانی بخش تو را شکوهمند می داریم
ای مسیح، دوست آدمیان، قُرو شکوه تو را باد!
مرگ با انسانی در آمده است،
رستاخیز نیز با انسانی در آمده است.
همانگونه که در آدم مرگ ما را شکست داد،
همانگونه در مسیح نیز دوباره زندگانی می یابیم.

بر چوبی که پاهای معصوم خود را قرار دادی
کلیسایت بوجد آمد، مسیح مرگ را مقلوب کرد
ما نظاره گر شکوه تو بودیم زیرا بدانجاست که تو سلطنت می کنی
تا هر نوع مرگ به زیر پای تو نهاده شود.

ای درخت نوین ملکوت که در راهی، درود
که در آن ملل پراکنده از هم را پناهی هست
در تو همه نجات یافته اند و از شادی در پوست خود نمی گنجند:
خداوندا ما را غریق رحمت خویش گردان.
(آئین بیزانتین)

استغاثه مدح و ثنا:

* در سراسر قرنهای شکوه تو راست!

خداوندا با صلیب تو، مردم و حکام، نژادها و طبقات، تدابیر در هم شکسته،
درماندگان محروم، به آشتی و صلح تن در خواهند داد.

* ...

با صلیب تو کلیسایت به وجد خواهد آمد، زیرا با فروتن ساختن اوست که تو آنها
را بخود شبیه خواهی گردانید.

* ...

صلیبی که از خدا است، صلح را به بشر ارزانی خواهد داشت: تو خداوند صلح،
آن را به بشر ارزانی فرما.

* ...

خداوندا، صلیب تو کلیسایت را نیرومند خواهد گردانید: این با ناتوانی توست
که انجیل تو قدرت خدا برای همه باور آورندگان است.

* ...

خداوندا صلیب تو در همه قلب‌ها می درخشد: صلیب پشتیبان بشر درمانده
است.

* ...

با صلیب توست که بشر در آسایش پدر می آساید: آری یوغ تو خفیف است و بار
تو سبک.

* ...

(آئین کلدانی)

سرود ۲:

ای صلیبی که ایمان ما بتوست!
ای درخت نورانی که در میان ما بکتایی
در هیچ بیشه‌ای مانند تو بوجد ناید
نه مانند شاخه‌هایت و نه گل و میوه‌هایت.

ای چوب خوش عطر ای میخ‌های مبارک
چه وزنی را تحمل می کنید؟

ای درخت تنومند، بازوانت را پایین آور
و کالبد از هم پاره‌اش را رها ساز.

تو تنها شایسته حمل قربانی جهان بودی.

تو آن کشتی هستی که جهان مغروق را به بندرگاه نجات می رسانی.

تو که در آن خون الهی جاری از تن بره غرقه هستی
و سراسر جهان در امواج آن شستشو گردیده است.

ای قربانگاه درود ما به توست! درود بر تو.

آنجاست که زندگانی مرگ را متحمل گردیده است
و از ره مرگ، زندگانی را به ما باز پس داده است.

(آئین رومی)

استغاثه شفاعت:

* خداوندا بر ما ترحم فرما

با صلیبت، خداوندا کلیسایت را پا بر جا دار، قوم خود را دوام بخش، ایمان
آوردگانت و کشیشانشان را مطهر دار، آنانی که تو را به میراث برگزیده اند،
شادمان گردان.

... *

خداوندا به صلیبت، کهنسالان را مراقبت فرما، به جوانان خردمندی عطا کن،
خردسالان را پروران و کودکان را به بار آور.

... *

با صلیبت خداوندا، گناهکاران را ببخش و نسبت به جاهلان اغماض نما.

... *

با صلیبت، خداوندا، سراسر جهان را محافظت فرما و مادر میان ماکه همیشه به
تو تضرع می کنیم، باش.

... *

خداوندا، قوم تو، رنج تو را تجلیل می کند، جراحات تو را بر خود می گیرند،
ضرباتی را که بتوزده اند بر خود هموار می کند، کوفتگی های تو را بوسه می زنند و
به صلیب تو تجلیل می یابند.

... *

همه را نجات ده خداوندا، وعده هایت را نسبت به آنان به انجام رسان: به روز
رساخیز به دیدار ما بشتاب تا تصویر ما شبیه به تو درخشان گردد.

... *

ای خداوند مهر و نکویی، از دل غم ها را بزدای، آب دیده دردمندان را پاک کن،
ما را از روح تسلا بخش خویش سرشار گردان. زیرا تو تنها مایه امید ما هستی.

... * (آئین سریانی)

سرود ۳:

موسی بازوان خود را همانند صلیب تو گشوده

و دشمنان را در بیابان پراکنده ساخت.

تا قوش دوباره نیرو گرفته و بر تو ایمان آورد.

درواقع ای مسیح، او از قبل قدرت و توان صلیب تو را نشان می داد.

از صلیب تو، تجلیل شد و شیاطین گریختند.

صلیب تو، آفرینش را از اسارت رهایی بخشید.

صلیب تو، ما را از تمام نعمات الهی منور ساخت.

خداوندا، اعمال تو بس عظیم اند. سپاس بر تو باد!

درود بر تو ای صلیب جانبخش، ای درگاه بهشت و ای قیام مؤمنین.

تو قدرت مرگ را درهم فرو ریخته،

و ما را از زمین به سوی آسمان بالا کشیدی.

پس سرچشمه نجان و شادی جهان، در توست.

درود بر تو ای صلیب، ای آزادی بخش جهانیان.

ای نشانگر شادی راستین و ای راهگشای نابینایان و شفا بخش بیماران.

توئی که مردگان را برمی خیزانی و ما را در الوهیت سهیم می گردانی.

خداوندا، ما را در ملکوت خود بیاد آور.

(آئین بیزانتین)

* * *

۱۲- عید تقدیس کلیسا

سرود:

اینک داماد در دل شب می آید.
اگر بنده اش را بیدار یابد، خوشابه حال او.
پس بیدار بمانیم و در خواب سنگین فرو نرویم
تا مغلوب مرگ نگشته و از ملکوت رانده نشویم.
از سستی دوری کنیم و در پرستش بیدار بوده، بگوییم:
قدوس، قدوس، قدوسی، ای خدای ما،
پدر پُرشفقت، ای کلام خدا که انسان گردیدی و ای روح تقدس!
با دعا‌های مادر خداوند، بر ما ترحم فرما.
در این آخرین مرحله از زمان، رنگ و شکل این دنیا می گذرد.
اینک داماد می آید و در آستانه می ایستد:
باکره‌های مقدس، درخشان از شادی
فانوس بدست، به ملاقات او می شتابند.
باکره‌های نادان، فانوس خاموش بدست
بیهوده به درب ضیافت ملکوت هجوم می آورند.
پس بیدار بمانیم و پرهیزکار باشیم و خود را زلال نگاه داریم،
و با امید به سوی خداوندی بنگریم که بزودی می آید. (الهام یافته از کتاب مقدس)

استغاثه شفاعت:

* خداوندا بر ما ترحم فرما

خداوندا کلیسا را به یاد آور: به طور مداوم روح اتحاد، قدرت و تقدس را بر وی
نازل گردان. این کلیسا را که در خون خود مطهر کرده ای در محبت خویش حفظ فرما:
تا ما در روز آمدن تو بری از سرزنش باشیم.

* ...

ما برای همه آنان که به کلیسا سپرده ای دعا داریم: روح احتیاط و تقدس خود را به
ایشان ارزانی دار تا ما را به سوی تو رهنمون باشد.

* ...

خداوندا برای کسانی که ملت‌ها را رهبری می نماید دعا داریم: به آنان حس
عدالتخواهی را ارزانی فرما تا تأمین کننده نیکی‌ها و صلح برای همه باشند.

* ...

از میان ما پیک‌های سخن خود را برگزین تا نور راستی تو را به دورترین نقاط
جهان برسانند.

* ...

خداوندا به مؤمنان خود روح نیایش و ستایش ارزانی فرما: تا در هر امری به طور
مداوم سپاسگزاری به جای آوریم.

* ... (آئین تزه)

سعادت‌های ازلی

خداوندا در ملکوت خویش از ما یاد کن.
خوشا به حال درماندگان در روح
زیرا ملکوت آسمانها از آن ایشان است.
خوشا به حال نرمخویان زیرا زمین را به میراث خواهند برد.
خوشا به حال مصیبت‌زدگان زیرا آنان تسلی خواهند یافت.
خوشا به حال گرسنگان و تشنگان عدالت،
زیرا آنان سیراب خواهند شد.
خوشا به حال رحم‌کنندگان، چه بر آنان رحمت خواهد شد.
خوشا به حال قلب‌های پاک زیرا خدا را خواهند دید.
خوشا به حال بنیانگذاران صلح زیرا پسران خدا نامیده خواهند شد.
خوشا به حال شکنجه‌شدگان بخاطر عدالت،
زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است.

شما چه سعادت‌مندید وقتی شما را دشنام می‌دهند و شکنجه می‌کنند و به هر طریق
 به خاطر من به شما تهمت می‌زنند.
 خوشحال و شادمان باشید
 زیرا پاداش شما در آسمان‌ها بزرگ خواهد بود.
 فر و شکوه پدر، پسر و روح القدس راست، هم‌اکنون و جاودانه
 از قرنی به قرنی آمین.
 خداوندا در ملکوت خویش از ما یاد کن.

* * *

* *

*

بخش چهارم

سایر نیایشها

دعای عیسی

(این دعا را می‌توان در هر موقعیت و زمان و مکان گفت، و معمولاً صد مرتبه تکرار می‌شود).

«عیسی مسیح، خداوند و نجات‌دهنده ما، بر من گنهکار رحم فرما»

تسبیح مریم مقدس

رازهای شادمانی:

(بخصوص در دوره آمادگی برای عید میلاد گفته می‌شود)

راز اول- بشارت فرشته به مریم مقدس را به یاد بیاوریم.

— ای پدر ما که در آسمانی، تقدیس شود نام تو، بیاید فرمانروائی تو، روان باد خواست تو روی زمین، چنان که در آسمان است. آن نان روزانه ما را امروز به ما ده، ببخشای گناهان ما را، چنان که ما نیز می‌بخشیم مدیونان خود را، ما را در وسوسه میاور، بلکه از شریر ما را رهائی ده، زیرا فرمانروائی و قدرت و جلال تا به ابد از آن توست. آمین. (یک بار)

— درود بر تو ای مریم، پر از نعمت، خدا با توست، در میان زنان تو مبارک هستی و عیسی میوه درون تو مبارک است. ای مریم مقدس، مادر خدا، برای ما گناهکاران اکنون و در هنگام مرگ ما دعا کن. آمین. (ده بار)

— جلال بر پدر و پسر و روح القدس، از آغاز تا به ابد. آمین.

راز دوم- رفتن مریم مقدس نزد ایصابات را به یاد بیاوریم.

ای پدر ما ... — درود بر تو ای مریم ... — جلال بر پدر و پسر و روح القدس ...

راز سوم- تولد مسیح در بیت لحم را به یاد بیاوریم.

ای پدر ما ... — درود بر تو ای مریم ... — جلال بر پدر و پسر و روح القدس ...

راز چهارم- تقدیم کردن عیسی در معبد را به یاد بیاوریم.

ای پدر ما ... — درود بر تو ای مریم ... — جلال بر پدر و پسر و روح القدس ...

راز پنجم- گم شدن عیسی در معبد و سپس باز یافتن او را به یاد بیاوریم.

ای پدر ما ... — درود بر تو ای مریم ... — جلال بر پدر و پسر و روح القدس ...

رازهای اندوه:

(بخصوص در ایام روزه گفته می‌شود)

راز اول- دعای عیسی را در باغ جتسیمانی قبل از تسلیم شدنش به یاد بیاوریم.

— ای پدر ما که در آسمانی، تقدیس شود نام تو، بیاید فرمانروائی تو، روان باد خواست تو روی زمین، چنان که در آسمان است. آن نان روزانه ما را امروز به ما ده، ببخشای گناهان ما را، چنان که ما نیز می‌بخشیم مدیونان خود را، ما را در وسوسه میاور، بلکه از شریر ما را رهائی ده، زیرا فرمانروائی و قدرت و جلال تا به ابد از آن توست. آمین. (یک بار)

— درود بر تو ای مریم، پر از نعمت، خدا با توست، در میان زنان تو مبارک هستی و عیسی میوه درون تو، مبارک است. ای مریم مقدس، مادر خدا، برای ما گناهکاران، اکنون و در هنگام مرگ ما دعا کن. آمین. (ده بار)

— جلال بر پدر و پسر و روح القدس، از آغاز تا به ابد، آمین.

راز دوم- تازیانه خوردن عیسی را به یاد بیاوریم.

ای پدر ما ... — درود بر تو ای مریم ... — جلال بر پدر و پسر و روح القدس ...

راز سوم- تاجگذاری عیسی را با خار به یاد بیاوریم.

ای پدر ما ... — درود بر تو ای مریم ... — جلال بر پدر و پسر و روح القدس ...

راز چهارم- عیسی را در حال حمل صلیب به تپه جلیتا به یاد بیاوریم.

ای پدر ما ... — درود بر تو ای مریم ... — جلال بر پدر و پسر و روح القدس ...

راز پنجم- مصلوب شدن و جان سپردن عیسی را به یاد بیاوریم.

ای پدر ما ... — درود بر تو ای مریم ... — جلال بر پدر و پسر و روح القدس ...

رازهای جلال:

(بخصوص از عید قیام تا شروع ایام مژده گفته می شود)

راز اول- رستاخیز عیسی را به یاد بیاوریم.

— ای پدر ما که در آسمانی، تقدیس شود نام تو، بیاید فرمانروائی تو، روان باد خواست تو روی زمین، چنان که در آسمان است. آن نان روزانه ما را امروز به ما ده، ببخشای گناهان ما را، چنان که ما نیز می بخشیم مدیونان خود را، ما را در وسوسه میاور، بلکه از شریر ما را رهائی ده، زیرا فرمانروائی و قدرت و جلال تا به ابد از آن توست. آمین. (یک بار)

— درود بر تو ای مریم، پر از نعمت، خدا با توست، در میان زنان تو مبارک هستی و عیسی میوه درون تو، مبارک است. ای مریم مقدس، مادر خدا، برای ما گناهکاران، اکنون و در هنگام مرگ ما دعا کن. آمین. (ده بار)

— جلال بر پدر و پسر و روح القدس، از آغاز، تا به ابد، آمین.

راز دوم- صعود عیسی به آسمان را به یاد بیاوریم.

ای پدر ما ... — درود بر تو ای مریم ... — جلال بر پدر و پسر و روح القدس ...

راز سوم- فرود آمدن روح القدس بر رسولان را به یاد بیاوریم.

ای پدر ما ... — درود بر تو ای مریم ... — جلال بر پدر و پسر و روح القدس ...

راز چهارم- بر شدن مریم مقدس به آسمان را به یاد بیاوریم.

ای پدر ما ... — درود بر تو ای مریم ... — جلال بر پدر و پسر و روح القدس ...

راز پنجم- تاجگذاری مریم مقدس و شکوه فرشتگان و مقدسین را در آسمان به یاد بیاوریم.

ای پدر ما ... — درود بر تو ای مریم ... — جلال بر پدر و پسر و روح القدس ...

دعا‌های طلب یاری

خداوندا، با فیض و رحمت بیکرانت، و با قدرت پنهان و پرستایش سه گانه مقدست دست مهربانت را از جایگاه پر برکت خود فرود آر و بر ناتوانی پرستندگان قرار ده، همراه با دعای مریم مقدس و تمام مقدسین، ای سرور جمیع عالم، پدر و پسر و روح القدس، تا ابدالآباد. آمین.

یاری خواستن از مریم مقدس

خداوندا، دعای مریم، باکره مقدس و مادر سرشار از فیض و برکت، همراه با قدرت عظیم صلیب و دعای یحیی تعمید دهنده، همواره و تا به ابد با ما باشد. ای سرور جمیع عالم، پدر و پسر و روح القدس، تا ابدالآباد. آمین.

یاری خواستن از رسولان

خداوندا، دعای رسولان مقدس، واعظان پاک سرشت، التماس و تمنای پهلوانان پیروز، اعلام کنندگان راستی، مبلغین عدالت، کارنده صلح و آرامش در هستی؛ همواره و تا به ابد با ما باشد. ای سرور جمیع عالم، پدر و پسر و روح القدس تا ابدالآباد. آمین.

یاری خواستن از مقدسین

دعا و تمنا و خواسته تومای قدیس پدر پاک سرشت و رسول خجسته کلیسای ما، و نیز آدای و ماری قدیس تعلیم دهندگان کلیسای شرق، قدیس استیفان نوبر شهدا، قدیس شمعون بارصابایی، و یعقوب (افراهات) قدیس، اپرم قدیس، قدیس گیورگیس شهید قدرتمند و پیروز، قدیس قورباقوس، قدیس پیطیون، قدیس هرمز، قدیس اوگن، و تمام جماعت‌های روحانی، و نیز قدیسه باربارا، شمونی و پسرانش، مادر مسکین و دو پسرش، و تمام شهدا و مقدسین خداوند همواره حصار بلند، پناهگاه محکم، و رهاننده و نجات بخش و حافظ تن و روح ما از شریر و قدرتهایش باشند. همواره و تا به ابد.

ای سرور جمیع عالم، پدر و پسر و روح القدس تا ابدالآباد. آمین.

دعای قبل از صرف غذا

خداوندا، برکت خود را بر ما و بر این سفره که از طرف تو فراهم شده عطا فرما، و ما را شایسته ساز که در ملکوت بر آن سفره آسمانی حضور داشته باشیم. آمین.

دعای انتخابی از قدیس یوسف حضایا (قرن هشتم میلادی)

قسمت اول:

تو را ستایش باد،
ای نوبر هستی، که متعال و پر جلال
چون با قربانی خود،
نجات را به جهان ارزانی داشتی.

ای مسیح، ای پسر پدر آسمانی،
به حضورت، با ترسی آمیخته از احترام، دعا می کنم.
خداوندا، در پی اراده ات، و در جستجوی رحمت هستم،
تا تمام وجودم، از فیض تو تقدیس شود،
و جبر و فشار دشمن، بر من بی اثر ماند.

با رحمت خود، فهم و ادراک مرا، پاک ساز،
تا دستهایم را در پاکی بگسترانم،
و تن و خون مقدس و سهمناک تو را بپذیرم.
با زوفای فیض بخش خود،
ذهن باطنی ام را پاک ساز،

چون در شرف نزدیک شدن به قدس الاقداس «رازهایت» می باشم.

مرا از افکار جسمانی بشوی
و درکی را که از آن روح توست،

با زوفای روحم در آمیز.
بگذار ایمانی در من ساکن شود،
که «رازهای» تو را بنگرد.

تا من نیز قربانی ات را،
نه با دید خود، بلکه همان طور که هستی بنگرم.
باشد که فکر من در باطن وجودم،
به سوی قربانی نهفته ات، سفر کند.
همان طور که آشکارا سفر کردی،
و با «رازهایت» در آمیختی.

در این لحظه،
باشد که خود را کاملاً از یاد ببرم،
و هیچ گونه، توجهی به خود نکنم.
باشد که هر تصویر جسمانی، از چشم ذهنم، شسته شود،
و باشد که تنها تو، در برابر چشم ذهنم، مجسم شوی.

و اکنون،
در وقت فرود آمدن روح تو از آسمان بر «رازهایت»،
باشد که من در روح، از زمین به آسمان صعود کنم.

در این وقت،
هنگامی که قدرت تو با نان در می آمیزد،
باشد که زندگی من با زندگی الهی تو بیامیزد.

در این لحظه،
هنگامی که شراب، تغییر یافته و به «خون تو» تبدیل می شود،
باشد که افکارم مست اختلاط با «محبت تو» شوند.

در این وقت،

هنگامی که «بره» روی قربانگاه، گسترده شده،

باشد که گناه در من مقطوع،

و کاملاً از اعضای بدنم برداشته شود.

در این لحظه،

که تن تو همانند قربانی برای پدر تقدیم می شود،

باشد که من نیز قربانی مقدسی

برای تو، و آن کس که تو را فرستاد گردم،

و باشد که دعایم در پیشگاه تو، با دعای کشیش، صعود نماید.

قسمت دوم:

دستهای پنهانی در من قرار ده،

تا بتوانم با آنها اخگر آتشین حمل کنم.

قلبی پاک در من بیافرین،

تا قدرت مقدست، در درونم ساکن شود،

تا با قدرت روح تو بتوانم به گونه ای روحانی،

نجات را تنفس نمایم.

خداوندا،

چشمانی در درون چشمانم بیافرین،

تا بتوانم با چشمان نوین خود،

قربانی مقدست را با تعمق بنگرم.

خدایا،

شاید قادر به دیدن و درک واقعی

آنچه را که تاکنون دریافت می کنم، نباشم.

اما مرا شایسته ساز، که حقیقت آن را دیده و درک نمایم،
مانند شمعون ماهیگیر، که به خاطر ایمانش متبارک خوانده شد.

خداوندا باشد که نه فقط نان را که تن تو،

و جام را که خون توست، بچشایم

بلکه ایمانی عطا کن، تا بتوانم تن تو را بنگرم و نه نان را،

و خون زنده تو را از جام بیاشامم.

خدایا، کامی روحانی عطا کن،

که قادر به چشیدن خون تو باشد، و نه شراب.

مرا، از تمام نشانه های طبیعت جسمانی ام تطهیر گردان،

و نشانه های طبیعت الهی خود را در من بگذار

باشد، در حالی که به تو نزدیک می شوم، تنها تو را ببینم،

باشد که به آنچه در کنارم قرار دارد، توجه نکنم،

و فقط در منزلگاه دعا، در آسمان گام بردارم.

و باشد که تو را که در برترین آسمانها هستی، بپذیرم.

قسمت سوم:

هنگامی که تولد نوین را از آبهای تعمید به من دادی،

از من موجودی روحانی ساختی،

اکنون نیز مرا، در حالی که به تو نزدیک می شوم،

موجودی روحانی بنما.

چه ترسناک است، خدایا که تن و خون تو،

ای مسیح نجات دهنده ما،

با همان دهانی صرف و نوشیده شود،

که غذا و شرب طبیعی تناول می شود.

خداوندا، تو به موجودات آسمانی
آنچه را که اکنون دریافت می‌کنم، عطا نکردی،
در وجودم، احساس حیرت و شگفتی را،
نسبت به صلیبت، به حرکت درآور، خدایا،
و در این لحظه مرا از اشتیاق و ایمان پر ساز،
تا افکارم با آتش محبت شعله ور شده،
و چشمانم برای تو جویبار کوچکی از آب شوند.

باشد که محبت پنهان تو، با افکار من درآمیزد،
تا افکار پنهان من، با ناله‌ها و اشکها به سویت روان شوند.

باشد که جسمم، به وسیله تو تقدیس گردد،
و باشد که روحم، برای تو به درخشش درآید.

باشد که توسط تو، جسم من
از هر بت و تصویر زمینی تطهیر شود.

و باشد که توسط تو، افکارم پاک و تمام اعضای بدنم تقدیس گردند.
باشد که توسط تو، ادراکم درخشان شده و ذهنم منور گردد.

باشد که وجودم برای تو هیكل مقدسی شود،
و از شکوه و عظمت تو آگاه گردد.

باشد که در پنهان برای تو رَحِمی شوم،
که تو شب هنگام در آن ساکن شوی،

و آنگاه، من شادمانی آسمانی را دریافت خواهم کرد
و در قدس الاقداس افکارم

تو را آشکارا پذیرا می‌شوم

و از تن و خون تو،

تمام اعضای بدنم، سرخوش و شاد خواهند شد.

تو در نان و شراب آشکار کردی،
آن راز پنهانت را.

در من محبت را آشکار کن،
تا آتش اشتیاقی از درونم بدرخشد و بتوانم
تن و خون تو را در محبت پذیرا شوم.

با به انجام رساندن قربانی خود
خواسته‌ام را به انجام رسان، دعایم را بپذیر.
به سخنانم گوش فرا ده، و تمام وجودم را ممهور کن.

قسمت چهارم:

خدایا، من آشکارا تمام بدنم را
با نشان صلیب، نشان می‌کنم.

همان طور که گفته‌ای، خدایا،
مرا با حقیقت صلیبت از طریقی پنهان ممهور کن.

باشد که تو را بپذیرم،
نه در معده، که از اعضای بدنم هست،

بلکه در رحم ذهنم،

تا تو در آنجا بارور شوی،
همان طور که در رحم باکره بارور شدی.

و باشد که از طریق انجام کارهای معنوی و اعمال نیکو،
که باعث خشنودی اراده توست، در من آشکار شوی.

باشد که از طریق تناول تن تو

هوسهای ناپاکم به پایان برسند،

و با نوشیدن جام تو امیالم خاموش شوند.
 باشد که از طعام تو تمام افکارم نیرو بگیرند،
 و از خون زنده و رنج گرانبهایت،
 برای پیمودن راه پرهیزکاری و خدمت، قدرت بیابم.
 باشد که پنهانی رشد کنم، و آشکارا نمایان گردم.
 باشد که دونده ای مشتاق شوم،
 و به مقام آن «شخص پنهان» نایل گردم.
 باشد که کامل شوم،
 و تمام اعضای روحم به تکامل رسند،
 و با تاج کمال تاجگذاری گردند.
 باشد، همان گونه که وعده دادی،
 نیم تاجی در دستان تو شوم.
 ای سرور راستی، ای پادشاه پر جلال،
 ای خداوند قدرتها، و ای خدای متعال.
 باشد که، با تو آمیخته شوم،
 با محبت و اشتیاق تو،
 در آن روز اقتدار که درخشان خواهی شد.
 و در زمان به انجام رسیدن کلامی که می گوید:
 «در مقابل تو، هر زانویی خم شده،
 و هر زبانی، در آسمان، بر زمین، و در ژرفای زمین،
 نزد تو اقرار خواهد کرد...»

باشد که همراه با موجودات آسمانی،
 و تمام آنانی که تجلیات را در روح گرامی می دارند،

تو را اقرار کنم، تمجیدت نمایم و ستایشت کنم،
 در آن ملکوتی که هیچ گاه به پایان نمی رسد.
 اکنون و همیشه. آمین.

(دعایی از شارل دوفوکو)

(نیایش تسلیم)

ای پدر مهربان، من خود را به تو تسلیم می کنم،
 هرآنچه میل توست و هرآنچه بر من کنی از تو سپاسگزارم.
 من آماده قبول هر چیز از سوی تو هستم
 و هرچه تو بخواهی می پذیرم.
 خدای من تمنای دیگری ندارم جز انجام خواست تو در من
 و در همه موجودات.
 ای پدر، من روح خود را
 همراه با عشق کامل قلبی خویش در اختیار تو می گذارم
 چون دوست داشتن تو برای من یک امر حیاتی است،
 به عشق و علاقه تو بی قید و شرط تسلیم هستم
 و در تو اعتماد کامل دارم،
 همه اینها به دلیل این است که تو پدر من هستی.

دعایی ساده از قدیس فرانسیس آسیسی

ای خداوند مرا وسیله صلح خود گردان تا:
 جایی که نفرت هست، محبت آرم
 جایی که اهانتهست، گذشت آرم
 جایی که نفاق هست، اتحاد آرم

جایی که خطا هست، راستی آرم
 جایی که تردید هست، ایمان آرم
 جایی که یأس هست، امید آرم
 جایی که ظلمت هست، روشنی آرم
 جایی که غم هست، شادی آرم

ای استاد الهی، مرا عطا فرما که:

طالب تسلی دادن باشم، تا اینکه تسلایم دهند
 طالب درک کردن باشم، تا اینکه درکم کنند
 طالب محبت کردن باشم، تا اینکه محبتم کنند

چرا که :

با عطا کردن، دریافت می‌کنیم
 با انکار خود، مورد درک قرار می‌گیریم
 با بخشودن، بخشوده می‌شویم
 با مردن، به حیات برمی‌خیزیم.

دعای قدیس ایگناتیوس اهل لویولا
 (نیایش تقدیم)

«ای خداوند،

تمام آزادییم، حافظه‌ام، ادراکم
 و تمام اراده‌ام از آن تو باد!
 هرآنچه که دارم و آنچه که هستم،

تو به من داده‌ای
 و من آن را به اراده الهی تو تسلیم می‌کنم
 تا آنچه که می‌خواهی با من انجام دهی.
 فقط محبت و فیض خود را به من عطا کن
 که آن برای من ثروتی کافی است
 و دیگر چیزی نمی‌خواهم.»

* * *

* *

*